

الهیات کتاب مقدسی

چگونه
کلیسا وفادارانه
انجیل را تعلیم
دهد

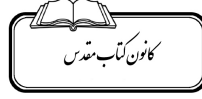


نیک روآرک - رابرت کلاین

نادر پورمند

IX 9Marks

Building Healthy Churches



Biblical Theology

Nick Roark and Robert Cline

(Farsi)

الهیات کتاب مقدسی

نویسندگان: نیک روک و روبرت کلاین

برگردان به فارسی

نادر پورمند | محمد ثانوی

Translation By:

Mohammad Sanavi Nader Pormand

Bible Training Center for Persians

ISBN 978-1-951474-47-8

شابک ۹۷۸-۱-۹۵۱۴۷۴-۴۷-۸

© 2020, 9Marks

www.9marks.org

www.btcpersians.com

www.kanoneketab.com

Biblical Theology: How the Church Faithfully Teaches the Gospel
Copyright © 2018 by Nick Roark and Robert Cline
Published by Crossway
1300 Crescent Street
Wheaton, Illinois 60187

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form by any means, electronic, mechanical, photocopy, recording, or otherwise, without the prior permission of the publisher, except as provided for by USA copyright law. Crossway® is a registered trademark in the United States of America.

Cover design: Darren Welch Illustration by Wayne Brezinka

Hardcover ISBN: 978-1-4335-5606-7 ePub ISBN: 978-1-4335-5609-8
PDF ISBN: 978-1-4335-5607-4 Mobipocket ISBN: 978-1-4335-5608-1

Library of Congress Control Number: 2020936307

Crossway is a publishing ministry of Good News Publishers.

XX 29 28 27 26 25 24 23 22 21 20
15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

Farsi ISBN: 978-1-951474-47-8

© 2019 www.kanoneketab.com \ www.btcpersians.com

Farsi Editor: Mohammad Sanai, Translation By: Nader Pormand



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



عنوان: الهایت کتاب مقدسی
نویسندگان: نیک روک و روبرت کلاین
مترجم: نادرپورمند
ویرایش: محمد ثانوی
تعداد صفحات: ۱۳۴
شابک ۹۷۸-۱-۹۵۱۴۷۴-۴۷-۸
ناشر: کانون کتاب مقدس
چاپ اوّل ۲۰۲۰

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است. هرگونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه کانون کتاب مقدس مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

خوانندگان گرامی

امروزه ضرورت مطالعه اصولی و درک صحیح کتاب مقدس برای همه مسیحیان کاملاً مشهود است و هدف ما از ترجمه، گردآوری و تدریس این مجموعه کتب تعلیمی این بوده که به نوعی ابزارهای لازم برای این مهم را در اختیار معلمین کتاب مقدس قرار داده و آنها را مجهز نماییم تا علاوه بر تعلیم صحیح کتاب مقدس و شاگردسازی، قادر باشند تعالیم غلط و دروغین را نیز تمیز دهند.

امیدواریم و دعای ما این است که با درک صحیح و عمیق تر از کتاب مقدس، ثمرات نیکوی کلام خدا در زندگی شما و ما با کمک روح القدس به فراوانی دیده شود. در انتها از همه کسانی که با وفاداری برای تهیه این مجموعه ما را در این مدت یاری کرده اند تشکر می کنیم از برادر نادر پورمند در ترجمه و همچنین از برادر کن تمپل برای مشاوره الهیاتی سپاس گزاریم.

برای تهیه دیگر کتب آموزشی لطفاً با ما به آدرس btcpersians@gmail.com تماس حاصل نمایید و یا از سایت ما به آدرس www.kanoneketab.com برای دریافت دیگر منابع دیدن فرمایید. قبلاً از لطف شما سپاسگزاریم.

محمد ثانوی

مدیر اجرایی کانون کتاب مقدس

هدف کانون کتاب مقدس:

آماده سازی و تجهیز مردان و زنانی است
که توسط کلیسای محلی به عنوان
خدمت گزاران با صلاحیت تشخیص داده
شده اند تا خدمت آموزش و
شاگردسازی بدن مسیح را بانجام رسانند.

فهرست

- ۷ پیشگفتار مجموعه
- ۸ مقدمه
- ۱۱ فصل ۱ ضرورت الهیات کتاب مقدسی
- ۲۰ فصل ۲ الهیات کتاب مقدسی چیست؟
- ۲۸ فصل ۳ روایت اصلی کتاب مقدس چیست؟ قسمت اول
- ۵۵ فصل ۴ روایت اصلی کتاب مقدس چیست؟ قسمت دوم
- ۷۸ فصل ۵ الهیات کتاب مقدسی تعالیم کلیسا را شکل می دهد
- ۱۰۵ فصل ۶ الهیات کتاب مقدسی مأموریت کلیسا را شکل می دهد
- ۱۲۰ نتیجه
- ۱۲۴ ضمیمه نمونه هایی از الهیات کتاب مقدسی

IX 9Marks

آیا کلیسای شما تندرست است؟

هدف مؤسسه «ناین مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

به همین دلیل مایلیم که کلیساهای ما با رشد ۹ علامت تندرستی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، یاری نماییم. این ۹ علامت عبارت‌اند از:

- ۱ - موعظه تشریحی
- ۲ - الهیات کتاب مقدسی
- ۳ - درک کتاب مقدسی از خبر خوش
- ۴ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها
- ۵ - درک کتاب مقدسی از بشارت
- ۶ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا
- ۷ - درک کتاب مقدسی از تادیب یا انضباط کلیسایی
- ۸ - شاگردی و رشد کتاب مقدسی
- ۹ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

ما در مؤسسه ناین مارکس مقاله، کتاب، نقد و بررسی کتاب و مجله آنلاین تهیه می‌نماییم. در حال حاضر وب‌سایت ما شامل ۳۰ زبان مختلف دنیاست. با ثبت نام در سایت شما می‌توانید از مجله آنلاین ما استفاده نمایید.

پیش‌گفتار مجموعه

آیا باور دارید که مسئولیت شما یاری کردن در جهت بنای کلیسای تندرست است؟ اگر شما مسیحی هستید، ما بر این باوریم که این مسئولیت بر دوش شماست.

عیسی به شما فرمان داده که رفته و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). رساله به یهودا می‌فرماید که شما باید در ایمان پیشرفت کنید (یهودا ۲۰-۲۱). پطرس رسول می‌فرماید که عطایای خود را در راه خدمت به دیگران استفاده نمایید (۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس رسول می‌فرماید که حقیقت را در قالب محبت بازگو کرده، به این ترتیب کلیسای شما در بلوغ رشد نماید (افسسیان ۴: ۱۳، ۱۵). متوجه هستید که با این صحبت‌ها به گجا می‌رویم؟

چه شما عضو کلیسا یا یکی از مشایخ کلیسا باشید، هدف مجموعه کتاب‌های «کلیسای تندرست»، یاری رساندن به شما در جهت تکمیل فرمان کتاب مقدس و نقش شما در بنای کلیسای تندرست می‌باشد. امید ما بر این است که این سری کتاب‌ها شما را کمک نموده تا محبتتان به کلیسا همچون محبت عیسی به کلیسا، رشد کند.

برنامهٔ موسسهٔ «۹ علامت»، تهیه کتابچه‌هایی برای هر بخش از این «۹ علامت کلیسای تندرست»، و به علاوه موضوع «الهیات صحیح» می‌باشد. به دنبال تهیهٔ

کتاب‌های «موعظه تشریحی»، «الهیات کتاب مقدسی»، «انجیل»، «تبدیل جانها»، «بشارت دادن»، «عضویت کلیسا»، «تادیب و تنبیه کلیسایی»، «شاگرد سازی و رشد» و «مشایخ کلیسا» باشید.

موجودیت کلیسا برای نمایش جلال خدا به ملت‌هاست. ما این کار را با چشم دوختن به انجیل عیسی مسیح، اطمینان به نجات او، و سپس با قدوسیت خداوند و در اتحاد باهم و محبت کردن به یکدیگر، انجام می‌دهیم.

با امید،

مارک دور و جاناتان لی من

ویراستگران ارشد

مقدمه

کتاب مقدس شامل شصت و شش کتاب می باشد که به ترتیب زمان نگارش کنار هم قرار نگرفته اند. بخش عهد عتیق، بعد از پنج کتاب موسی (تورات = پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثیبه)، دیگر کتابها بر حسب نوع سبک نگارش در کنار هم قرار گرفته اند، سبک های همچون، اشعار، حکیمانانه، تاریخی، پیشگویی و ... می باشد. عهد جدید نیز به همین ترتیب که در ابتدا چهار انجیل، بعد کتاب اعمال رسولان که تاریخی و دیگر کتابها بر حسب حجم آنها قرار گرفته اند. عدم آشنایی با ماجراهای کتاب مقدس و عدم آشنایی با اسامی افراد، مکانها و وقایع تاریخی، که اگر آشنایی هم داشته باشیم بسیار مختصر و یا تحریف شده می باشند، فقر فرهنگ کتابخوانی در جامعه، باعث شده ما فارسی زبانان هنگام مطالعه کتاب مقدس با چالش های مختلفی روبرو شویم.

این کتاب به شما کمک می کند تا سرگذشت افراد و وقایع تاریخی را در ارتباط با هم، آنگونه که خدا ترتیب داده ببینید. علت وقوع سختی در زندگی مردان و زنان خدا، قوم خدا را و نیز علت برکت های آنها را در این کتاب ملاحظه خواهید کرد. از ابتدای کتاب پیدایش تا پایان مکاشفه، شما دست خدا را در سطر سطر کتاب مقدس می بینید. از ابتدای آفرینش تا زمان حاضر، خدا در حال پیاده کردن اهداف خود می باشد. نویسندگان این کتاب برای اشاره به این موضوع عبارت «داستان خدا» را بکار برده اند. از آنجایی که برای

انتخاب معادل فارسی این عمل خدا ما با چالش روبرو بودیم، عبارت «داستان خدا» که در انگلیسی God's Story می‌باشد را ما در سراسر کتاب حفظ کردیم. در عین حال گاهی اوقات از عبارت‌های «روایت کار خدا»، «حکایت خدا» و گاهی از «کار خدا» استفاده کردیم.

عبارت «داستان خدا» اشاره به نقشه‌عمل کرد خدا در طول تاریخ است. «داستان خدا» افسانه، داستان و قصه کودکانه نیست. بلکه کار خارق‌العاده و شگفت‌انگیزی که توسط خدا از آفرینش برنامه ریزی شده است، می‌باشد.

امید است که این کتاب باعث برکت شما و بهتر دیدن دست خدا در تمام صفحات کتاب مقدس شود. از آقای نادر پورمند که با زبانی شیوا و ساده این کتاب را برای ما ترجمه کرده‌اند، کمال تشکر را داریم.

محمد ثانوی

ضرورت الهیات کتاب مقدسی

دیدن نکته اصلی

وقتی من (نیک) در دبستان بودم، یکی از همکلاسی‌هایم یک نوشته‌ای به من داد که گزارشی بود درباره کتاب داستانی که توسط سی اس لوئیس برای کودکان نوشته شده بود، یک شیر پادشاه، یک جادوگر سفید و یک قلمرو جادویی پنهان که از داخل یک کمد لباس می‌شد به آن وارد شد. پس کتاب‌های «سرگذشت نارنیا» را برای خودم خریدم و آنها را با لذت خواندم. اما سالها بعد، بعد از ایمان آوردنم به مسیح، متوجه شدم که مقصود بدیهی نگارنده برای نشان دادن مسیح به خوانندگان را متوجه نشده بودم.

این امکان وجود دارد که یک داستان را بخوانید، آن را جالب ببینید و نکته اصلی آن را کاملاً از دست بدهید. ممکن است بیش از حد روی مناظر یا شخصیت‌های جزئی تمرکز کنید. ممکن است هر دفعه فقط پاراگراف‌ها را بخوانید، یا بی‌هدف از یک قسمت به قسمت دیگر بروید. حتی ممکن است سعی کنید از بخش‌های مختلف جداشده، طرح و یا جهان بینی داستان را سرهم کنید. اگر هر کدام از این کارها را انجام دهید، به احتمال خیلی زیاد داستان را اشتباه درک خواهید کرد، هم قهرمان و هم مضامین اصلی آن را.

کتاب مقدس ماجرای الهام شده از خداوند است. داستان خود را از طریق مجموعه‌ای از حکایت‌ها، آهنگ‌ها، شعرها، سخنان حکیمانه، اناجیل، نامه‌ها و ادبیات آخر زمانی روایت می‌کند. این اشکال مختلف، با هم، یک حکایت واقعی در مورد کار نجات دهنده خدا در تاریخ را بیان می‌کنند. کتاب مقدس شامل شصت و شش

کتاب است که توسط نویسندگان مختلفی نوشته شده است. این نویسندگان بوسیله روح القدس الهام گرفتند که از شخصیت و زمینه‌های بی‌نظیر آنها استفاده کرد تا کتاب مقدس را برای ما بوجود بیاورد، با یک نکته و طرح اصلی.

مسیحیان اقتدار الهی کتاب مقدس را تشخیص می‌دهند. آنها حتی روزانه آن را برای سالها می‌خوانند و مطالعه می‌کنند. و با این حال، بسیاری نکته اصلی را نمی‌بینند. عیسی خطاب به بعضی از این افراد در یوحنا ۵: ۳۹-۴۰ می‌فرماید: اما من به شما می‌گویم، در برابر شخص شریک ایستادگی نکنید. اگر کسی به گونه راست تو سیلی زند، گونه دیگر را نیز به سوی او بگردان. و هر گاه کسی بخواهد تو را به محکمه کشیده، قبایت را از تو بگیرد، عبایت را نیز به او واگذار.

ممکن است به کتاب مقدس احترام بگذارید و با این حال با عدم مشاهده تصویر بزرگی که خداوند طراحی کرده است، آن را بطور نادرست بخوانید و استفاده کنید. خوشبختانه، اگر چه نویسنده کتاب مقدس برخی از سرنخ‌های روشنی درباره داستان خود را برای ما به جا گذاشته است. این یکی از سرنخ‌های اصلی از خود عیسی مسیح است:

آنگاه به ایشان گفت: «این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد.» سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدس را درک کنند. و به ایشان گفت: «نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوم از مردگان بر خواهد خاست، و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود. شما شاهدان این امور هستید. من موعود پدر خود را بر شما خواهم فرستاد؛ پس در شهر

بمانید تا آنگاه که از اعلی با قدرت آراسته شوید». (لوقا: ۲۴: ۴۴-۴۹)

عیسی در این متن دو چیز را توضیح می دهد. اول، او این اظهارات تکان دهنده را بیان می کند که تمام عهد عتیق - از کتب پنجگانه تا کتب انبیا و مزامیر - در واقع درباره او نوشته شده است؛ به عبارت دیگر، عیسی خود را مسیح موعود معرفی می کند. دوم، او می فرماید پیروانش شاهد همه این امور برای همه ملل خواهند بود، یعنی همه مردم در همه جا.

به عبارت ساده، شما نکته کتاب مقدس را درک نمی کنید، مگر اینکه ببینید که همه چیز در مورد عیسی است! از پیدایش تا مکاشفه، مسیح قهرمان و نکته اصلی روایت است. علاوه بر این، شما درک نخواهید کرد مسیح کیست، مگر اینکه داستان بزرگتری را که تماما درباره اوست، درک کنید! عیسی کلید تفسیر کتاب مقدس است، به این معنی که یک خواننده دقیق کتاب مقدس او را در آغاز، میانه و پایان این داستان پیدا خواهد کرد.

خدا در کتاب مقدس اهداف پادشاه، برنامه های پادشاه و وعده های پادشاه را برای ما آشکار کرده است. در حالیکه این اهداف، برنامه ها و وعده ها در تاریخ عملی شده اند، آنطور که عیسی می فرماید باید به این داستان توجه کنیم و آن را بخوانیم. داستان خدا داستان بزرگی است - در واقع بزرگترین داستان است - و بر محور برنامه رستگاری او در شخص و کار عیسی مسیح متمرکز شده است.

اما برای اینکه کتاب مقدس را با ایمان بخوانیم، به ابزار مناسب نیاز داریم. نظام الهیات کتاب مقدسی^۱ یکی از این ابزارهای مفید است.

۱. الهیات کتاب مقدسی به روشن شدن هدف اصلی کتاب مقدس کمک می کند. برخی از افراد طوری با کلام خدا برخورد می کنند

۱. Discipline of biblical theology

که انگار مجموعه‌ای از داستان‌های مستقل، یا مجموعه‌ای از توصیه‌ها و مشورت‌ها بوده، یا حتی یک کتاب آشپزی جهانی با دستور العمل‌هایی برای یک «زندگی خوب» بوده که در شصت و شش کتاب پراکنده شده است. اما این رویکردها نمی‌توانند هدف اصلی کتاب مقدس را روشن کنند.

در کتاب مقدس، خدای تثلیث (سه در یک) توضیح می‌دهد که کیست و چه خصوصیتی دارد و چگونه در طول تاریخ بوسیله روح خود و در پسرش، عیسای مسیح پادشاه کار می‌کند، و ما چگونه باید او را در این دنیا جلال دهیم. الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می‌کند با نگاه به هر بخش از کلام با توجه به کل کتاب مقدس، این هدف اصلی را متوجه شده تا درک کنیم که هر بخش از کتاب مقدس چگونه با عیسی ارتباط دارد.

۲. الهیات کتاب مقدسی به محافظت و راهنمایی کلیسا کمک می‌کند. خواندن کتاب مقدس به طرز صحیح به معنای دانستن جایی است که هر کتاب در روایت جامع خود قرار می‌گیرد. و دانستن روایت اصلی به ما کمک می‌کند تا هر واقعه، شخصیت و یا درسی که به عنوان بخشی از کلام بتدریج آشکار شده خدا به ما داده است را با دقت بخوانیم و بفهمیم. دانستن کل داستان کلام خدا روشن می‌کند که عیسی مسیح کیست و انجیل او چیست.

خداوند وعده داده که مردم را از هر قبیله و ملت و زبان برای جلال خود از طریق پسرش و بوسیله روح خود نجات دهد. این افراد باز خرید شده عضو بدن مسیح، کلیسا هستند. کلیسای عیسی مسیح قرار است چه باشد و چه کاری انجام دهد؟ عیسی به پیروانش گفت: - کسانی که از گناهان خود توبه کرده‌اند و تنها به او اعتماد کرده‌اند - که این کتاب‌ها شهادت می‌دهند «توبه برای بخشش گناهان باید به نام او برای همه ملل اعلام شود، از اورشلیم شروع می‌شود» (لوقا ۲۴: ۴۷). بنابراین اعلام کردن نام عیسی مسیح باید در قلب مأموریت کلیسا برای شاگرد ساختن ملل باشد. از این طریق، الهیات

کتاب مقدسی کلیسا را از خطای مرگبار اعلام یک انجیل دروغین محافظت می کند و کلیسا را راهنمایی می کند تا اعلان انجیل واقعی را به عنوان مرکز رسالت خود در جهان برای ستایش جلال خدا نگه دارد.

۳. الهیات کتاب مقدسی در حوزه بشارت دادن به ما کمک می کند. به اشتراک گذاشتن خبر خوش با کسانی که با مسیحیت نا آشنا هستند، نیاز به توضیحات بیشتری از «چهار اصل معنوی» یا «جاده رومیان» دارد. مردم ابتدا باید بدانند که جهان بینی مسیحی با دگرگونی کامل ذهنیت همراه است. در بشارت دادن، باید از خدا و خلقت شروع کنیم تا ببینیم چه اشتباهی پیش آمد. از آنجا، می توانیم آنچه خدا در طول تاریخ انجام داده را دنبال کنیم، که به ما کمک می کند تا کشف کنیم چرا عیسی را فرستاد و چرا این مساله امروز اهمیت دارد. وقتی این وقایع گذشته را در زمینه مناسب آنها بدرستی درک کردیم، مجهز خواهیم شد تا آنچه که خدا همین حالا در حال انجام دادن است و آنچه که در آینده انجام خواهد داد را کشف کنیم.

۴. الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند کتاب مقدس را به روشی که عیسی تاکید کرد بخوانیم، بفهمیم و تعلیم دهیم. خود عیسی در لوقا ۲۴ می گوید که او کلید تفسیر کلام خداست. بنابراین اگر نتوانیم کتاب مقدس را به روشی بخوانیم و درک کنیم که ما را به سمت عیسی سوق دهد، پس نکته اصلی کتاب مقدس را نخواهیم دید و در نتیجه به دیگران یاد خواهیم داد که مرتکب همین خطا شوند.

هنگامی که کلیساها نکته اصلی را اشتباه می گیرند

نتیجه نهایی این است: ندیدن نکته اصلی داستان کتاب مقدس، انجیلهای دروغین و کلیساهای دروغین را ایجاد می کند. بیایید چند

نمونه از این خطاها را در نظر بگیریم که الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند از آنها پرهیزیم.

کلیسای انجیل کامیابی

بگذارید شما را با جانانان آشنا کنیم. او روزانه کتاب مقدس خود را می خواند و اغلب دعا می کند، اما هرگز کتابی از کتاب مقدس را بطور کامل نخوانده است. به کتاب مقدس او که نگه کنید، آیاتی از عهد عتیق را می بینید که دورشان را خط کشیده و صفحاتی را از عهد جدید را پیدا می کنید که زیر جملات آنها خط کشیده است.

همسرش، ربکا، مجموعه ای چشمگیر از آیات کتاب مقدس را به خاطر سپرده و این آیات را یک به یک به کودکان خود آموزش می دهد. جانانان، ربکا و خانواده جوان آنها بخشی از یک کلیسای محلی در شهرشان در آفریقا هستند (هرچند که این موضع می تواند در آسیا، اروپا یا آمریکا هم باشد). هنگامی که از من خواسته شد بعضی از آن آیات از بر شده را از ربکا بشنوم، او مرقس ۱۱: ۲۴ را از بر قرائت کرد: «بنابراین به شما می گویم: یقین بدانید، آنچه را که در دعا طلب می کنید، خواهید یافت و به شما داده خواهد شد».

من (رابرت) کمی آشفته شدم و تصمیم گرفتم با یکی از شبانهای او صحبت کنم. وقتی از او پرسیدم که فکر می کند پیام اصلی کتاب مقدس چیست، گفت: «اوه، خیلی ساده است. خدا عیسی را فرستاد تا به همه کسانی که ایمان می آورند، زندگی فراوان بدهد. خدا این زندگی را با تمام ثروتها و نعمت هایی که عیسی مسیح لیاقت دارد را بما می دهد، اگر فقط ایمان داشته باشیم. ما می توانیم بر کتهای خودمان را بوجود بیاوریم، وقتی با ایمان دعا می کنیم مانند ابراهیم».

کلیسای انجیل مدنی

من (رابرت) این بار ایماندارانی را از شهر دیگری در آمریکا ملاقات کردم و از آنها خواستم به من بگویند که پیام کتاب مقدس چیست. آنها اینطوری پاسخ دادند:

خب، آمریکا یک ملت مسیحی است، قوم برگزیده خدا مثل اسرائیل است، شهری است بر روی تپه. خداوند این ملت را برکت داده، ولی مانند آنچه در دوم تواریخ ۷: ۱۴ آمده: «چنانچه قوم من که به نام من خوانده می شوند خود را فروتن سازند و دعا کرده، روی مرا بجویند و از راههای بد خویش بازگشت کنند، آنگاه من از آسمان خواهم شنید و گناهشان را آمرزیده، سرزمینشان را شفا خواهم بخشید».

آنها ادامه دادند:

خدا و کشور، موضوع اصلی کلیسای من است. قرار بود که این یک کشور مسیحی باشد، اما حالا به ما گفته می شود که نمی توانیم ده فرمان را بر روی دیوارهای مدارس دولتی خودمان نصب کنیم! اگر آمریکایی ها فقط آدمهای خوب و اخلاقی مثل ابراهیم، موسی یا داوود باشند، همه کامیاب می شویم و از امنیت و آسایش برکات خدا بهره مند می شویم.

کلیسای سفره بنداز

جان به تازگی به شهر نقل مکان کرده و عضوی از یک شبکه از کلیساها با هدف خدمت به فقراست. شغل اصلی وی مدیریت یک بانک مواد خوراکی است. کلیسای جان آرزو می کند که از دستور

کتاب مقدس پیروی کند و به دنبال عدالت باشد، رحمت را دوست داشته باشد و فروتنانه با خدا قدم بردارد (میکا ۶: ۸) جان تصدیق می کند که «لهجه» تعلیمات کلیسای او قطعاً بیشتر در مورد بسیج آنچه که باید برای خدا انجام دهیم می باشد، تا در مورد پیام آنچه که خدا در مسیح برای ما انجام داده است است. جان می گوید: «هر جا که هستیم باید در پی تسکین رنج مردم باشیم. خوراک دادن به کوچکترین اینها، چیزی است که ما به عنوان کلیسا به آن معروف هستیم. کجای این کار ممکن است اشتباه باشد؟»

کلیسای تأیید کننده بی اخلاقی

اساساً، الهیات کتاب مقدسی به پیروان وفادار مسیح در تشخیص و تکذیب تفسیرهای غلط از کتاب مقدس که با روایت کلی کتاب مقدس مغایر است، یاری می رساند. سنتیاً یک دانشجوی جوان کالج از یک خانواده مسیحی است. او همیشه از کتاب مقدس تعلیم گرفته و تصویر بزرگ آن را به خوبی می شناسد. او حتی یک سال تحصیلی را به مطالعه عهد جدید یونانی پرداخته است. جهان بینی او کاملاً مسیحی است، اما اخیراً در طی ملاقات با مسیحیانی که آشکارا همجنسگرا بوده و همچنین بسیار مهربان، سخاوتمند و دوست داشتنی هستند، دچار سردرگمی شده است.

او با تعجب می گوید: «کتاب مقدس چگونه می تواند به ضد چنین افرادی باشد؟»

او مقالاتی از محققان کتاب مقدس را خوانده است که ترجمه انگلیسی متون کلیدی را که بطور سنتی برای توضیح گناه شمرده شدن همجنسگرایی استفاده می شوند را زیر سوال می برند. در این مقطع، نمی تواند این سوال را نپرسد که: «از آنجا که هیچ آیه ای در کتاب مقدس ازدواج با جنس موافق را به صراحت ممنوع نکرده، پس اگر دو زن واقعاً یکدیگر را دوست داشته باشند، چه می شود؟»

نتیجه

اینها فقط تعدادی از معضلاتی هستند که الهیات کتاب مقدسی به مسیحیان و کلیساهای محلی کمک می‌کند تا به آنها پردازند. معضلات دیگری هم هستند. در این کتاب، به مرور خواهیم دید که الهیات کتاب مقدسی چگونه به ما کمک می‌کند که با قرار دادن عیسای پادشاه در آغاز، در مرکز و در پایان داستان حقیقی کتاب مقدس، اصل داستان را درست بفهمیم.

ولی داریم جلو جلو می‌رویم. بگذارید با پاسخ به این سؤال شروع کنیم که الهیات کتاب مقدس چیست؟

الهیات کتاب مقدسی چیست؟

دنبال کردن نقشه کتاب مقدس به سوی عیسی

می توانم بگویم که من (نیک) در جهت یابی مسیرها کمی مشکل دارم. دوستان و خانواده‌ام همگی می توانند شهادت بدهند که من هیچوقت در جهت یابی و پیدا کردن آدرس عالی نبوده‌ام. به دلیل این نقص جهت یابی، خیلی خوبه که می دانم تنها چیزی که برای رسیدن به مقصد لازم دارم این است که بطور صحیحی نقشه مربوطه را دنبال کنم.

ما دیدیم که از دست دادن نکته اصلی داستان کتاب مقدس چگونه سبب ایجاد اناجیلی دروغین و کلیساهای دروغین می شود. آنچه اکنون نیاز داریم چهارچوبی برای درک کل کتاب مقدس است. الهیات کتاب مقدسی این چهارچوب را فراهم می کند، زیرا در خواندن کتاب مقدس ما را راهنمایی می نماید و بنابراین ما را از تفسیر بد محافظت می کند. الهیات کتاب مقدسی رویکردی است برای خواندن کل داستان کتاب مقدس، در حالی که تمرکز ما را بر نکته اصلی کتاب مقدس، یعنی عیسی مسیح حفظ می کند. به عبارت دیگر، الهیات کتاب مقدسی نقشه راه کتاب مقدس است که ما را به سوی عیسی هدایت می کند.

اما چگونه می دانیم که مسیح نکته اصلی کل کتاب مقدس است؟ زیرا او به ما چنین می گوید.

تصور کنید وقتی شاگردان عیسی قیام کرده را در راه عموآس ملاقات کردند و شما همراه آنان بودید. این صحنه شگفت انگیز در

لوقا ۲۴ برای ما ثبت شده است. آنچه که در آن موقع اتفاق افتاد، به معنای واقعی بزرگترین مطالعه کتاب مقدس تاکنون است.

دو تن از شاگردان در حال پیاده روی در کنار جاده‌ای به طرف یک دهکده در ۱۰ کیلومتری اورشلیم بودند. لوقا به ما می‌گوید که: «همچنان که سرگرم بحث و گفتگو بودند، عیسی، خود، نزد آنها آمد و با ایشان همراه شد. اما او را نشناختند زیرا چشمان ایشان بسته شده بود» (لوقا ۲۴: ۱۵ - ۱۶). سپس شاگردان اتفاقات شگفت‌انگیزی را که تازه در اورشلیم اتفاق افتاده بود، با عیسی در میان گذاشتند:

پرسید: «چه چیزی؟» گفتند: «آنچه بر عیسای ناصری گذشت. او پیامبری بود که در پیشگاه خدا و نزد همه مردم، کلام و اعمال پر قدرتی داشت. سران کاهنان و بزرگان ما او را سپردند تا به مرگ محکوم شود و بر صلیبش کشیدند. اما ما امید داشتیم او همان باشد که می‌بایست اسرائیل را رهایی بخشد. افزون بر این، به واقع اکنون سه روز از این وقایع گذشته است. برخی از زنان نیز که در میان ما هستند، ما را به حیرت افکنده‌اند. آنان امروز صبح زود به مقبره رفتند، اما پیکر او را نیافتند. آنگاه آمده، به ما گفتند فرشتگانی را در رؤیا دیده‌اند که به ایشان گفته‌اند او زنده است. برخی از دوستان ما به مقبره رفتند و اوضاع را همان‌گونه که زنان نقل کرده بودند، یافتند، اما او را ندیدند» (لوقا ۲۴: ۱۹ - ۲۴).

عیسی پاسخ داد:

آنگاه به ایشان گفت: «ای بی‌خردان که دلی دیرفهم برای باور کردن گفته‌های انبیا دارید! آیا نمی‌بایست مسیح این رنجها را ببیند و سپس به جلال خود درآید؟» سپس از موسی و همه انبیا آغاز کرد و آنچه را که در تمامی کتب

مقدّس دربارهٔ او گفته شده بود، برایشان توضیح داد. لوقا (۲۴: ۲۵ - ۲۷).

بعداً، عیسی به شاگردانش گفت:

آنگاه به ایشان گفت: «این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر دربارهٔ من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد.» سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدّس را درک کنند. و به ایشان گفت: «نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوم از مردگان بر خواهد خاست، و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همهٔ قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود (لوقا ۲۴: ۴۴ - ۴۷).

به عبارت دیگر، هنگامی که عیسی عهد عتیق را مورد بررسی قرار داد، - یعنی کتب موسی، انبیا و مزامیر را - قصد داشت پیروانش بدانند که همهٔ این کتابها دربارهٔ او نوشته شده است. لوقا این را چنین عنوان می‌کند: «تمام پیشگویی‌هایی که در همه نوشته‌های کتاب مقدس راجع به خودش بود را برای آنها تفسیر کرد.»

عیسی کاملاً شفاف و روشن می‌فرماید. این احمقانه است که عهد عتیق را خواند و درکش نکرد که عیسی نکتهٔ اصلی آن است. کل داستان کتاب مقدس در مورد اوست. عهد عتیق به مسیح و مأموریت او وعده می‌دهد و اشاره می‌کند، و عهد جدید برآورده شدن وعده‌های باشکوه در مسیح را نشان می‌دهد.

بنابراین، داستان کتاب مقدس در مورد پادشاه خدا و حکومت و سلطنت فیض بخش اوست؛ در مورد بخشش گناهیانی است که پادشاه برای مردمش به دست آورد، که از هر قبیله و زبان و قوم و ملتی فرا

خواننده می شوند. اگر کل داستان کتاب مقدس، درست فهمیده شود، از ابتدا تا انتها بر عیسی مسیح تمرکز می کند.

الهیات کتاب مقدسی چیست؟

باید به اختصار توضیح دهیم که وقتی از عبارت «الهیات کتاب مقدسی» استفاده می کنیم، منظورمان چیست. اگر معتقدیم کتاب مقدس کلام الهام بخش و بدون اشتباه خداست، آیا نباید بدنبال این باشیم که همه الهیات ما «کتاب مقدسی» باشد؟ بله، حتما. ولی وقتی از عبارت «الهیات کتاب مقدسی» در این کتاب استفاده می کنیم، مقصودمان چیزی خاص است.

از یک سو، الهیات سیستماتیک با موضوعات کلیدی (خدا، انسان، گناه، مسیح، نجات و غیره) آغاز می شود و سپس کتاب مقدس را جستجو می کند تا ببیند درباره آنها چه تعلیمی می دهد. از طرف دیگر، الهیات کتاب مقدسی تلاش می کند کل داستان کتاب مقدس را بخواند و بپرسد هر قسمت چگونه با کل داستان ارتباط دارد.

الهیات کتاب مقدسی روشی برای خواندن کتاب مقدس به عنوان یک داستان نوشته شده توسط یک نویسنده الهی است که در عیسی مسیح کیست و چه کاری انجام داده است، به اوج خود می رسد؛ به طوری که هر بخش از کتاب مقدس در رابطه با او (عیسی) درک می شود. الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند تا کتاب مقدس را به عنوان یک کتاب بزرگ با تعداد کمی کتاب کوچک درک کنیم که یک ماجرای بزرگ را بیان می کند. قهرمان و محور آن داستان، از ابتدا تا انتهای کتاب، عیسی مسیح است.

الهیات کتاب مقدسی برای کلیسا است، با کتاب مقدس آغاز می شود و با عیسای پادشاه و کلیسای او پایان می یابد.

الهیات کتاب مقدسی برای کلیساست

در حالی که نظام الهیات کتاب مقدسی می تواند بسیار تکنیکی و پیشرفته بشود، حتی نخستین مسیحیان نیز برای الهیات کتاب مقدسی ارزش قائل بودند و فواید آن برای کلیسا را درک کردند.

در اعمال رسولان ۱۷، می خوانیم که پولس و سیلاس در تسالونیکه انجیل را بشارت دادند و سپس برای اعلام کلام خدا در کنیسه های یهودی در شهر بیریه وقت گذاشتند. پولس «پولس طبق عادت به کنیسه رفته، در سه شبّات از کتب مقدّس با ایشان مباحثه می کرد و توضیح داده، برهان می آورد که ضروری بود مسیح رنج کشد و از مردگان برخیزد. او می گفت: «این عیسی که او را به شما اعلام می کنم، همان مسیح است» (۱۷: ۲ - ۳). چه اتفاقی افتاد؟ بسیاری از این یهودیان ایمان آوردند، به همراه «گروهی از مردان یونانی خدا پرست و بسیاری از زنان سرشناس شهر» (۱۷: ۱۲).

اهالی بیریه استدلال پولس، توضیحات و مدارک او از عهد عتیق را گوش فرادادند. آنها شنیدند که اعلام کرد ضروری بود پادشاه موعود خدا، عیسی مسیح، «بمیرد و از مردگان قیام کند» (اعمال ۱۷: ۳). پولس رسول به شنوندگانش کمک کرد تا بفهمند که داستان کتاب مقدس چگونه بر عیسی متمرکز بود و به اوج خودش رسید. او نقشه ای از کتاب مقدس تهیه کرد که آنها را به سمت مسیح هدایت کرد. و با فیض خدا، بسیاری از اهالی بیریه ایمان آوردند.

اما توجه کنید: اهالی بیریه فقط به حرفهای پولس اعتماد نکردند. لوقا، نویسنده کتاب اعمال رسولان بما می گوید: «اینان از مردمان تسالونیکه نجیب تر بودند، زیرا پیام را با اشتیاق پذیرفتند و هر روز کتب مقدّس را بررسی می کردند تا ببینند آیا براستی چنین است» (اعمال رسولان ۱۷: ۱۱). اهالی بیریه مشتاقانه به پیام آنها گوش دادند و هر روز کلام خدا را خواندند تا از تعالیم آنها مطمئن شوند.

مسیحیان اولیه استفاده از الهیات کتاب مقدسی را فقط برای رسولان نمی دانستند. آنها فکر نمی کردند که الهیات کتاب مقدسی مختص دانشگاهیان حرفه‌ای در دانشکده‌های معتبر الهیات می باشد. در عوض، آنها فهمیدند این مسئولیت آنها بود که کلام خدا را بررسی کنند و چهارچوب پایداری برای درک این مسأله توسعه بدهند که داستان کتاب مقدس چگونه بر عیسی مسیح متمرکز می شود و به اوج خود می رسد.

آنها متوجه نشدند که الهیات کتاب مقدسی برای کلیساست. اگر در مسیح هستید، پس الهیات کتاب مقدس برای شماست.

الهیات کتاب مقدسی با کتاب مقدس آغاز می شود

الهیات کتاب مقدس با خواندن دقیق کتاب مقدس همراه با دعا آغاز می شود. ما با فروتنی به کتاب مقدس رجوع می کنیم و به دنبال این هستیم که داستان عظیم آن را تحت شرایط خود کتاب مقدس درک کنیم.

کتاب مقدس به طرز حیرت انگیزی متنوع است. کتابی است که پر از کتابهای کوچک بوده که توسط نویسندگان متعددی در زمانهای مختلفی نوشته شده‌اند، و از ژانرهای مختلفی استفاده شده است. بنابراین، هنگامی که کتاب مقدس را می خوانیم، انواع و اقسام این تنوع را کشف می کنیم: حکایت، شعر، قانون، حکمت، نبوت، رساله و انجیل. تلاش برای پیوند دادن همه این کتابهای متنوع که در زمانها و مکانهای مختلف، برای مخاطبان مختلف نوشته شده، می تواند مانند یک کار دلهره آور باشد. چون واقعا هم همینطور است!

و با این حال، نباید احساس کنیم که این کار عملی نیست. الهیات کتاب مقدسی در واقع امکان پذیر است، چون تمام کتاب مقدس را خدا دمیده است: «تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است،» (دوم

تیموتائوس ۳: ۱۶). وحدت و یگانگی موجود در داستان کتاب مقدس، بر پایه این است که نویسنده نهایی کتاب مقدس، خود خدا است.

به آنچه که پطرس رسول درباره کتاب مقدس می گوید، نگاه کنید: «او پیش از آفرینش جهان انتخاب شد، اما در این زمانهای آخر برای شما ظهور کرد. شما به واسطه او به خدا ایمان آورده اید، به خدایی که او را از مردگان برخیزانید و جلال بخشید، بدان سان که ایمان و امیدتان بر خداست» (دوم پطرس ۱: ۲۰ - ۲۱). اگر خود خداوند این کتابها را دمیده، پس ما باید با دعا و با دقت آنها را بخوانیم، و به دنبال درک هدف و طرح عظیم او باشیم.

تصور کنید که هر کتاب از کتاب مقدس مانند یک ستاره می درخشد. اما فقط زمانی این را می بینید که به اندازه کافی از آن دور شوید که این ستاره ها را در یک صورت فلکی غول پیکر و باشکوه ببینید. الهیات کتاب مقدسی هر ستاره را تجزیه و تحلیل می کند و سپس دورتر می رود تا تصویر کامل صورت فلکی جلال الهی را مشاهده کند.

و در مرکز این صورت فلکی باشکوه چه چیزی قرار دارد؟ خدای پدر، پسر خود را از طریق روح القدس می فرستد تا قومی را بخاطر جلال خودش بدست آورد.

الهیات کتاب مقدس با عیسی پادشاه و کلیسای او خاتمه می یابد

کلیسا این امتیاز را دارد که الهیات کتاب مقدسی را بکار ببرد. ما باید با دعا و با دقت تمام بخش های کتاب مقدس را بخوانیم تا آن را بعنوان یک کل درک کنیم. همانطور که کل داستان کتاب مقدس را بطور مکرر می خوانیم، واضح و روشن می شود که عیسی مسیح، مرکز توجه کتاب مقدس است.

سخنان پولس را بشنوید: «او پیش از همه چیز وجود داشته، و همه چیز در او قوام دارد.» (کولسیان ۱: ۱۷). خود مسیح، پادشاه موعود، کسی است که همه چیز را در کنار هم نگه می‌دارد، از جمله داستان عظیم خود کتاب مقدس را. عهد عتیق به آینده اشاره می‌کند و راه را، مانند گذشته، برای آمدن پادشاه آماده می‌کند. عهد جدید رسیدن پادشاه و مأموریت او را به همه ملل اعلام می‌کند. بنابراین، الهیات کتاب مقدسی با پادشاهی عیسی و وعده او مبنی بر نجات و بازخرید قومی برای جلال و ستایش خودش به پایان می‌رسد.

نتیجه

الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که نقشه با شکوه کتاب مقدس چگونه به عیسی مسیح پادشاه قیام کرده و قومی که با خون خون خریده اشاره می‌کند و بر آن متمرکز است. ما نیز درست مانند آن شاگردان در جاده عموآس، می‌خواهیم که چشم و ذهن مان باز شود (لوقا ۲۴: ۳۱، ۴۵) تا عیسی را در تمام کتاب مقدس تشخیص بدهیم برای اینکه شاید بتوانیم او را با تمام قلب خود محبت کنیم (لوقا ۲۴: ۳۲). اگر نقشه کتاب مقدس را به درستی می‌خوانیم، همیشه باید ما را به سمت عیسی سوق دهد و اینکه ما بعنوان قوم او کیستیم. حال بیایید با هم مدتی را صرف مطالعه نقشه کتاب مقدس کنیم و خودمان ببینیم که چطور فقط در مورد این پادشاه و اهداف او برای بدست آوردن جلال بوسیله بازخرید قومی برای خودش می‌باشد.

روایت اصلی کتاب مقدس چیست؟

قسمت ۱

داستان کتاب مقدس، داستان خداست. داستان خدای پادشاه است. کتاب مقدس با یک خدای پر جلال آغاز می شود و پایان می یابد، خدایی که حاکم مقتدر و خالق همه چیز است (پیدایش ۱؛ مکاشفه ۲۰ - ۲۲)، خدایی که از ازل به عنوان پدر، پسر و روح القدس وجود داشته است. خدا و تنها خدا، بر آفرینش خودش فرمانروایی و سلطنت می کند. این جهان، دنیای ما، دنیایی است که او نیکو آفریده است. این جهان اوست و او بر همه آن حکومت می کند. داستان کتب مقدس، داستان این پادشاه است. همه چیز این داستان در مورد او و جلال او است.

و همه چیز از پیدایش شروع می شود.

پادشاه خلق می کند و عهد می بندد

داستان خدا با اعلان آفرینش آغاز می شود: «در ابتدا، خداوند آسمانها و زمین را آفرید» (پیدایش ۱: ۱). خدا هر چه هست را آفرید و به عنوان سازنده همه چیز، بر همه سلطنت می کند.

«خداوند تخت خویش را در آسمان استوار ساخته، و پادشاهی اش بر همه مسلط است.» (مزمور ۱۰۳: ۱۹)

پادشاه فقط با گفتن کلام قدرتمند خود، آفرینش خود را با خشکی ها و دریاها و گیاهان و مخلوقات پر کرد و مکان خوبی را

برای عالی‌ترین خلقت خود فراهم آورد تا در کنار او ساکن شود. پیدایش آن را به صورت زیر ثبت می‌کند:

«پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید.» (پیدایش ۱: ۲۷).

بر خلاف مخلوقات دیگر، انسان‌ها برای ارتباطی بی‌نظیر با خدا توسط او آفریده می‌شوند. آدم و حوا به عنوان تاج خلقت پادشاه، شبیه او و به صورت او آفریده شدند و از زندگی در حضور پرشکوه پادشاه خود لذت بردند. خداوند قصد داشت تا آنها که به شباهت او آفریده شده بودند، صورت او را در سرتاسر زمین گسترش دهند: «خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جاننداری که بر زمین حرکت می‌کند، فرمان برانید» (پیدایش ۱: ۲۸).

آدم مخصوصاً، قرار بود به عنوان مباشر خدا خدمت کند، و برتری و حاکمیت را بعمل آورد - این حاکمیت از باغ شروع می‌شد و به تمام زمین گسترش می‌یافت. شرح وظایف او در پیدایش ۲: ۱۵ آورده شده: «یهوه خدا آدم را برگرفت و او را در باغ عدن نهاد تا کار آن را بکند و از آن نگاهداری نماید». درست همانطور که بعداً یک کاهن از خیمه خدا محافظت می‌کرد، آدم با نگهداری از باغ، خدا را پرستش و خدمت می‌کرد (اعداد ۳: ۸). او قرار بود از ورود هر چیز ناپاک به مکان مقدس خدا جلوگیری کند.

طبق کلام خدا، آدم و حوا آفریده شدند تا از خلقت نیکوی خدا لذت ببرند. از همان ابتدا، رابطه همراه با عهد میان خدا و قوم او را می‌بینیم. حتی اگر کلمه عهد در پیدایش فصل‌های ۱-۲ ظاهر نمی‌شود، چندین سرنخ نشان می‌دهد که خداوند انسان را به وجود آورد تا با عهد با او یعنی خدا ارتباط برقرار کند (رومیان ۵: ۱۲-۲۱ را ملاحظه فرمایید).

جالب به نظر می آید، اما عهد دقیقاً چی هست؟ این روزها خیلی از این کلمات استفاده نمی کنیم. به عبارت ساده تر، یک عهد «یک تعهد جدی، وعده‌ها یا تعهدات تضمین شده است که هر دو طرف عهد متقبل شده و با یک سوگند امضا می شود».^۲ دستورالعمل‌های خدا به آدم به وضوح روشن بود: «یهوه خدا آدم را برگرفت و او را در باغ عدن نهاد تا کار آن را بکند و از آن نگاهداری نماید. و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: «تو می توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد» (پیدایش ۲: ۱۵ - ۱۷). خداوند لیستی از وظایف و تعهدات برای آدم فراهم کرد، و برکت برای اطاعت و لعنت برای ناطاعتی وعده داد.

وقتی پیدایش ۱ را موعظه می کنید یا تعلیم می دهید، خیلی ساده ممکن است تمرکز در مورد اینکه چه چیزی مهمتر است را از دست دهید. این نوع ارتباطات را در نظر بگیرید:

وقتی پیدایش ۱ را موعظه می کنید یا تعلیم می دهید، خیلی ساده ممکن است تمرکز در مورد اینکه چه چیزی مهمتر است را از دست دهید. این نوع ارتباطات را در نظر بگیرید:

• خدای ازلی و ابدی که همه چیز را آفریده (پیدایش ۱: ۱)، روزی همه چیز را تازه می کند (اشعیا ۶۵: ۱۷، مکاشفه ۲۱: ۵).

• تعلیم و موعظه درباره آدم، در نهایت مرتبط می شود با آدم آخر، عیسی مسیح (رومیان ۵).

• پسر خدا کسی است که خدا از طریق او همه چیز را آفرید (کولسیان ۱: ۱۵ - ۲۰، عبرانیان ۱: ۱ - ۳).

۲. Paul R. Williamson, Sealed with an Oath: Covenant in God's Unfolding Purpose, New Studies in Biblical Theology (Downers Grove, IL: InterVarsity Press, 2007), 43.

خداوند قوم خود را با تعهد کلامی، سوگند و عهدش ملزم می‌سازد. بعداً در داستان کتاب مقدس، متوجه می‌شویم که عهدها برای ایجاد و گسترش حکومت و سلطنت پادشاه گونه خدا طراحی شده‌اند. اما داستان کتاب مقدس که شروع می‌شود، همه چیز در جهان پادشاه شگفت‌انگیز است.

پادشاه لعنت می‌کند

داستان کتاب مقدس به عنوان یک داستان شاد آغاز شد. اما شادی کامل پیدایش ۱ - ۲ در پیدایش ۳ ناپدید شد. آدم در ننگهبانی و محافظت از مکان و قوم خدا شکست خورد. آدم و حوا به جای اطاعت از کلام خالق و پادشاه خوب خود، احمقانه از سخنان فریبنده یک مخلوق پیروی کردند. برای اولین بار در داستان ما با موجود شرور، مار، ملاقات می‌کنیم که بعداً به عنوان شیطان، ابلیس، آن شرور، و فریب‌دهنده شناخته می‌شود. مار حوا را فریب داد. از او پرسید: «و اما مار از همه وحوش صحرا که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. او به زن گفت: «آیا خدا برآستی گفته است که از هیچ‌یک از درختان باغ نخورید؟» (۳: ۱).

تا این لحظه از داستان، فقط خدا در حکمت فراوان خود، تعیین کرده بود که چه چیزی در خلقت او خوب بود (پیدایش ۱: ۴، ۱۰، ۱۲، ۲۱، ۲۵، ۳۱؛ ۲: ۱۷-۱۸). اما مار با تکذیب کلام خدا و ایجاد شک به نیکویی خدا حوا را فریب داد. مار او را وسوسه کرد تا علیه پادشاه خوب و حکیمش قیام کند:

«چون زن دید که آن درخت خوش‌خوراک است و چشم‌نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد» (پیدایش ۳: ۶).

آدم و حوا به جای حکیمانه اعتماد کردن به سخنان پادشاه نیکوی خود، علیه او قیام کردند و به حرف‌های مار گوش دادند.

نکته برای موعظه و تعلیم

لعنت جهانی پیدایش ۳ را ارتباط دهید به ذریت حوا که سر مار را می‌کوبد، همان ذریتی که بوسیلهٔ لعنت شدن برای ما، ما را از لعنت نجات داد (غلاطیان ۳: ۱۳)، و بخاطر او «خود خلقت» از قید فساد آزاد خواهد شد و آزادی جلال فرزندان خدا را بدست خواهد آورد» (رومیان ۸: ۲۱). همانطور که این سرود عالی می‌گوید: عیسی برکات او را جاری خواهد ساخت «تا آنجا که لعنت یافت شود».*

خیلی ساده می‌توان از پیدایش ۳ موعظه کرد و فقط درباره مقاومت در برابر وسوسه صحبت کرد: «آدم وسوسه شد و شکست خورد. چگونه می‌توانیم با وسوسه روبرو شویم و مانند آدم شکست نخوریم؟» این موعظه قضاوت اخلاقی است، مثل این است که بگوئیم: «آدم بد بود. مثل آدم نباشید.» طبق رومیان ۵، حقیقت این است که در واقع ما در آدم سقوط کردیم. او نماینده ما در عهد بود و شکست خورد و ما در او گناهکار هستیم. ما به یک آدم وفادار نیاز داریم، کسی که وسوسه شده و ثابت کند که یک پسر وفادار است. البته آن پسر وفادار، عیسی است (لوقا ۴: ۱-۱۳).

* Isaac Watts, "Joy to the World! The Lord Is Come" (1719).

عواقب گناه آدم و حوا کاملاً فاجعه بار بود. خیلی زود سرزنش دیگری بوقوع پیوست: «آدم گفت: «این زن که به من بخشیدی تا با من باشد، او از آن درخت به من داد و من خوردم» (پیدایش ۳: ۱۲).

آن لعنت، نزاع و درگیری میان زن و مرد را پیش بینی کرد. ثمرات تلخ شورش جهانی آنها شامل مرگ، داوری و تبعید می شد. خدا به جای برکت، آنها را به دلیل عصیان شان لعنت نمود (پیدایش ۳: ۱۴-۱۹). با این حال، حتی در آن روز تاریک، روزنه‌ای از امید در آینده باقی ماند. خداوند وعده داد که روزی یک ذریت حوا سر مار را خواهد کوبید. خداوند گفت:

«میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.» (پیدایش ۳: ۱۵).

این جنگ میان مار و ذریت حوا تا پایان داستان کتاب مقدس به شدت ادامه خواهد یافت. در این فاصله، آدم و حوا به دلیل شورش از باغ تبعید شدند و به شرق به تبعید فرستاده شدند، دور از حضور پادشاه. زندگی در زیر لعنت به آن صورتی نبود که قرار بود در دنیای نیکوی خدا باشد.

پادشاه داوری می کند

متأسفانه زندگی در شرق عدن از بد هم بدتر شد. با وارد شدن گناه به جهان، همه چیز در دنیای خوب پادشاه به طرز وحشتناکی خراب شد. فقط چند فصل بعد از خلقت می خوانیم که: «و خداوند دید که شرارت انسان بر زمین بسیار است، و هر نیت اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است و بس؛» (پیدایش ۶: ۵). انحراف‌های دل انسان دیگر به دنبال احترام به خدا نبود. در عوض، زنان و مردان به پیگیری شر تمایل داشتند و «مداوم در پی شرارت بودند».

اما مردی به نام نوح در نظر خدا فیض یافت (پیدایش ۶: ۸). خداوند مصمم شد که جهان را از طریق یک سیل داوری کند و به نوح و خانواده‌اش رحم کند (پیدایش ۶-۸). از طریق یک انسان، مردم نجات یافتند. پس از آن، خدا با نوح عهد بست، وعده داد که

هرگز دنیا را از این طریق ویران نکند. خداوند فرمود: «من عهد خود را با شما استوار می گردانم که دیگر هرگز هر ذی جسد به آب توفان هلاک نشود، و دیگر هرگز توفانی نباشد که همه زمین را ویران کند.» (پیدایش ۹: ۱۱).

اما حتی پس از سیل، شورش جهانی در برابر پادشاه ادامه یافت و مشکل دل انسان باقی ماند. مردم به جای تکریم و بازتاب و جلال نام پادشاه، در پی مشهور شدن خودشان رفتند (پیدایش ۱۱: ۴). بنابراین خدا آنها را پراکنده کرد، زیرا برنامه های دیگری داشت. او نام خود را در سرتاسر جهان معروف می کرد، و این کار را از طریق فرد منتخب خود انجام می دهد: ابراهیم.

نکته برای موعظه و تعلیم

خدا حتی در داوری، رحمت نشان می دهد. نجات نوح و خانواده اش از سیل به وضوح تعلیم می دهد که خدا کسانی را که به او اعتماد می کنند، نجات می دهد، حتی اگر تعداد آنها کم باشد (اول پطرس ۳: ۲۰؛ دوم پطرس ۲: ۵). خدا بقایایی از مردم خود را حفظ می کند، حتی وقتی که به نظر می رسد همه از او برگشته و دور شده اند (رومیان ۱۱: ۲ - ۶).

پادشاه برکت می دهد

به نظر می رسد که نقشه خدا برای گسترش جلالش در سراسر جهان، توسط مار و گناه خنثی شده بود. با این حال، پادشاه فقط داوری نکرد. بلکه برکت نیز داد. خداوند مردی بنام ابرام (که بعداً به عنوان ابراهیم معروف شد) را از اور کلدانیان فرا خواند و برکت داد. خدا وعده داد که این مرد را معروف کند و جهان را از طریق او و نسل او برکت دهد. خدا نقشه کشید که از طریق ابراهیم، قومی

ایجاد کند، یک قوم مخصوص و مقدس. و خدا نقشه کشید دنیا را از طریق ذریت ابراهیم برکت دهد.

از تو قومی بزرگ پدید خواهم آورد و تو را برکت خواهم داد؛ نام تو را بزرگ خواهم ساخت و تو برکت خواهی بود. ۳ برکت خواهم داد به کسانی که تو را برکت دهند، و لعنت خواهم کرد کسی را که تو را لعنت کند؛ و همه طوایف زمین به واسطه تو برکت خواهند یافت.» (پیدایش ۱۲: ۲ - ۳).

خداوند گفت که حتی پادشاهانی از خانواده ابراهیم ظهور خواهند کرد (پیدایش ۱۷: ۱۶۶). خداوند وعده داد که ابراهیم و خانواده اش را با عطای حکومت و سلطنت برکت دهد. و این وعده ها را از طریق عهد دیگری با ابراهیم بطور رسمی مهر و موم کرد. (پیدایش ۱۵).

اما در همه اینها یک مشکل خیره کننده وجود داشت: ابراهیم پیر بود و همسرش سارای (بعداً سارا نامیده شد) نازا بود. از دیدگاه انسانی، هرگونه انتظاری برای اینکه ابراهیم پسری داشته باشد، در بهترین حالت با تردید همراه بود. با این وجود، ابراهیم وعده خدا را باور کرد، و این برای او عدالت به حساب آمد (پیدایش ۱۵: ۶).

خدا به وعده خود وفا کرد، و فرزندی معجزه آسا در زمان پیری ابراهیم و سارا به دنیا آمد. از این نقطه به بعد در عهد عتیق، بقیه داستان بر خانواده ابراهیم تمرکز دارد: اسحاق (پیدایش ۲۲: ۱۷ - ۱۸)، یعقوب (پیدایش ۳۵: ۱۱) و دوازده پسر یعقوب (پیدایش ۴۹). حتی اگرچه کتاب پیدایش با خانواده ابراهیم در خارج از سرزمین موعود به پایان می رسد، ولی آینده روشن بود. یعقوب، نوه ابراهیم، که به اسرائیل نیز معروف است، پیشگویی کرد که در روزهای آخر « شیر شاهی» از نسل پسرش، یهودا خواهد آمد. او در مورد این پادشاه گفت:

عصا از یهودا دور نخواهد شد،

و نه چوگان فرمانروایی از میان پاهای وی،

تا او بیاید که از آن اوست،

و قومها فرمانبردار او خواهند بود. (پیدایش ۴۹: ۱۰).

آیا این پادشاه آینده کسی خواهد بود که سر مار را کوبیده و برکات خدا را به جهان باز می‌گرداند و برای جلال خدا بر یک قوم سلطنت می‌کند؟

نکته برای موعظه و تعلیم

هنگامی که از پیدایش ۱۲ موعظه می‌کنید یا تعلیم می‌دهید، مطمئن شوید که بر نقشه نجات خدا برای تمام جهان، برای همه مردم، از طریق ایمان به عیسی مسیح تاکید کنید. تمایل خدا برای برکت دادن به «همه ملل» از مأموریت بزرگ متی ۲۸ شروع نشد. نقشه خدا از ابتدا این بود که دنیا را برکت دهد و برای آدم و حوا این بود که تکثیر شده و جهان را پر کنند از انسان‌هایی که به شهادت او بودند و جلال او را به نمایش می‌گذاشتند. و خدا از ابراهیم و از طریق او، خود را معروف ساخته، و ابراهیم پدر همه کسانی بشود که ایمان می‌آورند (غلاطیان ۳: ۷-۹). خدا به یعقوب، نواده ابراهیم وعده داد: «از تو قومی و جماعتی از ملت‌ها پدیدار شود و پادشاهان از صلب تو بوجود آیند» (پیدایش ۳۵: ۱۱). خدا وعده‌های خود به ابراهیم را به طور کامل در ذریت ابراهیم، عیسی مسیح به انجام می‌رساند (غلاطیان ۳: ۱۶).

پادشاه رهایی می‌بخشد

خدا عهد کرده بود که ابراهیم و خانواده‌اش را برکت دهد. او عهد کرده بود که تعداد آنها را از ستاره‌های آسمان بیشتر کند. عملی شدن این عهد با زیاد شدن افراد قوم اسرائیل در مصر شروع شد: «اما

بنی اسرائیل بارور و کثیر گشته، به شماره بسیار زیاد شدند، چندان که آن سرزمین از آنان پر شد» (خروج ۱: ۷). اما درست مانند باغ عدن، نقشه خدا مورد مخالفت واقع شد. قوم اسرائیل توسط فرعون به بردگی گرفته شدند و تحت سلطنت یک پادشاه ظالم متحمل رنج و زحمت شدند (خروج ۱-۲) آنها بسوی پادشاه واقعی خود فریاد زدند تا آنها را از اسارت نجات دهد - و خدا وعده‌های عهد خود را «به یاد آورد» (خروج ۲: ۲۳ - ۲۴).

نکته برای موعظه و تعلیم

خروج اسرائیل از اسارت در مصر، به خروج حتی بسیار بزرگتری از قوم خدا از طریق صلیب مسیح اشاره می‌کند (کولسیان ۱: ۱۲ - ۱۴). برهٔ پسخ به بره کامل و بی عیب و نقص خدا اشاره می‌کند که گناه دنیا را بر می‌دارد (یوحنا ۱: ۲۹). تیم کلر می‌گوید:

تصور کنید که دقیقاً پس از اولین پسخ در مصر بودید. اگر در آن روزها اسرائیلی‌ها را متوقف می‌کردید و می‌پرسیدید: «شما کی هستید و اینجا چه خبر است؟» آنها می‌گفتند: «من برده بودم، محکوم به مرگ، اما زیر خون بره پناه گرفتم و و از آن اسارت فرار کردم و اکنون خدا در میان ما زندگی می‌کند و ما او را بسوی سرزمین موعود دنبال می‌کنیم». این دقیقاً همان چیزی است که امروز مسیحیان می‌گویند*.

* Timothy Keller, *King's Cross: The Story of the World in the Life of Jesus* (New York: Dutton, 2011), 172.

پس خداوند خود را به موسی آشکار کرد (خروج ۳) و او را ترفیع داد تا رهاننده‌ای برای اسرائیل باشد. و خدا از طریق موسی، قوم خود

را با دستان قدرتمند خود و با خون یک بره بی عیب و نقص از مصر نجات داد (خروج ۱۲). اوج رهایی اسرائیل در دریای سرخ باعث شد تا همه مردم نجات خود را جشن بگیرند (خروج ۱۴). موسی در واکنش به این کار قدرتمندانه نجات، قوم اسرائیل را در سرودی برای ستایش پادشاه قدرتمند خودشان رهبری کرد:

«کیست چون تو، ای خداوند، در میان خدایان؟ کیست مانند تو، زور آور در قدوسیت، مهیب در جلال، و به عمل آورنده شگفتیها؟ خداوند پادشاهی خواهد کرد، تا ابدالابد.» (خروج ۱۵: ۱۱، ۱۸).

نجات قوم خدا از اسارت در مصر به همه دنیا نشان می دهد که هیچ کسی مانند خداوند وجود ندارد. او پادشاه است و برای همیشه سلطنت خواهد کرد.

پادشاه فرمان می دهد

خداوند پس از نجات قوم خود از مصر، آنها را به کوه سینا آورد، درست همانطور که وعده داده بود. خداوند هنگامی که خود را به موسی آشکار کرد، «گفت: البته با تو خواهم بود. و علامتی که من تو را فرستاده ام، این باشد که چون قوم را از مصر بیرون آوردی، خدا را بر این کوه عبادت خواهید کرد» (خروج ۳: ۱۲). خدا قبل از هدایت قوم به سرزمین نیکویی که به ابراهیم وعده داده بود، کلام نیکوی خود را در کوه سینا بر قوم خود آشکار نمود.

قوم اسرائیل، که خدا آن را پسر نخست زاده خود نامید (خروج ۴: ۲۲)، قرار بود نوعی نماینده کاهنی برای جهان باشد، درست مثل آدم. توجه کنید که خداوند در مورد آنها چه می گوید: «شما خود دیدید که بر مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بالهای عقابها حمل کرده، نزد خود آوردم. حال اگر واقعاً صدای مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، از میان جمیع قومها، ملک خاص من خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است. ما برای من مملکتی از کاهنان، و امتی

مقدس خواهید بود. این است آنچه باید به بنی اسرائیل بگویی» (خروج ۱۹: ۴-۶).

خدا می خواست که قدّوسیت اسرائیل، قدّوسیت پادشاه شان را منعکس کند: «تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده، بدیشان بگو: مقدس باشید، زیرا من، یهوه خدای شما، قدّوسم» (لاویان ۱۹: ۲). اسرائیل با اعتماد و اطاعت از سخنان نیکوی خداوند، قومی بی نظیر می شد که حکمت پادشاه خود را به همه انسان های دنیا نشان می داد. قوم اسرائیل با رعایت و انجام فرمان های پادشاه، حکمت خدا را به دنیایی که در حال نظاره بود، نشان می دادند (تثنیه ۴: ۴-۶).

اما اسرائیل درست مانند آدم، ثابت کرد پسر بی ایمانی است که از سخنان نیکوی خدا سرپیچی کرد. حتی هنگامی که موسی در حال دریافت مکاشفه خدا را در بالای کوه سینا بود، مردم در پایین کوه مشغول ساختن بت برای خودشان بودند (خروج ۳۲). پادشاه با قوم خود عهدی بست، و آنها آن را شکستند.

موسی آرزو داشت که حضور خدا به همراه اسرائیل وارد سرزمین موعود شود، بنابراین از طرف آنها پا در میانی کرد (خروج ۳۴). خدا عهد کرد که حضورش اسرائیل را ترک نکند، اما در عین حال آن نسل شرور را داوری نمود. آنها قبل از اینکه به سرزمین موعود پا بگذارند، به مدت چهل سال در بیابان سرگردان شدند.

در طول این دوره سرگردانی، پادشاه در خیمه مقدس در میان مردم ساکن شد و با صبر و شکیبایی احتیاجات آنها را در طول راه بر آورده نمود. اما اسرائیل یک بار دیگر، بر خلاف ابراهیم، قبول نکرد که با ایمان گام بردارد (اعداد ۱۴: ۱۱؛ تثنیه ۱: ۳۲؛ ۹: ۲۳؛ مزمو ۹۵)، به حدی که موسی در حالیکه به پایان عمر خود نزدیک می شد، امیدوار نبود که اسرائیل بعد از مرگ او، از خداوند اطاعت کند (تثنیه ۳۱: ۲۹).

در این مرحله از داستان، کاملاً واضح است که مشکل دل انسان که از زمان شورش آدم بشریت را گرفتار کرده بود، بر جای خود باقی بود (تثنیه ۳۱: ۲۰ - ۲۱). همچنین واضح است که اگر چیزی قرار بود تغییر کند، باید برای بی‌ایمانی قوم خدا کفاره پرداخت می‌شد و دل‌های آنها بایستی دگرگون می‌شد.

اما چگونه؟ امید برای این تغییر در آینده قرار دارد. قربانی‌های تکرار شونده کفاره که توسط خداوند در کوه سینا حکم شد، به قربانی نهایی مورد نیاز در آینده اشاره می‌کرد. و حتی موسی منتظر روزی بود که آن پادشاه دل قوم خود را مختون سازد (تثنیه ۳۰: ۶)، وقتی که روح خدا بر همه آنها ریخته می‌شد (اعداد ۱۱: ۲۹).

نکته برای موعظه و تعلیم

سیستم قربانی که در شریعت موسی شرح داده شده، مسیری را در داستان کتاب مقدس فراهم می کند که به عیسی ختم می شود، یعنی به قربانی بدون گناهی که برای گناهان قوم خود کفاره شد (رومیان ۳: ۲۵؛ عبرانیان ۲: ۱۷؛ اول یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۰).

هنگام تعلیم در مورد قسمت مربوط به جزئیات خیمه مقدس (خروج ۲۵)، در نظر داشته باشید که آن را بصورت مسیح محور با دیگر بخش های کتاب مقدس مرتبط کنید که با سکونت خدا با قوم خود سر و کار دارد. این موضوع کل داستان کتاب مقدس را بهم ربط می دهد، و از باغ عدن شروع می شود. می توانید این موضوع را از خیمه مقدس تا معبد اورشلیم، و سپس به خود خدا ردیابی کنید، که در عیسی مسیح با قوم خود ساکن شد، کلمه ازلی مجسم شد. (یوحنا ۱: ۱۴).

در او، کلیسا به معبد جدید خدا تبدیل شده است (اول قرنیتیان ۳: ۱۶ - ۱۷؛ دوم قرنیتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۴ - ۵). روزی خدا با قوم خود در اورشلیم جدید ساکن خواهد شد (مکاشفه ۲۱ - ۲۲). مقدس ترین مکان، اتاق مکعب شکل در معبد، با شهری که به شکل یک مکعب است جایگزین می شود (مکاشفه ۲۱: ۱۶). کل شهر یک نوع قدس الاقداس خواهد بود و بر روی همه قوم خدا باز خواهد بود، «معبدی در شهر ندیدم، زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره، معبد آن هستند. و شهر نیازی به خورشید و ماه ندارد که بر آن بتابند زیرا جلال خدا آن را روشن می کند و بره چراغ آن است» (مکاشفه ۲۱: ۲۲).

پادشاه رهبری می کند

بعد از گذشت چهل سال سرگردانی در بیابان، سرانجام مردم توسط خداوند، از طریق خادمش یوشع به سرزمینی هدایت شدند که وعده داده بود به آنها می دهد (پیدایش ۱۳: ۱۵؛ خروج ۳: ۸). خداوند به یوشع گفت: «خادم من موسی در گذشته است. پس اکنون برخیز، تو و تمامی این قوم، تا از این رود اردن گذشته، به سرزمینی در آید که من بدیشان یعنی به بنی اسرائیل می دهم. چنانکه به موسی وعده دادم، هر جایی را که کف پای خود را بر آن بگذارید، به شما داده ام» (یوشع ۱: ۲ - ۳). خدا به قوم خود نشان داد که او یک پادشاه کاملاً قابل اعتماد است:

اما هرچه داستان در کتاب یوشع پیش می رود، مشخص می شود که با اینکه اسرائیل در سرزمین موعود بود، دل مردم در دنیا باقی ماند. در ماجرای تسخیر کنعان، اسرائیل تهدید می شود که مورد داوری قرار گرفته و تبعید می گردد. اسرائیل می دانست که اگر عهد خدا را بشکنند، مجازات خواهد شد.

اسرائیل پس از مرگ یوشع، به جای اینکه به آن هشدار اعتنا کرده و از سخنان خدا پیروی کند، آنچه که از نظر خودشان درست می پنداشت را انجام داد - و شرارت زیاد شد. نویسنده داوران آن را اینگونه خلاصه می کند:

«بنی اسرائیل آنچه را که در نظر خداوند بد بود به جا آوردند، و بعلها را عبادت کردند. ایشان یهوه خدای پدرانشان را که آنان را از سرزمین مصر بیرون آورده بود ترک گفتند، و خدایان غیر را از میان خدایان اقوام پیرامونشان پیروی کرده، آنها را پرستش نمودند و خشم خداوند را برافروختند» (داوران ۲: ۱۱ - ۱۳).

قوم اسرائیل با اینکه می دانست خداوند پادشاهش می باشد، او را رد کرده و خواهان یک پادشاه شدند، درست مانند ملت های اطراف

شان (داوران ۱۷: ۶؛ ۱۸: ۱؛ ۱۹: ۱؛ ۲۱: ۲۵). جای تعجب ندارد شائول که انتخاب مردم بود، انتخاب خدا نبود. خداوند پادشاهی مطابق میل خودش می خواست (اول سموئیل ۱۳: ۱۴؛ اعمال ۱۳: ۲۲)، بنابراین یک تن از سبط یهودا را برگزید (پیشگویی یعقوب در پیدایش ۴۹: ۹ - ۱۲ را بیاد بیاورید). نام او داوود، پسر یسی بود.

نکته برای موعظه و تعلیم

به جای موعظه یا تعلیم در مورد «درست مانند یوشع قدرتمند و شجاع بودن»، بر خدای وفادار یوشع تمرکز کنید. نام یوشع به معنای «یهوه نجات می دهد!» می باشد. فقط به خاطر فیض و قدرت شگفت انگیز خداست که قوم اسرائیل وارد سرزمین موعود می شود (یوشع ۱ - ۵)، آن سرزمین را می گیرد (یوشع ۶ - ۱۲)، آن سرزمین را تقسیم می کند (یوشع ۱۳ - ۲۱)، و در آن سرزمین خدمت می کند (یوشع ۲۲ - ۲۴). همه این اقدامات وفاداری خدا به وعده های عهدش را نشان می دهد. خدا قهرمان این کتاب است، نه یوشع.

پادشاه فرمان می راند

بنابراین خداوند با داود عهدی بست که می خواست خانه ای برای خدا بسازد، وظیفه ای که نهایتاً به سلیمان، پسر داوود تعلق می گرفت. با کمال تعجب، خدا عهد کرد که خانه ای برای داوود بنا کند، یک سلسله:

«چنانکه از آن هنگام که داوران بر قوم خود اسرائیل بر گماشتم. و تو را از همه دشمنانت آسودگی خواهم بخشید. افزون بر این، خداوند به تو اعلام می کند که او برایت خانه ای خواهد ساخت.

آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی، کسی را که از نسل تو و پارهٔ تنّت باشد پس از تو بر خواهم افراشت، و سلطنتش را استوار خواهم ساخت. اوست که برای نام من خانه‌ای بنا خواهد کرد، و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت» (دوم سموئیل ۷: ۱۱ - ۱۳).

خدا می‌خواست سلطنت داود به عنوان پادشاه اسرائیل، فرمانروایی حکیمانه و شگفت‌انگیز خدا را به دنیایی که در حال نظاره بود، نشان دهد. امید به حکومت عادلانه یک پادشاه ابدی که بر تخت سلطنت ابدی نشسته به داوود و خاندان او ارتباط دارد. صدای دلنشین این وعده‌های الهی پر امید که به داوود داده شده، در بقیه عهد عتیق انعکاس دارد. خدا داوود و قوم اسرائیل را به فراوانی کامیاب نمود (اول تواریخ ۲۹). هر اتفاقی که برای پادشاه بیفتد، برای پادشاهی نیز می‌افتد.

سلیمان پسر داوود بعد از پدرش پادشاه اسرائیل شد و خانه‌ای باشکوه، یا معبد در اورشلیم برای خداوند ساخت. بار دیگر، خدا حضور پر جلال خود را در میان قوم خود متجلی نمود. این باعث شد سلیمان بگوید: «ولی آیا خدا برآستی بر زمین ساکن خواهد شد؟ اینک آسمانها، حتی رفیع‌ترین آسمانها، گنجایش تو را ندارد، چه رسد به این خانه که من بنا کرده‌ام!» (اول پادشاهان ۸: ۲۷). معبد تکمیل شده باشکوه بود (مزمور ۴۸: ۱ - ۳، ۹ - ۱۱)، و شهرت و ثروت سلیمان عظیم بود (اول پادشاهان ۱۰). «پس سلیمان پادشاه در دولت و حکمت از همهٔ پادشاهان جهان برتر بود، و تمام دنیا طالب دیدار او بودند تا به حکمتی که خدا در دل او نهاده بود، گوش بسپارند» (اول پادشاهان ۱۰: ۲۳ - ۲۴).

به نظر می‌رسید وعده‌های خدا به داوود و حتی وعده‌هایی که به موسی داده بود، عملی می‌شوند. «متبارک باد خداوند که قوم خود اسرائیل را بر طبق هر آنچه وعده داده بود، آسودگی بخشیده است. حتی یک کلمه از تمامی وعده‌های نیکو که او به واسطهٔ خدمتگزار

خود موسی داده بود، بر زمین نیفتاده است» (اول پادشاهان ۸: ۵۶). با این حال، فاجعه در راه بود، زیرا سلیمان، پادشاه حکیم، از روی نادانی به هشدارهای خدا اعتنا نکرد.

نوشته‌های مربوط به حکمت در کتاب مقدس (ایوب، مزامیر، امثال، جامعه، غزل غزل‌های سلیمان)، نهایت حکمت عالی داوود و سلیمان و بقیه را نشان می‌دهد. کتاب‌های آنها تصویری از زندگی حکیمانه آنها در ترس از خداوند را در این دنیای سقوط کرده، غیر قابل پیش بینی و گاهی غیرعادلانه، در عین حال دارای نظم را به ما ارائه می‌دهد. آنها به گذشته، به پیدایش و به آنچه که خدا قصد داشت، و همچنین به آینده، به مسیح و آنچه خدا وعده می‌دهد، نگاه می‌کنند.

سلیمان به جای حکمرانی و هدایت قوم خدا بر اساس کلام نیکوی خدا، مقادیر زیادی طلا (دوم تواریخ ۹: ۱۳ - ۲۱)، اسب و ارابه‌های قدرتمند (دوم تواریخ ۹: ۲۵ - ۲۸) و همسران فراوانی (اول پادشاهان ۱۱: ۳) برای خود جمع آوری نمود. این نوع عملکرد فاجعه بدنبال داشت، دقیقاً همانگونه که خدا هشدار داده بود (ثنیه ۱۷: ۱۴ - ۲۰). از همه بدتر اینکه، سلیمان نه تنها نتوانست مکانهای بلندی که بت‌ها در آن پرستش می‌شدند را خراب کند، بلکه خود پادشاه در سن پیری، کاملاً از خداوند پیروی نکرد (اول پادشاهان ۱۱: ۵ - ۱۰). شروع عالی سلطنت سلیمان به عنوان پادشاه، اکنون به سوی فاجعه می‌رفت، زیرا هر اتفاقی که برای پادشاه بیفتد، برای پادشاهی نیز می‌افتد.

خدا چگونه واکنش نشان می‌دهد؟ خداوند به سلیمان گفت: «پس خداوند به سلیمان گفت: «حال که چنین کردی و عهد و فرایض مرا که به تو امر فرموده بودم نگاه نداشتی، من نیز به یقین مملکت را از تو پاره خواهم کرد و آن را به خدمت خواهم داد. اما به خاطر پدرت داوود، در ایام تو این کار را نخواهم کرد، بلکه آن را از دست پسرت پاره خواهم کرد. ولی تمامی مملکت را پاره نخواهم کرد، بلکه یک

قبیله را به خاطر خدمتگزارم داوود و به خاطر اورشلیم که برگزیده‌ام، به پست خواهم داد.» (اول پادشاهان ۱۱: ۱۱ - ۱۳). سلیمان چهل سال به عنوان پادشاه بر قوم اسرائیل سلطنت کرد. اما پس از مرگ وی، پادشاهی اسرائیل دو تکه شد، همانطور که خدا وعده داده بود (اول پادشاهان ۱۲: ۱۶ - ۲۰). پادشاهی اسرائیل به پادشاهی شمالی (اسرائیل) و پادشاهی جنوبی (یهودا) تقسیم شد. هیچکدام از پادشاهان آینده اسرائیل و یهودا (به جز حزقیا و یوشیا) نتوانستند مکان‌های بلند بت پرستی را نابود کنند. پادشاهان گناه کردند و مردم گناه کردند. آنها «این از آن رو واقع شد که بنی اسرائیل به یهوه خدای خود گناه ورزیدند، که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آورده و از زیر دست فرعون پادشاه مصر رهایی داده بود. و ترس خدایان غیر را به دل داشتند، و از رسوم قومهایی که خداوند آنها را از پیش روی ایشان رانده بود و نیز رسومی که پادشاهان اسرائیل ابداع کرده بودند، پیروی کردند» (دوم پادشاهان ۱۷: ۷ - ۸). هر اتفاقی که برای پادشاه بیفتد، برای پادشاهی نیز می‌افتد.

نکته برای موعظه و تعلیم

یک موعظه یا درس را به سادگی روی شجاعت داوود یا «چگونگی مواجه شدن با غول‌ها در زندگی خود» متمرکز نکنید. در عوض، انتخاب داوود، مردی که به دنبال دل خدا بود، به عنوان پادشاهی که بر قوم خدا پادشاهی کند را به عنوان راه خدا برای احیای سلطنت خود بر روی زمین در نظر بگیرید (اول سموئیل ۱۶: ۱ - ۱۳). خدا به داوود وعده داد که یک پادشاه ابدی از خانواده او بر تخت سلطنتی جاودانه سلطنت خواهد نمود (دوم سموئیل ۷). این ارتباط با عیسی را برای جماعت خود تصریح و روشن کنید. به آنها کمک کنید تا ببینند که این فرزند آینده داوود خداوند او نیز خواهد بود (مزمور ۱۱۰؛ اشعیا ۹: ۶ - ۷؛ حزقیال ۳۴: ۲۲ - ۲۳؛ متی ۲۲: ۴۵).

داوود پادشاه حتی در عهد جدید به عنوان یک پیامبر توصیف شده است. داوود درباره چه چیزی نبوت کرد؟ البته که عیسی: «ای برادران، می‌توانم با اطمینان به شما بگویم که داوود پاتریارک وفات یافت و دفن شد و مقبره‌اش نیز تا به امروز نزد ما باقی است. اما او نبی بود و می‌دانست خدا برایش سوگند خورده است که کسی را از ثمره صلب او بر تخت سلطنت وی خواهد نشانید. پس آینده را پیشاپیش دیده، درباره رستاخیز مسیح گفت که جان او در هاویه وانهاده نشود و پیکرش نیز فساد نبیند» (اعمال ۲: ۲۹ - ۳۱؛ مزمور ۱۶ را ملاحظه فرمایید).

پادشاه بیرون می راند

درست مثل آدم، شورش خائنانه قوم خدا منجر به تبعید در مشرق شد، وقتی که اسرائیل و یهودا از سرزمین نیکوی خدا بیرون رانده شدند (پیدایش ۳: ۲۴؛ دوم پادشاهان ۱۷: ۱۸، ۲۳). پادشاهی شمالی در سال ۷۲۲ قبل از میلاد به آشور تبعید شد و پادشاهی جنوبی در ۵۸۶ قبل از میلاد به بابل تبعید شد. درست مانند باغ عدن، خدا به قوم خود از عواقب چنین شورش هشداری داده بود. او در رحمت و شکیبایی خویش، پیامبر پس از پیامبر برانگیخت تا پیام توبه را به قوم خودخواه و لجباز خود اعلام نماید (اول پادشاهان ۱۴: ۱۵). الیاس و الیشع و بسیاری از پیامبران دیگر با قوم بی وفای خدا روبرو شدند و آنها را به چالش کشیدند. اما قوم خدا لجباز بودند و از توجه به هشدارهای مکرر خدا امتناع ورزیدند:

«خداوند به واسطهٔ جمیع انبیا و رؤیابینان خود به اسرائیل و یهودا هشدار داده بود که: «از راههای شرارت آمیز خود بازگردید و طبق تمامی شریعتی که به پدرانتان حکم کردم و از طریق خدمتگزاران خود انبیا برایتان فرستادم، فرمانها و فرایض مرا نگاه دارید.» اما ایشان نخواستند گوش فرا دهند، بلکه همچون پدرانشان که به یهوه خدای خود توکل نکردند، گردنکش بودند. آنان فرایض او و عهدی را که با پدرانشان بسته بود، و هشدارهایی را که به ایشان داده بود خوار شمردند، و با پیروی از بت‌های بی ارزش، خود نیز پست و بی ارزش شدند. آنها از قومهای اطراف الگو گرفتند، حال آنکه خداوند فرموده بود که مانند ایشان رفتار نکنند» (دوم پادشاهان ۱۷: ۱۳ - ۱۵).

آنها به جای پرستش خدای حقیقی، آنچه که دروغین بود را پرستیدند، و به این ترتیب دغلباز شدند. آنها به جای اینکه فقط به خدا احترام بگذارند، برای خود بت ساختند و حتی پسران و دختران

خود را نیز برای خدایان دروغین خود قربانی کردند (دوم پادشاهان ۱۷:۱۷). بنابراین خدای پادشاه دقیقاً همانطور که هشدار داده بود، قوم خود را بیرون راند (لاویان ۲۶:۲۳؛ تثیبه ۲۸:۶۳ - ۶۷).

اثر حکم تبعید بسیار زیاد بود: بدون هیچ پادشاهی، بدون هیچ سرزمینی، بدون هیچ معبدی - فقط گریه و زاری.

«نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم و گریه نیز کردیم، چون صهیون را به یاد آوردیم. بربط های خود را آویختیم بر درختان بید که در میان آنها بود. زیرا آنانی که ما را به اسیری برده بودند، در آنجا از ما سرود خواستند، و آنانی که ما را تاج تاراج کرده بودند، شادمانی خواستند که یکی از سرودهای صهیون برای ما بسرایید. چگونه سرود خداوند را، در زمین بیگانه بخوانیم» (مزمور ۱۳۷: ۱ - ۴)

تبعید قوم خدا به آشور و بابل، یک بار دیگر قدوسیت خدا و عواقب کشنده شورش بر علیه او را نشان داد.

امید و آرزوهای قوم قدیمی خدا که در زمان سلطنت وی کامیاب بودند، انگار فروکش کرد.

«و بگوییم: ما گناه کردیم و عصیان ورزیدیم و تو عفو نفرمودی. خویشتن را به غضب پوشانیده، ما را تعاقب نمودی و به قتل رسانیده، شفقت نفرمودی. خویشتن را به ابر غلیظ مستور ساختی، تا دعای ما نگذرد. ما را در میان امت ها فضله و خاکروبه گردانیده ای. تمامی دشمنان ما بر ما دهان خود را می گشایند. خوف و دام و هلاکت و خرابی بر ما عارض گردیده است.» (مراثی ارמیا ۳: ۴۲ - ۴۷)

پادشاه آنها را بیرون راند. اما رحمت او هر روز تازه می شود، زیرا وفاداری او عظیم است (مراثی ارמیا ۳: ۲۳). و با این حال، حتی در میان وحشت تبعید، خادمان خدا، پیامبران، امید تازه ای در دل قوم

خدا ایجاد کرده و حفظ نمودند. واقعیت درد آور تبعید با وعده بازگشت خیره کننده از تبعید درآمیخته بود:

«زیرا خداوند درباره پسران و دخترانی که در این مکان مولود شوند و درباره مادرانی که ایشان را بزنند و پدرانی که ایشان را در این زمینه تولید نمایند چنین می گوید». (ارمیا ۱۶: ۱۳)

نکته برای موعظه و تعلیم

اعمال عظیم نجات و داوری در کتاب مقدس، اغلب اعمال عظیمتر نجات و داوری خدا که در راه است را به تصویر می کشد. از تبعید آدم و حوا از عدن گرفته تا داوری سیل در ایام نوح، به وضوح می بینیم که «مزد گناه مرگ است» (رومیان ۶: ۲۳). هنگام موعظه یا تعلیم از کتابهای نبوتی عهد عتیق درباره داوری خدا به صورت تبعید، این واقعیت مهم را از دست ندهید.

پیامبران نابودی اورشلیم و تبعید به بابل را مانند وحشت سکونت در تاریکی مطلق توصیف کرده اند (مراثی ارمیا ۳: ۱-۲)، که وحشت انداخته شدن در تاریکی ابدی جهنم، مکان تاریکی نهایی خارجی، مکان گریه و فشار دندان را پیش بینی می کند (متی ۸: ۱۲؛ ۲۲: ۱۳؛ ۲۵: ۳۰).

همچنین، مطمئن شوید که وضعیت تبعید قوم خدا را برجسته می کنید. از زمانی که آدم و حوا از بهشت تبعید شدند، قوم خدا همیشه «بطور موقت ساکن» بوده اند (اول پطرس ۲: ۱۱)، «غریبه و تبعیدی» بوده اند» (عبرانیان ۱۱: ۱۳)، زیرا «شهروندان آسمان هستیم» (فیلیپیان ۳: ۲۰). «بنابراین، عیسی نیز تا قوم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید» (عبرانیان ۱۳: ۱۴).

«بنابراین من شما را از این زمین به زمینی که شما و پدران شما ندانسته‌اید خواهم انداخت و در آنجا شبانه روز خدایان غیر را عبادت خواهید نمود زیرا که من بر شما ترحم نخواهم نمود. بنابراین خداوند می‌گوید: اینک ایامی می‌آید که بار دیگر گفته نخواهد شد قسم به حیات یهو به بنی اسرائیل را از زمین مصر بیرون آورد بلکه قسم به حیات یهو به بنی اسرائیل را از زمین شمال و همه زمین‌هایی که ایشان را به زمینی که به پدران ایشان داده‌ام باز خواهم آورد». (ارمیا ۱۶: ۱۳ - ۱۵)

پیامبران بطور مکرر وعده‌های خدا نسبت به اجداد اسرائیل، ابراهیم و داود، را به قوم اسرائیل یادآوری کردند. آنها به کار جدیدی که خداوند در روزهای آخر انجام خواهد داد، اشاره کردند. این وعده‌های گذشته و امیدهای روزهای آخر، چشم‌انداز آینده‌ای باشکوه را ارائه می‌داد. پیامبران با ایمان به کار آینده خدا نگاه کردند (حقوق ۱: ۵؛ ۳: ۲)، و این امید، شادی در خداوند ایجاد کرد.

«اگرچه انجیر شکوفه نیاورد و میوه در موها یافت نشود و حاصل زیتون ضایع گردد و مزرعه‌ها آذوقه ندهد، و گله‌ها از آغل منقطع می‌شود و رمه‌ها در طویله‌ها نباشد، لیکن من در خداوند شادمان خواهم شد و در خدای نجات خویش وجد خواهم نمود». (حقوق ۱۷: ۳ - ۱۸)

این امید نبوتی به فراتر از خسارت‌ها و آسیب‌های تبعید نگاه کرد و متمرکز بر آمدن پادشاهی مثل داوود در آینده بود (حزقیال ۳۴: ۲۳). خود خدا وعده داد که می‌آید و قوم خود را شبانی می‌کند، و وعده داد که آن داوود شبان آنها خواهد بود. خدا همچنین وعده داد که کار حیرت‌آوری انجام دهد: عهد جدیدی برقرار نماید. او به ارمیا، یکی از پیامبرانش گفت:

«اما خداوند می گوید: این است عهدی که بعد از بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و بار دیگر کسی به همسایه اش و شخصی به بردارش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند می گوید: جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.» (ارمیا ۳۱: ۳۳ - ۳۴)

در جای دیگری خداوند می گوید که این عهد جدید مستلزم گردآوری دوباره قومش از طریق یک نوع خروج جدید (حزقیال ۳۶: ۲۶ - ۲۸؛ تثنیه ۳۰: ۳ - ۴) و ریختن روحش به طریقی تازه می باشد، به گونه ای که به همه افراد قوم خدا دل های جدید داده شود تا به پادشاه خود اعتماد کرده و از او اطاعت نمایند (یوئیل ۲: ۲۸ - ۲۹). پیامبران حتی امید داشتند که پادشاه همه جهان آفرینش، دست به آفرینش جدیدی بزند، یک آسمان جدید و یک زمین جدید که همه ملتها در آن خداوند را پرستش کنند (اشعیا ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲ - ۲۳).

در همین حال، تمام این امیدهای باشکوه در هم آمیخت با آمدن یک شخص اسرارآمیز، خادم خداوند. او از نسل داوود خواهد بود و به وسیله روح خدا مسح شده است (اشعیا ۱۱: ۱ - ۳). این خادم از قوم اسرائیل خواهد بود و قوم خدا را به سوی خداوند باز می گرداند (اشعیا ۴۹: ۵).

اما کار این خادم باعث ایجاد قومی از سراسر جهان خواهد شد. خداوند در مورد این خادم فرمود:

«پس می گوید: این چیز قلیلی است که بنده من بشوی تا اسباط یعقوب را بر پا کنی و ناجیان اسرائیل را باز آوری. بلکه تو را نور امت ها خواهم گردانید و تا اقصای زمین نجات من خواهی بود» (اشعیا ۴۹: ۶؛ اعمال ۱۳: ۴۷)

نقشه پادشاه برای برکت جهان و تحقق وعده‌های داده شده به ابراهیم مرتبط بود به این شخص شبیه داوود آینده. پیامبران مشتاقانه منتظر آمدن او و پادشاهی ابدی او بودند (اشعیا ۹: ۶ - ۷). وقتی سرانجام این پادشاه می‌آمد، برای قوم خود رستگاری و نجات می‌آورد.

« خداوند ساعد قدّوس خود را در نظر تمامی امت‌ها بالا زده است و جمیع کرانه‌های زمین نجات خدای ما را دیده‌اند». (اشعیا ۵۲: ۱۰)

اما چگونه این شخص متعال، این پادشاه اسرارآمیز آینده از نسل داوود، قوم خود را از گناهان شان نجات خواهد داد؟ با کمال شگفتی، پیامبران می‌گویند که پادشاه کوبیده شده و کشته می‌شود - نه به خاطر خطاهای خودش، بلکه برای خطاهای قوم خود. این سخنان اشعیا را بشنوید:

«و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تادیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم» (اشعیا ۵۳: ۵).

جای تعجب نیست که قرن‌ها بعد، پطرس رسول در مورد پیامبران می‌نویسد که آنها کسانی بودند که روح مسیح از طریق آنها به «رنج‌های مسیح و افتخارات متعاقب آن» اشاره می‌کرد (اول پطرس ۱: ۱۰ - ۱۲). این وعده‌های باشکوه که توسط پیامبران نوشته شده، سبب توقع عظیمی شد.

با این حال، به نظر می‌رسد که آن امید به پایان رسید وقتی که قوم اسرائیل سرانجام از تبعید بازگشت (عزرا و نحمیا را ملاحظه فرمایید). در حقیقت برای صدها سال به نظر رسید که این امیدهای گرانبهای نبوتی به خواب رفته و منتظر روزی بودند که سرانجام تمام وعده‌های پادشاه به وقوع بپیوندد.

نکته برای موعظه و تعلیم

هنگام موعظه یا تعلیم از پیامبران عهد عتیق، اطمینان حاصل کنید که پیام صادقانه با الهام از پیام روح القدس را تبلیغ می کنید نه اینکه به خود پیامبر متمرکز شوید. * کتاب اشعیا عمدتاً مربوط به حضرت اشعیا نیست. کتاب دانیال عمدتاً درباره دانیال نیست. کتاب ارمیا عمدتاً درباره ارمیا نبی نیست. بنابراین هنگامی که از طریق کتاب های نبوی کار می کنید، پرسید که پیام این کتاب به طور کلی چیست؟ وقتی نکته کتاب را فهمید، می توانید به دنبال پیوندهایی در سراسر کتاب مقدس به مسیح باشید (متی ۵:۱۷؛ لوقا ۲۴:۲۵، ۲۷، ۴۴).

کتابهای نبوتی عهد عتیق برای این در کتاب مقدس وجود ندارد که توجه ما را به دروس اخلاقی معطوف کنند که از زندگی افراد مختلف می توان فرا گرفت. به جای خیره شدن به آن اشخاص، به جماعت خود کمک کنید تا به آنچه که خود پیامبران به آن خیره شده بودند، توجه کنند، یعنی نجات عظیم خداوند از طریق مسیحی که می آمد!

پیامبرانی که درباره فیضی پیشگویی کردند که قرار بود متعلق به شما باشد، با دقت در مورد این نجات تحقیق و بررسی کردند. وقتی روح مسیح در آنها رنج های مسیح و افتخارات متعاقب آن را پیشگویی کرد، به کدام شخص و زمان اشاره می کرد. برای آنها آشکار شد که آنها خود را خدمت نمی کردند، بلکه در چیزهایی که اکنون از طریق آنهایی که خبر خوش را به وسیله روح القدس که از آسمان فرستاده شد، اعلام شده است، چیزهایی که فرشتگان منتظر دیدن شان بودند، در حقیقت شما را خدمت کردند. (اول پطرس ۱: ۹ - ۱۲).

* See John Sailhamer, "Preaching from the Prophets," in Preaching the Old Testament, ed. Scott M. Gibson (Grand Rapids, MI: Baker, 2006), 115-36.

فصل ۴

روایت اصلی کتاب مقدس چیست؟

قسمت ۲

پادشاه از راه می‌رسد

و سرانجام، پادشاهی که مدت‌های مدیدی منتظرش بودند، از راه رسید. شاه شاهان خودش آمد تا قومی را برای جلال خودش نجات دهد و و شورشیانی که گمشده بودند را باز خرید نماید. پس از سالها تاریکی، سرانجام نور جهان، نور حقیقی وارد جهان شد (یوحنا ۱: ۹). پس از یک دوره طولانی سکوت، کلمهٔ ازلی که با خدا بود و خدا بود، جسم شد و در میان ما ساکن شد تا خدای پدر را بشناساند (یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸). درست همانطور که خدا وعده داده بود، این پادشاه حقیقتاً پسر داوود و ابراهیم بود (متی ۱: ۱). در عین حال، این پادشاه خدا در جسم نیز خواهد بود، یعنی خدا با ما، همانطور که پیامبران پیش بینی کردند:

«و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را امانوئل خواهند خواند که تفسیرش این است خدا با ما» (متی ۱: ۲۲ - ۲۳).

پسر نامتناهی خدا یک نوزاد شد. پسر ابدی خدا یک انسان شد. و این انسان، این پادشاه، عیسی خوانده خواهد شد: «و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کنید.» (متی ۱: ۲۱). در عیسی، کلمه ازلی جسم شد، خود خداوند آمد تا با قوم خود ساکن شده تا مأموریتی که پدرش به او داده بود را به انجام برساند. عیسی پسر محبوب خداست، پسری که پدر از او خوشنود است (لوقا ۳: ۲۲). عیسی بر خلاف آدم

و اسرائیل، برای خوشنودی و احترام به خدا زندگی می کند. بنابراین پسر خدا پس از تعمید، پر از روح به بیابان هدایت شد تا با شیطان، دشمن بزرگ خدا و قوم او مبارزه کند (لوقا ۴: ۱-۲).

شیطان، مار قدیمی، سعی داشت جلوی عیسی را از ابتدای خدمتش بگیرد. اما در جایی که آدم و ابراهیم و موسی و داوود و سلیمان و اسرائیل شکست خوردند، عیسی با اعتماد به کلام نیکوی خدا موفق شد. عیسی به همه نشان داد که او پسر حقیقی و وفادار خدا است (لوقا ۴: ۱-۱۳). عیسی پس از پیروزی در بیابان، شروع به اعلان خبر خوش خدا نمود و اعلام کرد: «و می گفت: «زمان به کمال رسیده و پادشاهی خدا نزدیک شده است. توبه کنید و به این خبر خوش ایمان آورید» (مرقس ۱: ۱۵). او پیروان خود را جمع می کند و در مورد پادشاهی خود به آنها تعلیم می دهد (متی ۱۳). حکومت و سلطنت خدا به شدت در طول خدمت زمینی عیسی نمایش داده می شود.

عیسی به عنوان پیامبری همانند موسی، انواع و اقسام آیات و معجزات را در میان قوم اسرائیل اجرا نمود و قدرت عظیم خدا را به همه نشان داد (تثنیه ۱۸: ۱۵؛ ۳۴: ۱۰-۱۲). عیسی بیماران را شفا داد، هزاران تن را با نان از آسمان خوراک داد و حتی مردگان را نیز زنده گردانید. با وجود این، عیسی همان پادشاهی نبود که جهان انتظار داشت. پادشاهی و ملکوتی که عیسی اعلام کرد، آن نوعی نبود که با روش های زمینی ایجاد شود. عیسی گفت: «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می جنگیدند تا به دست یهودیان گرفتار نیایم. اما پادشاهی من از این جهان نیست» (یوحنا ۱۸: ۳۶).

نکته برای موعظه و تعلیم

اناجیل تماماً در مورد عیسی هستند. و با این وجود، نگاهمان بسادگی می‌تواند از او برداشته شود و موعظه‌ها و درس‌هایمان را بر روی چیزهایی متمرکز کنیم که واقعا اهمیت اساسی ندارند. به عنوان مثال، اگر از انجیل متی تعلیم می‌دادید و به ۸: ۲۳ تا ۹: ۸ می‌رسیدید، چگونه این قسمت را توضیح می‌دادید؟ سه معجزه مختلف توسط عیسی انجام شده، و تعداد زیادی «سوء تعبیر» ممکن است وجود داشته باشد، زیرا سه رویداد ثبت شده در این بخش از کتاب مقدس خیلی شگفت‌انگیز هستند: آرام کردن طوفان (۸: ۲۳ - ۲۷)، شفای مردی که روح پلید دارد (۸: ۲۸ - ۳۴)، و شفا و بخشیدن یک افلیج گناهکار (۹: ۱ - ۸). نکته چیست؟ عیسی کسی است که اقتدار دارد! او بر خلقت، دیوها و گناه و بیماری اقتدار دارد. مطمئن شوید که هنگام موعظه یا تعلیم از اناجیل، بیشتر از هر چیز دیگری از عیسی مسیح صحبت می‌کنید.

علاوه بر این، عیسی حتی آن نوع پادشاهی نبود که قوم خودش انتظار داشت. «او در جهان بود و جهان به واسطه آفریده شد و جهان او را نشناخت. به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند» (یوحنا ۱: ۱۰ - ۱۱). حتی شاگردان عیسی در ابتدا در مورد ماهیت رسالت او و آنچه که قصد انجام آن را داشت، سردرگم بودند. عیسی مکرراً برای پیروانش مشخص کرد که به جای اینکه مورد پذیرش و ستایش مردم قرار بگیرد، از طرف آنها رد خواهد شد.

عیسی به جای احترام و ستایش، ابتدا مورد خیانت قرار گرفته و حتی به عنوان جنایتکار روی یک صلیب رومی به قتل خواهد رسید. این پادشاه که مدتها انتظارش را داشتند قرار بود به صلیب کشیده شود.

پادشاه رنج می کشد و نجات می دهد

مسیر پیش روی عیسی مسیح مستقیماً به صلیب منتهی شد. درست همانطور که خداوند از طریق پیامبران خود وعده داده بود، خادم خداوند با رنج کشیدن بجای شورشیان، آنها را نجات خواهد داد. و درست همانطور که خداوند در پیدایش ۳: ۱۵ وعده داده بود، روزی ذریت حوا سر مار را خواهد کوبید، اما پاشنه او زده خواهد شد. عیسی بر روی صلیب لعنت ناخوشایند گناه را تحمل کرد و به عنوان جانشینی برای گناهکاران قربانی شد. او بر روی صلیب با صدای بلند فریاد زد: «و نزدیک به ساعت عیسی به آواز بلند صدا زده گفت: ایلی ایلی لما سبقتنی یعنی الهی الهی مرا چرا ترک کردی» (متی ۲۷: ۴۶). عیسی به عنوان یک قربانی خون خود را برای گناهکاران بر روی صلیب ریخت و عهد جدید موعود را مقرر نمود (لوقا ۲۲: ۲۰). خون پادشاه «برای بخشش گناهان بسیاری» بر روی صلیب ریخته شد (متی ۲۶: ۲۸).

عیسی جان خود را به عنوان فدیة برای بسیاری از مردم داد (مرقس ۱۰: ۴۵). و «که چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد، و چون در شکل انسان یافت شد خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب تسلیم مطیع گردید» (فیلیپیان ۲: ۶ - ۸).

عیسی آن جایگزین کامل و جایگزین مجازاتی شد که قومش به شدت لازم داشتند.

هر چیزی که سیستم قربانی به آن در آینده اشاره کرده بود، در «بره خدا، که گناهان جهان را بر می دارد» تحقق یافت (یوحنا ۱: ۲۹). همانطور که پولس به کلیسای قرنتس می نویسد: « زیرا چندانکه وعده های خدا است، همه در او بلی و از این جهت در او امین است تا خدا از ما تمجید یابد» (دوم قرنتیان ۱: ۲۰). نویسندگان اناجیل نشان می دهند که عیسی مسیح بره حقیقی بی عیب پسح است که ذبح شد تا گناهان قومش را بپوشاند و آنها را بوسیله اجرای یک خروج جدید و بهتر، از داوری خدا نجات دهد (لوقا ۹: ۳۱؛ یوحنا ۱۹: ۳۶).

هیچ چیز نمی تواند مانع عیسی برای باز خریدن قومش شود. حتی مرگ هم نمی تواند. ثابت شد که محبت او از مرگ قویتر و از جهنم عمیق تر است.

عیسی پس از سه روز از مردگان قیام کرد. نخستین بازدید کنندگان قبر او که حالا خالی بود، با فرشتگانی ملاقات کردند که این خبر حیرت انگیز را به آنها دادند: «اما فرشته به زنان متوجه شده گفت: شما ترسان مباشید! می دانم که عیسی مصلوب را می طلبید. در اینجا نیست زیرا چنان که گفته بود برخاسته است. بیاید و جایی که خداوند خفته بود ملاحظه کنید، و به زودی رفته شاگردانش را خبر دهید که از مردگان برخاسته است. اینک پیش از شما به جلیل می رود. در آنجا او را خواهید دید. اینک شما را گفتم» (متی ۲۸: ۵ - ۷).

عیسای پادشاه با قیام از مردگان، کار آفرینش جدید را آغاز کرد، کاری که نخستین بار در عهد عتیق وعده داده شده بود. رستاخیز مسیح، واقعیت آخر الزمانی بود که در عصر حاضر به وقوع پیوست. حتی لعنت گناه و قدرت مرگ نیز نتوانست شاه شاهان را در قبر نگه دارد. عیسی قیام کرد و نشان داد دقیقاً همان کسی است که در طول خدمت زمینی خود گفته بود.

اکنون، دو هزار سال بعد، عیسای خداوند همه شورشیان را فرا می خواند تا از گناهان خود بازگردند و به او اعتماد کنند. پاسخی که عیسی از کل جهان می طلبید این است که به او ایمان آورند یا محکوم شوند (یوحنا ۳: ۱۶ - ۱۸). پادشاه قیام کرده وعده می دهد همه کسانی که به او ایمان دارند را نجات دهد، چه یهودی باشند، چه از غیر یهودی.

نکته برای موعظه و تعلیم

در حدود یک سوم از هر کدام از اناجیل بر روی هفته آخر زندگی عیسی، هفته منتهی به مصلوب شدن و رستاخیز او تمرکز دارد. دو سوم دیگر ما را آماده می کند تا درک کنیم آن کسی که به اورشلیم می رود، به روسای کاهنان و کاتبان تحویل داده شده، به اعدام محکوم شده، و به غیریهودیان تحویل داده می شود تا مورد تمسخر قرار گرفته، آب دهان بر او انداخته، شلاق خورده و مصلوب شود (مرقس ۱۰: ۳۳ - ۳۴).

و این عیسی، آن کسی که اقتدار دارد، با فروتنی بسوی صلیب می رود و می میرد تا قومی سرکشی که اقتدار او را رد کرده بود، باز خرید کند (متی ۲۰: ۲۵ - ۲۸). و همین عیسی که در روز سوم قیام کرد و «تمام اقتدار آسمان و زمین را دارد»، شایسته پرستش ماست (متی ۲۸: ۱۷ - ۱۸). در حقیقت، او خواستار و سزاوار پرستش همه دنیاست (متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰). مسلماً همه موعظه های ما از انجیل باید بر روی او تمرکز داشته باشد!

هنگامی که مسیح را از اناجیل اعلان می کنیم، باید توصیه های حکیمانه سینکلر فرگوسن را دنبال کنیم و «انرژی خود را صرف تحسین، کاوش، تشریح و ستودن عیسی مسیح کنیم.» *

* "An Interview with Sinclair Ferguson," by C. J. Mahaney, quoted in Mahaney, *Living the Cross Centered Life: Keeping the Gospel the Main Thing* (Sisters, OR: Mult-nomah, 2002), 5f.

پادشاه می فرستد

عیسی با برخاستن از مردگان، به آسمان و زمین ثابت کرد که او پادشاه قادر مطلق است. حتی مرگ هم نتوانست جلوی او را بگیرد. مسیح قیام کرده به شاگردانش گفت:

«پس عیسی پیش آمده، به ایشان خطاب کرده گفت: تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روز تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم آمین» (متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰).

عیسی شاگردان خود را می‌خواند تا رفته و شاگردان بیشتری بسازند. پیروی از پادشاه به معنای کمک به دیگران برای پیروی از پادشاه است. بنابراین عیسی پیروان خود را مأمور می‌کند که به سراسر دنیا رفته و از همه ملت‌ها شاگرد بسازند. این پسر داوود قصد دارد تا بر همه ملت‌ها فرمانروایی کند، و این فرزند ابراهیم قصد دارد از طریق انجیل خود همه ملت‌ها را برکت دهد.

انجام مأموریت سنگین مسیح به تنهایی کاملاً غیر ممکن است. بنابراین عیسای پادشاه اقتدار حیرت‌انگیز و وعده‌تسلی بخش حضور خود تا پایان دنیا را به پیروان خود یادآوری نمود. عیسی برای اینکه تا ابد در کنار شاگردان خود باشد، آنها را ترک کرد. «پس ایشان را بیرون از شهر تا بیت عنیا برد و دست‌های خود را بلند کرده، ایشان را برکت داد. و چنین شد که در حین برکت دادن ایشان، از ایشان جدا گشته، به سوی آسمان بالا برده شد» (لوقا ۲۴: ۵۰ - ۵۱).

عیسی قبلاً این مسئله را روشن کرده بود که باید به آسمان بازگردد تا آن کسی را بفرستد که به آنها کمک می‌کند توانمند شده تا هم از او پیروی کنند و هم در سراسر جهان شاهدان او باشند. و عیسی قبلاً روشن کرده بود که کلیساهایی را بجا خواهد گذاشت که اقتدار

دارند هر آنچه بر روی زمین ببینند، در آسمان بسته شود و هر آنچه بر روی زمین بکشایند، در آسمان گشوده شود (متی ۱۶: ۱۶؛ ۱۸: ۱۸). عیسی نقشه کشید سفارتخانه‌ها یا پاسگاه‌های فرمانروایی مقتدرانه خود را بجا بگذارد.

او درست قبل از صعود به آسمان به شاگردانش گفت: «لیکن چون روح القدس بر شما می آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال ۱: ۸). طبق گفته عیسی، آمدن روح القدس همراه با محکومیت جهان می باشد (یوحنا ۱۶: ۷ - ۱۱).

بنابراین عیسی به آسمان صعود کرد، و او و خدای پدر در روز پنطیکاست، روح القدس موعود را بر روی کلیسا ریختند (اعمال ۲: ۱ - ۴۱). و درست همانطور که وعده داد، می بینیم که روح خدا در ایمانداران جسارت ایجاد می کند تا انجیل را اعلام کنند، و روح خدا گناهکاران را ملزم می کند به نیاز شدید خود به توبه کردن و ایمان آوردن.

نمونه: پطرس که زمانی ترسو بود و بزدلانه عیسای خداوند را در شبی که به او خیانت شد، سه بار انکار کرده بود، از روح پر شد و اعلام کرد که عیسی مطابق نقشه خدا مرد، با قدرت قیام کرد و اکنون در آسمان جایگاهی عالی دارد. پطرس به موعظه ادامه داد: «ای مردان اسرائیلی این سخنان را بشنوید عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوت و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنانکه خود می دانید، این شخص چون بر حسب اراده مستحکم و پیشدانی خدا تسلیم شد، شما به دست گناهکاران بر صلیب کشیده، کشتید، که خدا در دهای موت را گسسته او را برخیزانید زیرا محال بود که موت او را در بند نگاه دارد؛... پس چون به دست راست خدا بالا برده شد، روح القدس موعود را از پدر یافته، این را که شما حال می بینید و می شنوید ریخته است. زیرا که داود به آسمان صعود نکرده لیکن خود می گوید خداوند به خداوند

من گفت بر دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم. پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید خداوند و مسیح ساخته است» (اعمال ۲: ۲۲ - ۲۴، ۳۳ - ۳۶).

پیام پطرس در روز پنطیکاست روشن بود: عیسی مرد و قیام کرد، و تنها او پادشاه قیام کرده و حاکم است. فقط عیسی به جایگاه دست راست با عظمت پدر بالا برده شده است. و بنابراین سه هزار شورشی از گناهان خود توبه کردند و به عیسای پادشاه اعتماد نمودند (اعمال ۲: ۴۱). آنها کلام حقیقت را دریافت کردند و تعمید گرفتند، همانطور که عیسی دستور داده بود.

آنچه در آن روز در اورشلیم آغاز شد، سرانجام نه تنها در بین یهودیان بلکه در بین غیریهودیان نیز گسترش یافت. نقشه خدا برای برکت همه ملت‌ها از طریق ذریت ابراهیم به انجام رسید. کلیساهای محلی شکل گرفت و این کلیساها کلیساهای بیشتری را بنا کردند. مطمئناً، این کلیساها با موانع بسیاری روبرو شدند - و با این وجود، حتی در زمان جفا دیدن، حتی وقتی با مشکلات درونی و بیرونی مواجه شدند، هیچ چیزی نتوانست جلوی پیشرفت انجیل را بگیرد.

عیسای قیام کرده در صحنه‌ای مقتدرانه از قدرت و فیض، شائول، مردی که «از تهدید و کشتن پیروان خداوند به هیچ نحوی دست بردار نبود» را انتخاب کرد و فراخواند تا نام او را به گوش غیریهودیان و پادشاهان و قوم اسرائیل برساند (اعمال ۹: ۱، ۱۵). خداوند کسی که به کلیسایش جفا می‌رساند را برگزید و با فیض خود او را به رسولی تبدیل کرد که تقریباً در سرتاسر قلمروی امپراطوری روم به عیسای پادشاه شهادت دهد.

بنابراین، به واسطه شهادت و کار رسولان، به رهبری پطرس و پولس (قبلاً شائول نام داشت)، به همراه هزاران مسیحی که نامشان برده نشده، انجیل با قدرت منتشر شد و کلیسا گسترش یافت. «آنگاه

کلیسا در تمامی یهودیه و جلیل و سامره آرامی یافتند و بنا می شدند و در ترس خداوند و به تسلی روح القدوس رفتار کرده همین افزودند» (اعمال ۹: ۳۱). لوقا این پیشروی بدون مانع را با ارائه بیانیه‌هایی خلاصه در طول کتاب اعمال رسولان ثبت می کند. هر یک از این بیانیه‌ها نشان می دهد که عیسی پادشاه است، و پادشاهی او به طور کامل و در نهایت برقرار خواهد شد (اعمال ۶: ۷؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۶: ۵؛ ۱۹: ۲۰).

عیسی قبل از صعود، در مورد پادشاهی خدا با شاگردانش صحبت کرده بود (اعمال ۱: ۳). در خاتمه کتاب اعمال، پولس را می بینیم که همین کار را در رم انجام می دهد: «پس روزی را تعیین کردند و شماری بسیار به محل اقامت او آمدند تا با وی ملاقات کنند. او از صبح تا شب، به تفصیل درباره پادشاهی خدا با آنان سخن گفت و کوشید با استناد به تورات موسی و کتب پیامبران، درباره عیسی مجابشان کند» (اعمال ۲۸: ۲۳؛ همچنین ۲۸: ۳۱ را نگاه کنید). خبر خوش و باشکوه کارهایی که عیسای پادشاه انجام داده و انجام می دهد، پخش شده است - از اورشلیم، به یهودا و سامریه و سرانجام در سرتاسر دنیا. درست همانطور که او وعده داد (اعمال ۱: ۸).

نکته برای موعظه و تعلیم

هنگام موعظه یا تعلیم از کتاب اعمال، مطمئن شوید که تأکید لوقا بر اجرای وعده‌های نجات خدا از طریق نقشه آشکار او در مسیح را برجسته کنید. چندین موضوع کتاب مقدسی - الهیاتی وجود دارد که لوقا به آن توجه می‌کند: از راه رسیدن «روزهای آخر»؛ امید به رستاخیز مردگان؛ احیای پادشاهی؛ شمول امت‌ها (غیریهودیان)؛ ریختن روح القدس موعود؛ موعظه انجیل، شروع در اورشلیم و پیشرفت از آنجا به همه ملت‌ها. کتاب اعمال فقط «اعمال رسولان» نیست. این اعمال عیسای خداوند قیام کرده است. *

* See Alan J. Thompson, *The Acts of the Risen Lord Jesus: Luke's Account of God's Unfolding Plan* (Downers Grove, IL: InterVarsity Press, 2011).

پادشاه سلطنت می‌کند

در عهد عتیق می‌بینیم که پیامبران، قوم خدا را فرا می‌خوانند تا به خداوند اعتماد کنند و وفاداران به با محبت و اطاعت تحت فرمانروایی و سلطنت او زندگی کنند. به همین صورت، رسالات عهد جدید زندگی قوم خدا تحت سلطنت عیسای پادشاه قیام کرده و متعال را توضیح می‌دهند و اجرا می‌کنند.

به این ترتیب، همه نوشتجات مقدس می‌توانند ایمانداران را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی، خردمند سازند. پولس می‌نویسد: «تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته بشود» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷).

نویسندگان کتاب مقدسی در طول رسالات عهد جدید یک الگوی ثابت را پیروی می کنند. آنها برجسته و آشکار می کنند که عیسی پادشاه کیست و برای گناهکاران غیر مستحق چه کاری را با لطف انجام داده است. نهایتاً، آنها خوانندگان خود را فرامی خوانند تا در امانت و اطاعت از او پیروی کنند، فقط برای جلال او.

پولس هنگام نوشتن نامه به کلیسای کولسی، با توصیف شکوه و عظمت عیسی خداوند، آن کسی که بر همه آفرینش و خلقت جدید حاکم است، شروع می کند:

«و او صورت خدای نادیده است نخست زاده ی تمامی آفریدگان. زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنت ها و ریاسات و قوات، همه به وسیله او و برای او آفریده شد. و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد» (کولسیان ۱: ۱۵ - ۱۷).

او به عنوان خداوند همه خلقت، برتر و افضل است. و این خداوند، بطور شگفت آوری، آن کسی است که «بوسیله خون صلیب خود» صلح برقرار کرده است (کولسیان ۱: ۲۰).

عیسی خداوند این است. او کسی است که ایمانداران به او امید و اعتماد ابدی دارند. او کسی است که مرد و قیام کرد، وعده عهد جدید و نگاه اجمالی به خلقت جدید را محقق نمود.

و این کلیسا است: قومی که با خون مسیح خریداری شده، بوسیله روح او پر شده و گردهم آمده، با ایمان به انجیل متحد شده، بوسیله کلام او اداره شده، حکمت پیچیده خدا برای حاکمان و مقامات جایهای آسمانی را به نمایش می گذارد (افسیان ۳: ۱۰). کلیسا یک نژاد برگزیده، یک کهنات سلطنتی، یک ملت مقدس، و قومی در مالکیت خود خدا است (اول پطرس ۲: ۹).

بنابراین، پاسخ مناسب قوم خدا، کلیسا، به این پادشاه با شکوه چیست؟ «پس چنان که مسیح عیسی خداوند را پذیرفتید، در وی

رفتار نمایید، که در او ریشه کرده و بنا شده و در ایمان راسخ گشته اید، به طوریکه تعلیم یافته اید و در آن شکرگزاری بسیار می‌نمایید» (کولسیان ۲: ۶-۷). پولس بقیه رساله به کولسیان را حکیمانه صرف این می‌کند که چگونگی زندگی برای جلال مسیح در میان نسلی ناراست و منحرف، در دنیایی که با خدا دشمن است را برای کسانی که پیرو عیسی هستند، توضیح دهد.

حتی با وجود اینکه عیسی قیام کرده و سلطنت می‌کند، پیروانش در تنش میان اکنون و هنوز نشده زندگی می‌کنند. عیسای پادشاه اکنون در حال بنای کلیسای خود می‌باشد، اما پادشاهی وی هنوز در شکوه و جلال بطور کامل برقرار نشده است. عیسی رنج کشید و سپس وارد جلال شد؛ کسانی که از او پیروی می‌کنند باید همین کار را انجام دهند.

پطرس به گروهی از ایمانداران پراکنده در سراسر امپراتوری روم نامه می‌نویسد، و هم برکات موجود و هم میراث آینده که توسط رحمت خدا در مسیح تضمین شده است را برجسته می‌کند: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که به حسب رحمت عظیم خود ما را به وساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان از نو تولید نمود برای امید زنده، به جهت میراث بی فساد و بی آلایش و ناپژمرده که نگاه داشته شده است در آسمان برای شما، که به قوت خدا محروس هستید به ایمان برای نجاتی که مهیا شده است تا در ایام آخر ظاهر شود. و در آن وجد می‌نمایید، هرچند در حال، اندکی از راه ضرورت در تجربه های گوناگون محزون شده اید، تا آزمایش ایمان شما که از طلای فانی با آزموده شدن در آتش، گرانبها تر است، برای تسبیح و جلال و اکرام یافت شود و در حین ظهور عیسی مسیح. که او را اگرچه ندیده اید محبت می‌نماید والان اگر چه او را نمی‌بینید، لکن بر او ایمان آورده، وجد می‌نمایید با خرمی ای که نمی‌توان بیان کرد و پر از جلال است. و انجام ایمان خود یعنی نجات جان خویش را می‌یابید» (اول پطرس ۱: ۳-۹).

پیروان عیسی پادشاه یک امید زنده دارند. ایمانداران این امید را قبلاً تجربه کرده‌اند - و با این وجود، هنوز چیزهای بیشتری در راه است. ایمانداران اکنون رنج می‌برند، اما هنگام بازگشت مسیح در او جلال خواهند یافت. این امید باشکوه، حتی در میان آزمایش‌ها و جفاهای سخت، الهامبخش یک زندگی همراه با اعتماد و اطاعت از خداوند و پادشاه ما می‌باشد.

توجه کنید که پطرس چطور درباره زندگی مسیحی صحبت می‌کند:

«لهدا کمر دل‌های خود را ببندید و هشیار شده، امید کامل آن فیض را که در مکاشفه عیسی مسیح به شما اعطا خواهد شد، بدارید. و چون ابنای اطاعت هستید، مشابه مشوید بدان شهواتی که در ایام جهالت می‌داشتید. بلکه مثل آن قدّوس که شما را خوانده است، خود شما نیز در هر سیرت، مقدس باشید. زیرا مکتوب است: مقدس باشید زیرا که من قدّوسم» (اول پطرس ۱: ۱۳ - ۱۶).

یک بار دیگر، حقیقت این که عیسی پادشاه کیست و چه کاری انجام داده است، الهامبخش اطاعت از او برای جلال او می‌باشد. مأموریتی که عیسی به کلیساهای خود داد، کاری دشوار و پرهزینه است. پیروی از او در ایمان و اطاعت یقیناً مستلزم جفا دیدن و رنج کشیدن بخاطر انجیل اوست. اما در حالیکه ایمانداران به امید بازگشت او به آینده نگاه می‌کنند، به عقب نیز نگاه کرده و به یاد می‌آورند که آن کسی که اکنون قیام کرده و متعال شده است، خادمی نیز بود که رنج کشید و مرد.

او به پیروانش گفت: «خوشا به حال زحمتکشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همین طور بر انبیا قبل از شما جفا

می‌رسانیدند» (متی ۵: ۱۰-۱۲). پولس بعداً می‌نویسد: «و همه کسانی که میخواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۲). ایمانداران در دنیای سقوط کرده رنج می‌کشند - درست مانند افراد دیگر. اما بر خلاف کسانی که هنوز در گناهان خود هستند، به پیروان عیسای پادشاه رنج مضاعف روبرو شدن با عداوت و کینه جهانی که از خداوند متنفر است و با قوم او مخالفت می‌کند، وعده داده شده است.

پس پیروان پادشاه چه باید بکنند؟ یک بار دیگر، کلیسا به خداوند و نجات دهنده خود، مسیح عیسی نگاه می‌کند.

نکته برای موعظه و تعلیم

مطمئن شوید که وقتی از رسالات عهد جدید موعظه می کنید یا تعلیم می دهید، دستورات رسولی را به حقایق رسولی انجیل مرتبط کنید. حدود یک سوم کل عهد جدید از رسالات یا نامه ها تشکیل شده است. هنگام توضیح در مورد آنها، تأکید کنید چطور کارهایی که باید انجام دهیم، در چیزهای که حقیقت دارند ریشه دارد. دستورات، تشویق ها و نصیحت های انجیل (امری): «شما باید این کار را انجام دهید!» باید از تفسیر و تشریح فیض خدا در انجیل بوجود آید (دلالت کننده): «خدا قبلاً این کار را انجام داده است.»

به عنوان مثال، پطرس به خوانندگان خود دستور می دهد: «بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدّس باشید» (اول پطرس ۱: ۱۵). این امر ضروری است. اما توجه کنید که پطرس چگونه ضرورت مقدس بودن را در استدلال باشکوه دعوت نجاتبخش خدا و قدّوسیت او بنا می کند. «۱۴ چون فرزندان مطیع، دیگر مگذارید امیال دوران جهالت به زندگیتان شکل دهد. ۱۵ بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدّس باشید؛ ۱۶ چرا که نوشته شده است: «مقدّس باشید، زیرا من قدّوسم» (اول پطرس ۱: ۱۴ - ۱۶). ما باید دقیقاً مقدس باشیم زیرا آن کسی که ما را بصورت نجاتبخشی بسوی خود می خواند، مقدس است. خود خدا مقدس است. تلاش و تعاقب ما برای مقدس بودن، بر پایه مطمئن قدّوسیت خدا استوار است. اگر ما فرزندان او هستیم، باید تلاش کنیم در تمام رفتارهای خود مانند او باشیم.

این الگوی دلالت کننده - ضروری، ساختار مشترک همه رسالات عهد جدید نیز می باشد. هم رومیان و هم افسسیان به طور کلی از این الگو پیروی می کنند. پولس در افسسیان ۱ - ۳، فراوانی فیض خدا نسبت به ما در عیسی را به تفصیل شرح می دهد. این دلالت کننده است - موضوع چیست. سپس پولس رسول در افسسیان ۴ - ۶، پیامدها و کاربردهایی را استخراج می نماید و خوانندگان را به قدوسیت تشویق و نصیحت می کند. این ضروری است

- آنچه که باید دنبال شود. به همین ترتیب، نامه پولس به رومیان به طور کلی به عنوان دلالت کننده (فصل های ۱ - ۱۱) و سپس ضروری (فصل های ۱۲ - ۱۶) درک می شود. این الگوی دلالت کننده - ضروری، ساختار مشترک همه رسالات عهد جدید نیز می باشد. هم رومیان و هم افسسیان به طور کلی از این الگو پیروی می کنند. پولس در افسسیان ۱ - ۳، فراوانی فیض خدا نسبت به ما در عیسی را به تفصیل شرح می دهد. این دلالت کننده است - موضوع چیست. سپس پولس رسول در افسسیان ۴ - ۶، پیامدها و کاربردهایی را استخراج می نماید و خوانندگان را به قدوسیت تشویق و نصیحت می کند. این ضروری است - آنچه که باید دنبال شود. به همین ترتیب، نامه پولس به رومیان به طور کلی به عنوان دلالت کننده (فصل های ۱ - ۱۱) و سپس ضروری (فصل های ۱۲ - ۱۶) درک می شود.

این الگوی دلالت کننده - ضروری، ساختار مشترک همه رسالات عهد جدید نیز می باشد. هم رومیان و هم افسسیان به طور کلی از این الگو پیروی می کنند. پولس در افسسیان ۱ - ۳، فراوانی فیض خدا نسبت به ما در عیسی را به تفصیل شرح می دهد. این دلالت کننده است - موضوع چیست. سپس پولس رسول در افسسیان ۴ - ۶،

پیامدها و کاربردهایی را استخراج می‌نماید و خوانندگان را به قدوسیت تشویق و نصیحت می‌کند. این ضروری است - آنچه که باید دنبال شود. به همین ترتیب، نامه پولس به رومیان به طور کلی به عنوان دلالت‌کننده (فصل‌های ۱ - ۱۱) و سپس ضروری (فصل‌های ۱۲ - ۱۶) درک می‌شود.

این ساختار دلالت‌کننده و ضروری، چیز جدیدی نیست. این یک الگوی کتاب مقدسی - الهیاتی است که در سراسر عهد عتیق یافت می‌شود. به عنوان مثال: «من هستم یهوه خدای تو که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم. تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد» (خروج ۲۰: ۲ - ۳).

«که به وساطت او شما بر آن خدایی که او را از مردگان برخیزانید و او را جلال داد، ایمان آورده‌اید تا ایمان و امید شما بر خدا باشد. چون نفسهای خود را به اطاعت راستی طاهر ساخته‌اید تا محبت برادرانه بی‌ریا داشته باشید، پس یکدیگر را از دل بشدت محبت نمایید. از آنرو که تولد تازه یافته‌اید نه از تخم فانی بلکه از غیر فانی یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدالابد باقی است. زیرا که هر بشری مانند گیاه است و تمام جلال او چون گل گیاه. گیاه پژمرده شد و گلش ریخت. لیکن کلمه خدا تا ابدالابد باقی است. و این است آن کلامی که به شما بشارت داده شده است» (اول پطرس ۲: ۲۱ - ۲۵؛ همچنین اشعیا ۵۲: ۱۲ - ۵۳: ۱۲ را ملاحظه فرمایید).

پیروان این پادشاه با ایمان به او نگاه می‌کنند تا زمانی که باز گردد و نهایتاً او را از نزدیک ببینند.

پادشاه باز می‌گردد

داستان کتاب مقدس با فرمانروایی و سلطنت خداوند به عنوان پادشاه بر همه چیز و با یک قوم مقدس که برای ستایش او زندگی می‌کنند، آغاز می‌شود. بنابراین مناسب است که کتاب مقدس با وعده

بازگشت عیسای قیام کرده و حاکم، نجات، داوری، و تازه کردن همه چیز، شامل یک قوم جدیدی که خدا یکبار دیگر خوشنود باشد در میان شان ساکن شود، خاتمه یابد.

پایان داستان کتاب مقدس که توسط یوحنا در کتاب مکاشفه ثبت شده است، نگاه اجمالی در مورد چگونگی پایان این داستان ارائه می‌دهد. و دانستن پایان داستان، معنای پیروی از عیسی در اینجا و اکنون، از امروز تا روز آخر را صورت می‌بخشد. بازگشت پادشاه امید مبارک همه کسانی است که به عیسی اعتماد کرده‌اند. پیروان او در حالی که منتظر بازگشت پیروزمندانه‌اش هستند، به دنبال زندگی پرهیزگاران، درست و خداپرستانه‌ای هستند که بوسیله فیض خدا به عنوان کسانی «زیرا فیض خدا به ظهور رسیده است، فیضی که همگان را نجات‌بخش است و به ما می‌آموزد که بی‌دینی و امیال دنیوی را ترک گفته، با خویشنداری و پارسایی و دینداری در این عصر زیست کنیم، در حینی که منتظر آن امید مبارک، یعنی ظهور پر جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خویش عیسی مسیح هستیم، که خود را فدای ما ساخت تا از هر شرارت رهایی‌مان بخشد و قومی برای خود طاهر سازد که از آن خودش باشند و غیور برای کار نیکو.» (تیطوس ۲: ۱۱-۱۴) توانمند شده‌اند.

اما کسانی که از فراخوان جهانی مسیحی برای توبه اطاعت نکنند، با یک داوری وحشتناک روبرو می‌شوند: «و شما را که عذاب می‌کشید با ما راحت بخشد در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود دز آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانی که خدا را نمی‌شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی‌کنند» (دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۸). وقتی پادشاه بازگردد، شورش جهانی علیه سلطنت نیکو و مقدس او در هم کوبیده خواهد شد. عیسی اعلام می‌کند که «لکن ترسندگان و بی‌ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمعیت دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت

خواهد بود این است موت ثانی.» (مکاشفه ۲۱: ۶-۸). شیطان، دشمن قدیمی خدا، به دریاچه آتش پرتاب خواهد شد تا «و ابلیس که ایشان را گمراه می کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند و ایشان تا ابدالابد شبانه روز عذاب خواهند کشید» (مکاشفه ۲۰: ۱۰).

پادشاه حتی در داوری نیز جلال خواهد یافت. اما پایان داستان شامل نجات فیض بخش نیز می باشد، زیرا پادشاهی آینده خدا شامل ایمانداران به عیسی از هر قبیله، زبان و ملتی خواهد بود. گناهکاران باز خرید شده از همه ملت ها ستایش، برکت و احترام خود را به شیر سبط یهودا، ذریت ابراهیم، پسر داوود، عیسای مسیح خداوند تقدیم خواهند نمود.

اما چرا؟ چرا عیسی شایسته چنین ستایشی است؟ یوحنا به ما می گوید:

«و سرودی جدید می سرایند و می گویند: مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد» (مکاشفه ۵: ۹-۱۰).

عیسی ارزش دارد، چون عیسی بطرز وحشیانه ای کشته شد. آگاهی از اینکه او یک قوم را محض خاطر نام خود از همه ملت ها خریداری کرده، ایمانداران را به اطاعت وفادارانه در اعلان این خبر خوش به همه ملت ها دعوت می کند. پایان داستان نه تنها یک قوم باز خرید شده از همه ملت ها را پیش نمایش می دهد، بلکه ما شاهد آمدن یک دنیای کاملاً نوسازی شده نیز هستیم. پادشاه وعده می دهد که همه چیزها را تازه کند، از جمله آسمان های جدید و یک زمین جدید: «ولی به حسب وعده او، منتظر آسمان های جدید و زمین

جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود» (دوم پطرس ۳: ۱۳).

ایمانداران در این دنیا با ایمان قدم بر می‌دارند، و با انتظار و امید به شهری که خواهد آمد توجه می‌کنند که طراح و سازنده آن خداست. یوحنا در کتاب مکاشفه این آینده باشکوه را توصیف می‌کند: «و دیدم آسمانی جدید و زمین جدید چون که آسمان اول و زمین اول در گذشت و دریا دیگر نمی‌باشد» (مکاشفه ۲۱: ۱). در این اورشلیم جدید، این شهر مقدس، خدای پادشاه بار دیگر در میان قوم خود ساکن خواهد شد. حضور گناه، مرگ، اشک و درد با حضور خداوند جایگزین خواهد شد. یوحنا به ما می‌گوید: «و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهایی اول در گذشت» (۲۱: ۴).

دنیای نیکوی خدا که اکنون بوسیله گناه و مرگ آلوده شده است، نو خواهد شد. چیزهای قبلی در خواهد گذشت. دیگر مرگ و درد و اشک نخواهد بود. دیگر گناه یا فساد یا شرم نخواهد بود. و از همه مهمتر، همه قوم خدا سرانجام در حضور پرشکوه خدا، در حضور پادشاه خود، برای همیشه در کنار هم خواهند بود.

او به آرامی هر اشکی را پاک می‌کند. و خالق یک بار دیگر در کنار مخلوقات خود ساکن خواهد شد. لعنت با برکت دائمی خداوند جایگزین خواهد شد که کاملاً و آزادانه از آن لذت می‌برند. مسیح پادشاه توسط همه کسانی که با فیض جستجو کرده و نجات داده است، مورد ستایش و احترام قرار خواهد گرفت.

قلب پیام کتاب مقدس، سلطنت نیکو و درست خدا بر همه قوم و خلقت اوست.^۳ پس داستان کتاب مقدس، داستان خدای پادشاه و

۳. See Graeme Goldsworthy, "Kingdom of God," in *New Dictionary of Biblical Theology*, ed. T. Desmond Alexander and Brian S. Rosner (Downers Grove, IL: InterVarsity Press, 2000), 618.

هدف محبت آمیز و فیض بخش نجات قومی برای خودش می باشد تا در حضور فیاض او تا ابد لذت بسیار ببرند. درک این داستان ما را به مرکز تمام واقعیت ها سوق می دهد. عیسای پادشاه، زود بیا.

نکته برای موعظه و تعلیم

وقتی در مورد بهشت تعلیم می دهید و موعظه می کنید، مطمئن شوید این تصور را برطرف کنید که زندگی پس از مرگ برای مسیحیان یک نوع وجود ابدی روحانی جدا از جسم «در ابرها» خواهد بود. این نوع استرس امید به رستاخیز بدن و نو شدن همه چیزها را از دست می دهد.

عهد عتیق و عهد جدید، خانه دائمی قوم خدا را در آسمان جدید و زمین جدید می بیند: «ولی به حسب وعده او، منتظر آسمان های جدید و زمین جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود» (دوم پطرس ۳: ۱۳؛ همچنین اشعیا ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲ را ملاحظه فرمایید).

فصل ۵

الهیات کتاب مقدسی تعالیم کلیسا را شکل می دهد

اگر داستان کتاب مقدس در مورد مسیح پادشاه است، پس این واقعیت باید به طور مستقیم بر خدمت موعظه و تعلیم کلیسای محلی تأثیر بگذارد. در این فصل، می خواهیم به طور خلاصه چند روش مهم الهیات کتاب مقدسی را برجسته کنیم که می توانند به کسانی که به نمایندگی از قوم خدا کلام خدا را بکار می برند، کمک کنند. و سپس برخی از ابزارهای عملی و گامهای بعدی را فراهم می کنیم که کمک می کنند الهیات کتاب مقدسی را در خدمت تعلیم خود به کار بندیم.

الهیات کتاب مقدسی به عنوان محافظ و راهنما

الهیات کتاب مقدسی محافظ و راهنمای مفیدی برای معلمان و واعظان کلام خداست. و به کسانی که مرتباً کتاب مقدس را تعلیم می دهند کمک می کند تا در برابر دو دشمن دیرینه محافظت شوند، یعنی: مدرک سازی^۴ و اخلاق گرایی. به همین ترتیب، الهیات کتاب مقدسی به راهنمایی واعظان و معلمان به سوی توضیح و تشریح بشارتی و مسیح محور کمک می کند که بر قهرمان باشکوه کل داستان، عیسی مسیح تأکید دارد.

۴. Proof-texting مدرک سازی یعنی آیه یا متنی را از کتاب مقدس خارج کنیم و بدون توجه به زمینه مربوطه از آن برای اثبات مقوله مورد نظرمان استفاده کنیم.

مسیح را موعظه کردن بجای مدرک سازی

اول، الهیات کتاب مقدسی واعظ را از مدرک سازی محافظت می کند و واعظ را به سمت اعلان مسیح از همه کتاب مقدس راهنمایی می کند.

وقتی از کتاب مقدس استفاده می کنیم تا نکته خود را بدون توجه به زمینه متن، اثبات کنیم، در حال مدرک سازی هستیم. مدرک سازی معنا را به آن قسمت القا می کند، بجای آنکه معنا را از آن استخراج کند. مدرک سازی ساده است، زیرا مجبور نیستید با دقت و جدیت و دعا قصد نویسنده آن قسمت را درک کنید. این یک مشکل جدی است، زیرا کسانی که کلام خدا را به قوم خدا تعلیم می دهند، باید آن را «بعنوان کسی که سخنان خدا را می گوید» اعلان نمایند تا خدا از طریق عیسی مسیح جلال یابد (اول پطرس ۴: ۱۱).

به جای تلاش برای مطالعه متن و فروتنانه به متن الهام شده الهی توجه کردن، معنای از پیش تصور شده را با این کار به متن القا می کنیم. واعظان باید بوسیله فیض خدا تلاش کنند که به درستی کلام خدا را بکار ببرند. «سخت بکوش که مقبول خدا باشی، همچون خدمتکاری که او را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را به درستی به کار می بندد» (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

استفاده از یک قسمت برای اثبات یک مقوله سبب تحریف کلام خدا می شود. پولس به کلیسای قرنتس می نویسد: «بلکه از روشهای پنهانی و ننگین دوری جسته ایم و به فریبکاری توسل نمی جویم و کلام خدا را نیز تحریف نمی کنیم، بلکه به عکس، با بیان آشکار حقیقت، می کوشیم در حضور خدا مورد تأیید وجدان همه باشیم» (دوم قرنتیان ۴: ۲). به جای باز کردن مطلب یک قسمت در زمینه مربوطه بوسیله «بیان آشکار حقیقت»، مدرک سازی آن چیزی را می گوید که شبان یا معلم می خواهد آن متن بگوید.

پولس تیموتائوس را به «موعظه کلام» تشویق کرد (دوم تیموتائوس ۴: ۲). این «کلام» در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ - ۱۷ برای ما تعریف شده است: «تمام کتاب مقدس سودمند یا مفید است. مفید است «برای تعلیم، تادیب، اصلاح و تربیت». وظیفه ای که بوسیله پولس دستور داده شده عبارت است از «موعظه» یا «اعلان» یا «جار زدن» این کلام مفید.

به جای موعظه کلام الهام شده و مفید خدا، مدرک سازی از کلام خدا استفاده می کند تا از خواسته های خود واعظ پشتیبانی کند. این کار معنای یک متن کتاب مقدسی را می پیچاند و کاری می کند که آن متن چیزی را «بگوید» که قصد گفتن آن را نداشته است. به جای استفاده از کتاب مقدس از این طریق، معلمان و واعظان باید بوسیله تشریح وفادارانه معنای یک متن، قوم خدا را در معرض کتاب مقدس قرار دهند.

جماعت کلیسایی ما و همه کسانی که تحت تعلیم ما هستند، تا حدودی بوسیله مشاهده نحوه تعلیم ما از کتاب مقدس، یاد می گیرند که کتاب مقدس را چگونه مطالعه کنند. خدمت تعلیمی که چند آیه را از متن اصلی خارج می کند تا در خدمت خواسته ها و فکر و خیال واعظ باشند، بنیاد محکمی برای سلامت کلیسا نیست.

اما چگونه الهیات کتاب مقدس می تواند ما را از مدرک سازی دور نگه دارد؟ الهیات کتاب مقدسی واعظ را به سمت اعلان مسیح از همه نوشته های کتاب مقدس راهنمایی می کند. دانستن روایت اصلی کتاب مقدس به معلمان کتاب مقدس کمک می کند تا مسیح را از هر قسمت از کتاب مقدس اعلان نمایند.

مدرک سازی غالباً نتیجه شکست در دیدن این موضوع است که کل کتاب مقدس، مخصوصاً عهد عتیق با عیسی مرتبط است. تعلیم از عهد عتیق بعضی اوقات می تواند مانند زمانی باشد که مرغ پخته ای را بین دیگران تقسیم می کنید و بقیه شما را تماشا می کنند. معمولاً خیلی

خوب شروع می کنید، ولی بزودی مجبور می شوید که تصمیمات مشکلی بگیرید (در مواردی که هر کسی نظری دارد)، و خیلی ساده می تواند به جایی ختم شود که قسمت های زیادی از خوراک باقی مانده که کسی نمی داند با آن چکار کند!^۵ متأسفانه بسیاری از واعظان و معلمان به جای موعظه کردن مسیح از عهد عتیق، به مدرک سازی از عهد عتیق متوسل می شوند.

اگر کل داستان کتاب مقدس را ندانید، تمایل خواهید داشت از بخش هایی از کتاب مقدس که کمتر با آنها آشنا هستید، پرهیزید. اما داشتن یک درک خوب از داستان کتاب مقدس که در عیسی مسیح به اوج خود می رسد، شما را آزاد می سازد تا حتی از قسمت هایی که به نظر می رسد در مسیر آشنای داستان نیستند، تعلیم دهید و موعظه کنید.

به عنوان مثال، الهیات کتاب مقدسی چگونه می تواند به واعظی که از کتاب لاویان تعلیم می دهد، راهنمایی کند؟ فرض کنید به فصل های ۱۳ تا ۱۵ رسیده اید، و به قوانین مربوط به تطهیر جذامیان و قوانین مربوط به ترشحات بدنی می پردازید. هنگامی که به لاویان فصل های ۱۳ تا ۱۵ دقیق می شویم، متوجه می شویم که این قسمتی از بخش بزرگتری از کتاب لاویان است که اغلب به عنوان دستور العمل های طهارت شناخته می شود (لاویان ۱۳ - ۱۵). قوانین این قسمت با تمایز میان چیزهای پاک و ناپاک سروکار دارد.

بطور کلی، کتاب لاویان قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه ممکن است یک قوم غیر مقدس در حضور یک خدای مقدس ساکن شود. تأکید بر جذام و ترشحات بدنی در این فصل ها این مساله را برجسته می کند که چگونه ناپاکی منجر به نجس بودن می شود.

۵. This analogy was modified from Andrew Errington, as quoted in Brian S. Rosner, Paul and the Law: Keeping the Commandments of God, New Studies in Biblical Theology (Downers Grove, IL: IVP Academic, 2013), 25.

به عنوان مثال، یک فرد بیمار باید فریاد می زد: «ناپاک ناپاک!» (لاویان ۱۳: ۴۵). ناپاک بودن فرد جذامی منجر به نجس شدن شد و این امر مستلزم انزوا و اخراج بود. «او تا زمانی که به این بیماری مبتلاست نجس خواهد ماند. او نجس است. باید تنها زندگی کند و مسکن او بیرون از اردوگاه باشد» (لاویان ۱۳: ۴۶). اسرائیلی هایی که به طور شرعی نجس شده بودند، مجبور بودند حضور خدا را ترک کنند و به خارج از اردوگاه بروند. فرستاده شدن به خارج از اردوگاه اسرائیل، جدا شدن موقتی از خدا بود که حضور پرشکوهش در خیمه مقدس ساکن بود.

کسانی که با یک جذامی یا شخصی که ترشحات بدنی داشت تماس فیزیکی داشتند نیز نجس شده و نیاز به تطهیر داشتند. خداوند به موسی گفت که این قوانین طهارت باید حفظ شود تا اردوگاه مقدس باقی بماند. «بدین گونه باید قوم اسرائیل را از نجاستشان جدا سازید، مبادا با نجس کردن مسکن من که در میان ایشان است، در نجاست خود بمیرند» (لاویان ۱۵: ۳۱).

بنابراین الهیات کتاب مقدسی چگونه به ما کمک می کند تا این سه فصل لاویان را درک کنیم و وفادارانه اعلان نمائیم؟

همانطور که بعداً خواهیم دید، پایه و اساس الهیات کتاب مقدسی مطالعه دقیق و همراه با دعای متن کتاب مقدس است، و اینکه اجازه دهیم کلام خدا کتاب مقدس را تفسیر نماید. برای این امر واعظان باید قسمت های کتاب مقدس را به دقت در متن اصلی خود مطالعه کنند و سپس عقب نشسته و ببینند این قسمت چگونه در روایت اصلی کتاب مقدس که در عیسای مسیح به اوج می رسد، جای می گیرد. پس از توضیح و تفصیل وفادارانه معنای این فصل ها در زمینه تاریخی شان، باید پیرسیم که مسیر داستانی کتاب مقدس در مورد لاویان ۱۳ - ۱۵ به ما چه می گوید. چندین رابطه قابل توجه میان این

قوانین طهارت و خدمت عیسی مسیح در انجیل برای ما ثبت شده است.

به عنوان مثال، این مساله جالب توجه است که وقتی عیسی با یک جذامی و زنی که از ترشح بدنی رنج می کشید، در تماس فیزیکی قرار می گیرد، عیسی نجس نشد. در عوض، تطهیر کرد. لوقا هر دوی این برخوردها را ثبت کرده:

«روزی دیگر که عیسی در یکی از شهرها بود، مردی آمد که جذام تمام بدنش را فرا گرفته بود. چون عیسی را دید، روی بر خاک نهاد و التماس کنان گفت: «سرور من، اگر بخواهی می توانی پاکم سازی.» عیسی دست خود را دراز کرد و او را لمس نمود و گفت: «می خواهم؛ پاک شو!» در دم، جذام آن مرد را ترک گفت. « (لوقا ۵: ۱۲ - ۱۳).

«در آن میان، زنی بود که دوازده سال دچار خونریزی بود و [با اینکه تمام دارایی خود را صرف طبیبان کرده بود،] کسی را توان درمانش نبود. او از پشت سر به عیسی نزدیک شد و لبه رداى او را لمس کرد. در دم خونریزی اش قطع شد» (لوقا ۸: ۴۳ - ۴۴).

هر دو قسمت تأکید می کند که عیسی توسط کسانی که از بیماری های جسمانی رنج می بردند لمس شد یا آنها را لمس کرد. این بیماران از نظر شرعی نجس بودند و به همین خاطر مطرود شده بودند. با این حال، لمس کردن یک جذامی، عیسی را نجس نکرد. لمس یک زن با ترشحات بدنی، عیسی را نجس نکرد. عیسی به عنوان قدّوس اسرائیل، حتی می تواند ناپاک را پاک سازد. اما نویسندگان اناجیل در اینجا متوقف نمی شوند.

هر یک از اناجیل با مرگ و قیام مسیح به پایان می رسد. عیسی سرانجام روی صلیب می رود، جایی که لعنت گناه را بر خود

می گیرد. بر روی صلیب، خود عیسی خارج از اردو گاه رنج کشید، ننگ قوم خود را بر دوش کشید وقتی که از حضور پدر خود جدا شد و لعنت خدای قادر مطلق را بر روی صلیب متحمل شد. عیسی تطهیر نهایی قوم خود را بر روی صلیب تضمین کرد. همانطور که نویسنده عبرانیان به ما می گوید: «بنابراین، عیسی نیز تا قوم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید» (عبرانیان ۱۳: ۱۲).

بنابراین، الهیات کتاب مقدسی به واعظ کمک می کند، زیرا او را به سمت این نوع تشریح و تفسیر بشارتی و مسیح محور از قسمت هایی مانند لاویان ۱۳ تا ۱۵ راهنمایی می کند. به جای مدرک سازی، باید تلاش کنیم که وفادارانه مسیح را از تمام کتاب مقدس اعلان نمایم.

موعظه کردن از عیسی به جای اخلاقگرایی

دوم، الهیات کتاب مقدسی هم واعظ را از اخلاقگرایی محافظت می کند و هم واعظ را در نشان دادن این مساله راهنمایی می کند که عیسی چگونه قهرمان کل داستان است.

موعظه مملو از اخلاق گرایی صرفاً خصوصیات منفی یا مثبت شخصیت های کتاب مقدس را به جهت اصلاح رفتارهای ما برجسته می کند. اخلاقگرایی به شنوندگان انگیزه می دهد تا رفتارشان را بهبود ببخشند، اما این کار را به وسیله نادیده گرفتن انجیل می انجامد. این یک مشکل است، زیرا همانطور که دیدیم، کتاب مقدس در درجه اول یک برنامه اصلاح رفتار نیست. خبر خوش انجیل یک خود-بهبودی اخلاقی نیست. شبانان و معلمان دعوت شده اند که مسیح را اعلان نمایند (کولسیان ۱: ۲۸). همه کتاب مقدس قادر است ما را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی حکمت ببخشد (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵). بنابراین، مهم نیست چه قسمتی را تعلیم می دهید، تا زمانی که روشن نکنید آن قسمت چگونه به عیسی متعال اشاره می کند، کارتان تمام نشده است.

الهیات کتاب مقدسی همچنین به ما کمک می کند تا وفادارانه قسمتی مانند اول سموئیل ۱۷، داستان داوود و جلیات را تعلیم دهیم. این قسمت صرفاً به عنوان درسی برای چگونگی مواجهه با «غولها» در زندگی شخصی ما در نظر گرفته نشده است. نکته این قسمت صرفاً برجسته کردن شجاعت داوود نیست. یقیناً داوود در مواجهه با جلیات قدرتمند شجاعت زیادی نشان داد. اما اگر به جماعت کلیسایی خود از این متن تعلیم بدهیم که «داوود واقعا شجاع بود، پس باید سخت تلاش کنیم که مانند داوود شجاع باشیم»، پس کاملاً شکست خورده ایم و مسیح را بی حرمت نموده ایم که شایسته تمام جلال و ستایش است.

الهیات کتاب مقدسی با دور کردن ما از این نوع موعظه کردن، ما را از اخلاق گرایی محافظت می کند. داوود ممکن است یک قهرمان این داستان باشد، اما عیسی قهرمان داستان کتاب مقدسی است.

کتاب مقدس اغلب افراد را به عنوان نمونه نشان می دهد. عبرانیان ۱۱ قهرمانان ایمان، از جمله داوود را برجسته می کند (عبرانیان ۱۱: ۳۲ - ۳۴). بنابراین درست است که داود نمونه مثبتی برای ایمانداران فراهم می کند. اما وقتی اول سموئیل ۱۷ را با دقت و دعا مطالعه می کنیم، بتدریج می فهمیم که کسی بزرگتر از داوود در آنجاست! وقتی عقب نشسته و این قسمت را در مسیر داستان کلام خدا قرار می دهیم، بتدریج ارتباطات شگفت انگیز زیادی را با یک پادشاه بزرگتر از داوود می بینیم.

در نظر بگیرید که داوود یک پادشاه مسح شده توسط روح خدا (اول سموئیل ۱۶: ۱۳) از سبط یهودا (اول سموئیل ۱۶: ۱؛ پیدایش ۴۹: ۱۰) و شهر بیت لحم (اول سموئیل ۱۶: ۴) بود که از طریق ایمان و رابطه پر شور خود با خدا (۱۷: ۲۶، ۳۶، ۴۵ - ۴۶) به عنوان قهرمان قوم خود شجاعانه (۱۷: ۴۸ - ۵۱) عمل کرد تا دشمنی قدرتمند را مغلوب کرده (۱۷: ۴ - ۷) و مزایای شکوهمند پیروزی خود (۱۷: ۸ - ۹، ۵۲ - ۵۴) را به حساب قومی ترسو، بی ایمان و ناشایسته (۱۷: ۲۴)

بگذارد. با تعلیم این قسمت از طریق ذره بین الهیات کتاب مقدسی، می توانیم ببینیم که چگونه خط و خطوط کتاب مقدسی آن به یک داوود بزرگتر اشاره می کند، یعنی آن کسی که پسر داود و خداوند داوود است (لوقا ۲۰: ۴۱ - ۴۴)، آن کسی که قهرمان نهایی قوم خداست. این نوع موعظه توجه خود را به خود آن قسمت معطوف می کند اما به زمینه کتاب مقدسی نیز توجه می کند که ما را به سمت مسیح سوق می دهد.

و همچنین در نظر بگیرید که الهیات کتاب مقدسی چگونه در داستان سامسون، در داوران ۱۳ - ۱۶ در مقابل علیه اخلاق گرایی حفاظ می کشد. زندگی سامسون عمدتاً در مورد اجتناب از روابط دوستانه و آشنایی با غیرایمانداران نیست. سامسون احمقانه بدنبال روابط گناه آلود با زنان بود (۱۴: ۳؛ ۱۶: ۴ - ۵)، از جمله یک فاحشه (۱۶: ۱). و با انجام این کار، از زناکاری روحانی قوم اسرائیل تقلید نمود که بدنبال همسران و خدایان خارجی رفتند (خروج ۳۴: ۱۵ - ۱۶؛ تثنیه ۷: ۳ - ۴؛ داوران ۳: ۶؛ ارمیا ۳: ۱ - ۲). اما اگر معنای این متن را تقلیل دهیم به اینکه «سامسون با زنهای نادرستی مشارکت کرد؛ بنابراین مانند سامسون نباشید»، پس در اخلاق گرایی افتاده ایم.

زندگی و مرگ سامسون یک نوع جهان کوچکی از ژرفای گناه اسرائیل بعنوان یک ملت را شکل می دهد. رهبران فاسد ملت، فساد ملت را نمایش می دهند. کتاب داوران و به ویژه خدمت سامسون، نیاز شدید اسرائیل به یک پادشاه خوب و عادل و مقدس را برجسته می کند (داوران ۱۷: ۱۶؛ ۱۸: ۱؛ ۱۹: ۱؛ ۲۱: ۲۵).

هنگامی که متوجه این زمینه در کتاب داوران بشویم، می توانیم عقب نشسته و حکایت سامسون را به داستان بزرگتر کتاب مقدس ارتباط دهیم. چیزی که کشف می کنیم این است که بسیاری از اشارات و کنایه هایی که در متن آورده شده، بستری برای بررسی تشابهات و تضادهای انجیلی میان سامسون و عیسی فراهم می کند. فقط در نظر بگیرید که در داستان سامسون، فرشته ای به زنی نازا در

اسرائیل اعلام کرد که باردار شده و پسری بدنیا می آورد که قوم خود را نجات می دهد (۲: ۱۶، ۱۸؛ ۱۳: ۱ - ۵).

این منجی نیرومند شد، و خداوند او را برکت داد (داوران ۱۳: ۲۴). روح خداوند بر او بود و خدمت مقتدرانه او را توانایی بخشید (۱۳: ۲۵؛ ۱۴: ۶، ۱۹؛ ۱۵: ۱۴). و با این حال، این منجی منتصب خدا در نهایت توسط کسی که به اندازه کافی به او نزدیک شد که او را بیوسد، مورد خیانت قرار گرفت (۱۶: ۵). او اسیر شده و به مرگ محکوم شد (۱۶: ۲۱)، در حالیکه توسط دشمنان خود محاصره شده بود و مورد تمسخر قرار گرفت (۱۶: ۲۳ - ۲۵). سامسون دستانش را باز کرد (۱۶: ۲۹) و به سوی خداوند دعا کرد به او قوت ببخشد تا از طریق مرگ خود (۱۶: ۳۰) از دشمنانش انتقام بگیرد (۱۶: ۲۸).

اما دعای پایانی او برای انتقام جویی بود، نه رحمت (رجوع کنید به لوقا ۲۳: ۳۴). الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند تا بینیم که چگونه عیسی، و نه سامسون، باید به عنوان نجات دهنده، داور و قهرمان نهایی کتاب مقدس اعلام شود.

اخلاقگرایی می تواند حتی وقتی از عهد جدید تعلیم می دهیم و موعظه می کنیم، مشکل ساز باشد. الهیات کتاب مقدسی ما را در برابر اخلاق گرایی محافظت می کند و ما را راهنمایی می کند تا نگاه خود را بر روی عیسی ثابت نگه داریم، حتی وقتی از اناجیل تعلیم می دهیم.

عهد جدید با چهار انجیل آغاز می شود، که نوع خاصی از روایت های تاریخی هستند. آنها دقیقاً بیوگرافی عیسی نیستند. بلکه عمداً طوری شکل گرفته اند که زندگی، تعالیم، مرگ و قیام عیسی را برجسته کنند. سینکлер فرگوسن به ما یادآوری می کند که یک اصل اساسی که اغلب مورد غفلت قرار می گیرد را مدام در ذهن خود حفظ کنیم وقتی اناجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا را می خوانیم:

«وقتی اناجیل را می خوانید، چشم از عیسی بر ندارید؛ نگاه تان بر او متمرکز باشد»^۶.

این اصل حفاظی است در برابر اینکه وقتی یک قسمتی از کلام را می خوانیم، ابتدا پرسیم: این قسمت چه چیزی در مورد من می گوید؟ یا ممکن است وسوسه شویم فوراً پرسیم: من شبیه چه کسی در این داستان هستم؟ در عوض، اول و قبل از هر چیزی باید پرسیم: این قسمت درباره عیسی خداوند چه می گوید؟

برای مثال، گزارشی در انجیل لوقا را در نظر بگیرید که راجع به وسوسه شدن عیسی توسط شیطان در بیابان و در ابتدای خدمت زمینی اوست (لوقا ۴: ۱-۱۳):

«عیسی پر از روح القدس از رود اردن بازگشت و روح خدا او را به بیابانها برد و در آنجا ابلیس او را مدت چهل روز با وسوسه ها آزمایش می کرد. او در آن روزها چیزی نخورد و سرانجام گرسنه شد.

ابلیس به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی به این سنگ بگو تانان شود.» عیسی پاسخ داد: «در کتاب مقدس نوشته شده است که زندگی انسان فقط بسته به نان نیست.» بعد ابلیس او را به بالای کوهی برد و در یک چشم به هم زدن تمام ممالک دنیا را به او نشان داد و گفت: «تمامی اختیارات این قلمرو و همه شکوه و جلال آن را به تو خواهم بخشید، زیرا در اختیار من است و من می توانم آن را به هر که بخواهم ببخشم. اگر تو مرا سجده کنی، صاحب همه آن خواهی شد.»

عیسی به او پاسخ داد: «در کتاب مقدس نوشته شده است: تو باید خداوند، خدای خود را سجده کنی و فقط او را خدمت نمایی.»

سپس ابلیس او را به اورشلیم برد و بر کنگره معبد بزرگ قرار داد و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خود را از اینجا به پایین بینداز، زیرا در کتاب مقدس نوشته شده است: او به فرشتگان خود فرمان

۶. 2. Sinclair Ferguson, From the Mouth of God (Carlisle, PA: Banner of Truth, 2014), 111.

خواهد داد تا تو را محافظت کنند. و نیز نوشته شده است: تو را در دستهای خود نگاه خواهند داشت، مبادا پایت به سنگی بخورد.»

عیسی به او پاسخ داد: «کتاب مقدس همچین می گوید که نباید خداوند، خدای خود را بیازمایی.» ابلیس پس از آنکه تمام وسوسه های خود را به پایان رسانید مدتی او را تنها گذاشت.»

حقیقت اصلی تعلیم داده شده در این قسمت این نیست که «چگونه مانند عیسی با وسوسه مبارزه کنیم». دانستن کتاب مقدس به طوری که بتوانید با وسوسه مبارزه کنید قطعاً یک پیامد ثانویه این متن است. ما باید کلام خدا را در قلب خود حفظ کنیم، مبادا هنگامی که وسوسه می شویم، به خدا گناه بورزیم.

اما اگر معنای این قسمت را تقلیل دهیم به اینکه: «عیسی وسوسه شد. او اینگونه علیه وسوسه مبارزه کرد. بنابراین بیاید مانند عیسی باشیم»، پس نکته را از دست داده ایم. در این قسمت خبرهای بیشتری است، و الهیات کتاب مقدسی به ما ذره بینی می دهد تا آن را ببینیم.

لوقا در زمینه این قسمت پیشتر این موضوع را برجسته کرده است که عیسی پسر محبوب خدا است. در تعمید او «و روح القدس به هیات جسمانی، مانند کبوتری بر او نازل شد و آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب من هستی که به تو خوشنودم» (لوقا ۳: ۲۲). لوقا سپس شجره نامه عیسی را ثبت می کند که با «آدم، پسر خدا» به اوج خود می رسد (لوقا ۳: ۳۸). و هنگامی که گزارش وسوسه را می خوانیم، متوجه می شویم که قسمتهایی از کتاب مقدس که عیسی در مبارزه با شیطان نقل قول می کند، همه به آزمایش های اسرائیل در بیابان مرتبط هستند (تثنیه ۸: ۳؛ ۶: ۱۳، ۱۶). قوم اسرائیل در خروج ۴: ۲۲ «پسر نخست زاده» خدا نامیده شده؛ آنها در بیابان آزمایش شدند و بطرز ناراحت کننده ای شکست خوردند.

وقتی عقب نشستہ و این متن را نگاه می کنیم، بتدریج ارتباطات متعددی میان آزمایش های عیسی و آزمایش های قوم اسرائیل در بیابان که در تثنیه ۸: ۲ - ۳ ثبت شده را مشاهده می کنیم:

«و بیاد آور تمامی راه را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را ذلیل ساخته، بیازماید، و آنچه را که در دل تو است بدانند، که آیا اوامر او را نگاه خواهی داشت یا نه. و او تو را ذلیل و گرسنه ساخت و من را به تو خورانید که نه تو آن را می دانستی و نه پدرانت می دانستند، تا تو را بیاموزاند که انسان نه به نان تنها زیست میکند بلکه به هر کلمه ای که از دهان خداوند صادر شود، انسان زنده می شود.»

الهیات کتاب مقدسی چگونه ما را در برابر اخلاق گرایی محافظت می کند و به ما کمک می کند تا عیسی را به عنوان قهرمان کتاب مقدس از این قسمت از کلام برجسته کنیم؟ وقتی نگاه مان پیوسته به عیسی باشد، به خودمان در آن قسمت اهمیت نمی دهیم. لوقا دارد برای ما برجسته می کند که عیسی مسیح با آدم و اسرائیل چقدر متفاوت است. آدم، پسر بی وفای خدا، بوسیله مار وسوسه شد تا به خدا اعتماد نکند و آرزوهای خودش را (پیدایش ۳: ۶) در بهشت، در باغ عدن (پیدایش ۳: ۱) برآورده نماید. آدم وفادار نبود و شکست خورد. اما عیسی وفادار بود و تسلیم شیطان نشد (لوقا ۴: ۳ - ۴).

اسرائیل، پسر بی وفای خدا (خروج ۴: ۲۲)، از میان آب ها عبور کرد (خروج ۱۴: ۲۱ - ۳۱) و بلافاصله توسط خداوند به بیابان هدایت شد و در آنجا چهل سال مورد آزمایش قرار گرفت (تثنیه ۸: ۲). اسرائیل وفادار نبود و شکست خورد. اما عیسی، پسر وفادار خدا، از میان آبها عبور کرد (لوقا ۳: ۲۱) و بلافاصله توسط روح القدس به بیابان هدایت شد، و در آنجا چهل روز مورد آزمایش قرار گرفت

(لوقا ۴: ۱ - ۲). با این حال، در جایی که آدم و اسرائیل شکست خوردند، عیسی وفادار باقی ماند.

بنابراین آیا لوقا ۴: ۱ - ۱۳ نیز عمدتاً در مورد چگونگی مبارزه با وسوسه است؟ یا عمدتاً در مورد عیسی، آن که پسر وفادار و مطیع خداوند است (فیلیپیان ۲: ۸؛ عبرانیان ۴: ۱۴؛ اول پطرس ۲: ۲۲ - ۲۳) می باشد؟

الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند بینیم که همه ما بی وفا و نامطیع بوده ایم، درست مثل آدم و اسرائیل. همه ما تسلیم وسوسه شده و بر ضد خدا گناه کرده ایم. اما عیسی پسر کاملاً وفادار و مطیع خداست که شایسته تمامی تحسین و ستایش است.

بنابراین، الهیات کتاب مقدسی در این متن به ما کمک می کند تا نگاهمان مدام روی عیسی، یعنی قهرمان داستان متمرکز باشد. به جای اینکه فقط راهکارهای مقابله با وسوسه را ردیف کنیم، دلایل بیشتری را کشف می کنیم برای جلال دادن او به عنوان پسر وفادار و مطیع خدا که از ابتدای خدمت خود با وسوسه روبرو شد و با این حال گناه نکرد. ما مانند آدم و اسرائیل، نافرمانی کردیم و شکست خوردیم. اما جایی که ما وسوسه شده و تسلیم گناه گشتیم، عیسی، پسر وفادار و محبوب خدا، چنین نکرد.

کاملاً واضح است که الهیات کتاب مقدسی خدمت تعلیم کلیسای محلی را شکل می دهد. اما هنوز باید به این سؤال پاسخ دهیم که: این کار را چگونه انجام می دهید؟ چگونه می توانیم الهیات کتاب مقدسی را به کار ببریم؟

بیاید بقیه این فصل را با مرور کلیه ابزارهای مختلفی بگذرانیم که معلمان کتاب مقدس می توانند از آنها استفاده کنند تا وفادارانه هر قسمت از کتاب مقدس را به مسیر داستان اصلی کتاب مقدس ارتباط دهند. (برای اینکه ببینید الهیات کتاب مقدسی چگونه در مورد شش

متن نمونه بکار می رود، ضمیمه «نمونه های اضافه الهیات کتاب مقدس» را ملاحظه نمایید».

ابزارها و گامهای موعظه کردن از مسیح

ابزارهای شرح داده شده در زیر به دو دسته تقسیم می شوند: ابزارهای مطالعه و ابزارهای مسیر داستان. یعنی بعضی از ابزارها عمدتاً با مشاهده سروکار دارند، تفسیرمان را با دقت هم بر درک یک متن در زمینه خودش متمرکز می کنیم و هم بر قصد اصلی نویسنده از نوشتن آن متن. این ابزارهای تفسیری به ما کمک می کنند تا معنی یک متن را استخراج کنیم. آنها به نوعی بر نویسنده انسانی و آن قسمت خاص کتاب مقدس تأکید می کنند. استفاده مناسب از ابزارهای مطالعه با دعا و مشاهده دقیق متن کتاب مقدس آغاز می شود. این منظور ما از بزرگنمایی متن است.

ابزارهای دیگر ابزارهای مسیر داستان است. آنها به ما کمک می کنند بینیم که یک متن در مسیر داستان کل کتاب مقدس قرار می گیرد و چگونه به اوج آن مسیر داستانی در شخصیت و کار عیسی مسیح کمک می کند. از بعضی جهات، تأکید آنها بر نویسنده الهی و کل کتاب مقدس است. این منظور ما از عقب نشستن و به آن متن از دورتر نگاه کردن است.

هنگام «انجام» الهیات کتاب مقدسی حداقل پنج «ذره بین تفسیری» وجود دارد که از طریق آنها می توانیم با فروتنی متن های مختلف را بررسی و بدرستی تفسیر کنیم. این ذره بین ها مانند نرده های محافظ، ما را در مسیر درست نگه می دارند.

این پنج ذره بین تفسیری عبارتند از:

۱. زمینه
۲. عهد
۳. کتاب مقدسی بودن
۴. شخصیت خدا
۵. مسیح

زمینه

اولین قدم در انجام الهیات کتاب مقدسی، خواندن زمینه مربوطه است. زمینه اولین ذره بین تفسیری است که از طریق آن می توانید هر متن کتاب مقدسی را بررسی و درک کنید. درک هر متن کتاب مقدسی با خواندن دقیق آن در زمینه مربوطه بوسیله استفاده از روش دستور زبانی - تاریخی تفسیر آغاز می شود.

این روش شامل دو زمینه است که برای درک متون عهد عتیق ضروری است: تاریخی و ادبی.

۱. زمینه تاریخی. این قسمت از کلام برای مخاطبان اصلی آن چه معنایی داشت؟ معنای اصلی و تاریخی یک قسمت از کلام برای ما یک نقطه عینی فراهم می کند که سبب کنترل هر گونه نتیجه ذهنی و خودسرانه از آن متن می شود. هر گاه معنای ساده رها شود، کنترل بر تفسیر از بین می رود و معنای متون کتاب مقدس آن چیزی می شود که مفسر در آن می بیند.

ممکن است با پرسیدن چند سؤال، زمینه تاریخی یک قسمت از کلام را وفادارانه مشخص کنید:

- نویسنده چه کسی بود؟
- مخاطبان اصلی نویسنده چه کسانی بودند؟

- این متن چه زمانی نوشته شده است؟ آیا نشانه‌های تاریخی در خود متن وجود دارد که به تاریخ نگارش اشاره کند؟
- نویسنده به چه نیازهایی از شنوندگان خود پرداخته است؟
- معنای مورد نظر نویسنده برای مخاطبان اصلی خود چه بوده؟

به عنوان مثال، هنگام مطالعه کتاب مراثی ارمیا، ارزش زمینه تاریخی را در نظر بگیرید. این اشعار شیون و زاری به دنبال ویرانی اورشلیم و معبد خداوند بدست بابلی‌ها در سال ۵۸۶ قبل از میلاد نوشته شده است (رجوع کنید به ارمیا ۵۲). دانستن این زمینه تاریخی برای تفسیر و کاربرد درست این کتاب بسیار حیاتی است.

۲. زمینه ادبی. وقتی زمینه تاریخی مناسب برقرار شد، آنوقت آماده مطالعه زمینه ادبی آن قسمت از کلام هستید. ابتدا مشخص کنید چه نوع متنی را تفسیر می کنید.

در عهد عتیق، می خواهید تعیین کنید بخشی که مطالعه می کنید روایت، شعر، پیشگویی، شریعت و احکام، سخنان حکیمانه و یا وقایع آخر زمان است. عهد جدید می تواند به سه ژانر تقسیم شود. اناجیل (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) گزارش‌های تاریخی از زندگی عیسی هستند. هر کدام از آنها عیسی را به عنوان تحقق وعده‌های عهد عتیق در مورد فرستادن یک منجی برای قوم خدا عرضه می کنند. پس از اناجیل، روایت تاریخی تأسیس و گسترش کلیسا را در کتاب اعمال می یابیم. هم اعمال و هم چهار انجیل نوعی تاریخ هستند.

نامه‌ها یا رسالات را بعد از این کتابها می یابیم. این رسالات نوشته شده‌اند تا به مسیحیان تعلیم دهند منظور پیروی از مسیح چیست.

آخرین ژانر، ادبیات وقایع آخِر زمان است و تنها شامل یک کتاب است: مکاشفه. یوحنا، نویسنده کتاب، تصویری از روزهای آخر دنیا ارائه می دهد تا ایمانداران را آماده و تشویق نماید که امروز را برای مسیح زندگی کنند.

بخشی از آنچه به معنای بررسی درست کلام حقیقت است عبارت است از اینکه نوع یکی از کتاب های کتاب مقدس را تشخیص بدیم و سپس با توجه به آن تشخیص، آن کتاب را بخوانیم، تشریح کنیم و بکار ببندیم. وقتی نوع کتاب را مشخص کردید، آن وقت می خواهید بررسی کنید که آن قسمت چگونه سازماندهی شده است. با مطالعه کلمات و دستور زبان خود آن قسمت را شروع کنید. به دنبال نشانه های ساختاری، کلمات یا عبارات واضح باشید که تکرار می شوند، و به لحن آن قسمت دقت کنید.

مطالعه یک قسمت از کلام در زمینه مربوطه، مستلزم این است که درک واضحی از معنای زمینه دور و نزدیک به آن قسمت داشته باشیم. چه چیزی درست قبل از متن انتخابی آمده است؟ بعد از آن چه چیزی آمده است؟ زمینه نزدیک مربوط می شود به معنای آیه، جمله، پاراگراف و فصل و اینکه چگونه به یکدیگر ارتباط دارند. زمینه دور مربوط می شود به معنای آن قسمت با توجه به کل آن کتاب.

زمینه همه چیز است. گفته شده که یک متن بدون زمینه، بهانه ای برای مدرک سازی است. پس همیشه با نگاه کردن به متن از طریق ذره بین های تاریخی و ادبی زمینه را شروع کنید، زمینه ای که الهام شده از روح القدس است.

وقتی متنی را در زمینه آن خواندید، آن وقت باید آن را از لحاظ عهد های خدا بخوانید. عهد های خدا به عنوان ستون های فولادی خوانده شده اند که داستان مسیح محور کتاب مقدس را پشتیبانی می کنند. بنابراین مهم است که به هرگونه ساختارهای متنی توجه

کنید که پیشرفت نقشه خدا را از جنبه عهدی آن نشان می دهد. بعد از آشنایی با زمینه های تاریخی و ادبی متن، می خواهید آن را از طریق ذره بین عهد مطالعه کنید. نقشه نجات خدا به تدریج در سراسر کتاب مقدس آشکار می شود و با عیسی مسیح به اوج می رسد. طریقی که خداوند نقشه خود را آشکار می کند مانند بذری است که رشد می کند و تبدیل به یک درخت می شود. و تشخیص اینکه قسمتی که مطالعه می کنید در کجای مسیر این پیشرفت عهدی جا می گیرد، برای تفسیر درست بسیار حیاتی است.

همانطور که در فصل ۳ دیدیم، از کتاب پیدایش تا سراسر کتاب مقدس، خدا در زمان های خاص و با افراد خاص بوسیله عهد ارتباط برقرار کرد. عهد های کتاب مقدسی شامل:

- آدمی (پیدایش ۱ - ۲؛ هوشع ۶: ۷)،
- نوحی (پیدایش ۹: ۸ - ۱۷)،
- ابراهیمی (پیدایش ۱۲: ۱ - ۳؛ ۱۵: ۱ - ۲۱؛ ۱۷: ۱ - ۱۴)،
- موسایی (خروج ۱۹ - ۲۵)،
- داوودی (دوم سموئیل ۷)، و
- عهد جدید (ارمیا ۳۱: ۲۷ - ۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۴ - ۲۸؛ متی ۲۶: ۲۷ - ۳۰).

بنابراین هنگامی که قسمتی از کتاب مقدس را تفسیر می کنید، لازم است تعیین کنید که چه عهدی در نقاط خاص داستان کتاب مقدسی بر قوم خدا حاکم است. با ذره بین عهد به قسمت مورد مطالعه نگاه کنید. بعنوان مثال، قسمت های ذیل از عهد عتیق را چگونه تفسیر و به کار می برید؟

- دستورات مربوط به ساخت کشتی به نوح
- وعده سرزمین به ابراهیم
- قوانین رژیم خوراکی در لاویان
- وعده محافظت الهی به داوود

هر یک از این متون صریحاً مربوط به یک عهد کتاب مقدسی است. دانستن این مساله که هر قسمت کلام در کجای مسیر داستان کتاب مقدس از نظر عهدی قرار می گیرد، برای درک و تفسیر درست حیاتی است.

شناسایی صحیح عهد کتاب مقدسی که در ارتباط با هر متنی از عهد عتیق می باشد، به شما کمک می کند که آن قسمت را در خط نقشه بازخریدی - تاریخی کتاب مقدس قرار دهید:

آفرینش ← سقوط ← بازخرید ← آفرینش جدید

هر رویدادی در کتاب مقدس می تواند در این نقشه راه بازخریدی - تاریخی ترسیم شود. مسیر داستان عهدی به شما کمک می کند تا درک کنید متن شما و خود شما در کجای نقشه بازخرید خدا قرار دارید.

درک زمینه عهدی به ویژه در کاربرد عهد عتیق نیز مفید است. به عنوان مثال، چگونه می توانید لاویان ۱۹: ۱۹ را درک کنید و به کار ببرید: «فرايض مرا نگاه دارید. بهیمة خود را با غير جنس آن به جماع و امدار، و مزرعه خود را به دو قسم تخم مکار، و رخت از دو قسم بافته شده در بر خود مکن»؟ نمی توانیم از این متن مستقیماً به زندگی خود برویم، به این دلیل ساده که تحت عهد موسایی مربوط به

پوشاک زندگی نمی کنیم. این قانون تحت عهد با موسی داده شد و به منظور جدا کردن قوم بعنوان یک قوم مقدس و جدا از دیگران برای قوم اسرائیل کاربرد داشت. این حکم به طور گسترده تر، جزیی از یک دسته احکام در لاویان ۱۹ است که اسرائیل را فرامی خوانند تا بوسیله تقلید از دسته بندی هایی که در آفرینش خداست و بوسیله جدا باقی ماندن از اعمال ملل بت پرست همسایه، مانند خدا مقدس باشند.

اما ما به عنوان ایمانداران می دانیم که مسیح آمده است و شریعت موسایی را کاملاً انجام داده و عهد جدید را از طریق مرگ فداکارانه و قیام خود برقرار نموده است. با این حال، کلیسا، مانند اسرائیل، فرا خوانده شده که قوم مقدس باشد همانطور که خدا مقدس است (اول پطرس ۱: ۱۴ - ۱۶). طبق این عهد جدید، آنچه ما را بعنوان قوم برگزیده خدا که مسکن روح القدس هستیم، نشان می دهد این است که در میان نسلی ناراست و فاسد، ما پاک و بی عیب ساخته شده ایم.

بنابراین هنگامی که هر متنی از کتاب مقدس را تفسیر می کنید، این سوال را از خود بپرسید و پاسخ دهید که: این قسمت از کلام در کجای مسیر داستان عهدی کتاب مقدس قرار می گیرد؟

قائده کتاب مقدسی بودن

ذره بین تفسیری بعدی که هنگام انجام الهیات کتاب مقدسی باید در نظر داشته باشید، ذره بین کتاب مقدسی بودن است. یعنی همیشه می خواهید این اصل را بیاد بیاورید که کتاب مقدس بهترین مفسر خودش می باشد. شما می خواهید قسمت مورد نظر خود را بخوانید و به دنبال ارتباطات متنی با سایر قسمت های کتاب مقدس باشید.

بهترین راه برای برقراری این ارتباطات، استفاده از کتاب مقدسی است که یک سیستم ارجاع به قسمت های دیگر کلام را دارد. این سیستم در اکثر کتاب مقدس ها به شما کمک می کند تا نقل قول ها، اسنادها و ارتباطات مربوطه را در قسمت های دیگر کلام بیابید.

(متأسفانه در حال حاضر در زبان فارسی چنین کتاب مقدسی نداریم. پیشنهاد می کنیم، اما می توانید از کتاب مقدس کاربردی برای این منظور استفاده کنید.)

اگر تا به حال عهد عتیق را از پیدایش تا ملاکی خوانده اید، آیا متوجه شده اید که عهد عتیق خیلی از خود راضی است؟ منظور ما این است که نویسندگان متاخر عهد عتیق بطور مکرر خوانندگان را به قسمت های قبلی کلام ارجاع می دهند یا توجه شان را جلب می کنند. به عنوان مثال، مزامیر اغلب به وقایعی که در سفرهای پنجگانه (پنج کتاب موسی) ثبت شده اند ارجاع می دهند (مزمور ۸ و ۹۵ را ملاحظه فرمایید). قسمت انتهایی کتاب دانیال (فصل های ۹ تا ۱۲) در مورد رویایی است که دانیال دریافت کرده که به تفسیر یک نبوت که در ابتدا به ارمیا داده شده کمک می کند (ارمیا ۲۵: ۱ - ۱۲؛ دانیال ۹: ۲).

بنابراین هنگام خواندن هر متن کتاب مقدسی، از خود بپرسید نویسنده چه ارتباطاتی با بقیه کتاب مقدس برقرار می کند؟ ارجاع های موجود در کتاب مقدس تان را بررسی کنید و برای درک اینکه آن قسمت در زمینه کل کتاب مقدس چه معنایی دارد، از آن ارجاع ها استفاده کنید.

علاوه بر این، هنگامی که در حال تفسیر متنی از عهد عتیق هستید که بعداً در عهد جدید نقل قول شده، قطعاً آن قسمت از عهد جدید را دنبال کنید. از خود بپرسید: درک آن نویسنده عهد جدید از این قسمت چگونه بر تفسیر من تأثیر می گذارد؟

خواندن به طور کتاب مقدسی، مستلزم دقت است. در هنگام خواندن باید دنبال این ۵ چیز باشیم:

۱. مضمون ها. دقت کنید ببینید قسمتی که می خوانید در کدام مضمون عمده کتاب مقدسی قرار می گیرد که از پیدایش تا مکاشفه وجود دارند. مضمون های مانند شاهی، آفرینش، قربانی، پسر، ایمان،

فیض، و جلال به شما کمک می کند متن خود را در زمینه مناسب کتاب مقدسی اش قرار دهید زیرا آنها در سراسر کتاب مقدس وجود دارند.

۲. نبوت. به عقب نگاه کنید و به جلو نگاه کنید! انتظار تحقق چند مرحله ای از بعضی نبوت ها را داشته باشید. ردیابی نبوت های عهد عتیق تا تحقق آنها در مسیح، روشی شگفت انگیز برای برقراری ارتباطات کتاب مقدسی است.

۳. نوع شناسی. نوع شناسی به تحلیل الگوهای موجود در کتاب مقدس می پردازد. این الگوها ممکن است در یک رویداد، یک شخص یا یک نهاد در عهد عتیق پدیدار شوند که به آینده اشاره می کنند و در عهد جدید به وقوع می پیوندند. الگوهای تاریخی کتاب مقدس حقایقی در مورد پادشاه و پادشاهی او تعلیم می دهند.

بعنوان مثال، آدم یک نوعی از مسیح بود: «بلکه از آدم تا موسی موت تسلط می داشت بر آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم که نمونه آن آینده است، گناه نکرده بودند» (رومیان ۵: ۱۴). وقتی پولس سرگردانی اسرائیل در بیابان را برای کلیسای قرنتس توصیف می کند، می گوید: «این امور چون نمونه بر آنان واقع گردید و نوشته شد تا عبرتی باشد برای ما که در زمانی به سر می بریم که غایت همه اعصار تحقق یافته است» (اول قرنتیان ۱۰: ۱۱). بره پسخ یک نوع بره بود که به یک بره بی عیب مهمتری اشاره می کرد که بطرز وحشیانه ای کشته می شد تا قوم خدا را از طریق یک خروج مهمتر نجات دهد (خروج ۱۲: ۱-۱۳؛ یوحنا ۱: ۳۶؛ ۱۹: ۳۶؛ اول قرنتیان ۵: ۷-۸؛ اول پطرس ۱: ۱۹؛ مکاشفه ۵: ۶).

نوع شناسی همان تمثیل نیست که میان یک سمل و معنای نمادین آن، ارتباطی دل خواهی و صرفاً از دید زبانشناسی برقرار می کند.

بعنوان مثال، طناب سرخی که راحاب فاحشه از دیوار اریحا پایین فرستاده بود به خون مسیح اشاره نمی کند. شباهت سطحی بین دو چیز در کتاب مقدس آن را تبدیل به یک گونه و نوع نمی سازد. شاید امن ترین راه برای معین کردن یک نوع این است که اجازه دهید خود نویسندگان کتاب مقدس بوسیله قرار دادن آن نوع بطور صریح و آشکار در خود متن کتاب مقدس، آن را بگویند.

۴. وعده و تحقق. خدا همیشه به وعده های خود وفادار است. بسیاری از وعده های خدا در عهد عتیق در عهد جدید به انجام می رسد. در عهد جدید، شما می خواهید به عقب نگاه کنید تا وعده اولیه را ملاحظه فرمایید و نه تحقق آن را. آیا اکنون بخشی از آن به انجام رسیده و در انتظار تحقق کامل آن هستیم؟ یا آیا آن وعده کاملاً تحقق یافته است؟ نسبت به جنبه هایی از وعده هایی که قبلاً توسط مسیح پادشاه انجام شده، یا هنوز نشده، هوشیار باشید.

۵. استمرار و عدم استمرار. چه چیزی مانند قبل است، و چه چیزی تغییر کرده است؟ آیا نویسنده تفاوت ها یا شباهت هایی را در آن قسمت برجسته می کند؟ بعنوان مثال، اگر در حال تعلیم پیدایش ۱۷ هستید، جایی که خدا درباره ختنه کردن به ابراهیم دستور می دهد، زمینه کتاب مقدسی شما را راهنمایی می کند که عدم استمرار این دستور را در عهد جدید در قسمت هایی مانند غلاطیان ۶: ۱۵ مورد توجه قرار بدهید: «زیرا نه ختنه چیزی است و نه ختنه ناشدگی؛ آنچه اهمیت دارد خلقت جدید است.» چه چیزی بین پیدایش ۱۷ و غلاطیان ۶ تغییر کرده است؟ چه چیزی تغییر نکرده؟ توجه به چنین سؤالاتی به شما کمک می کند تا با وضوح بیشتری ارتباطات کتاب مقدسی را ملاحظه فرمایید و شما را به آمدن مسیح به عنوان مرکز این داستان کتاب مقدسی هدایت می کند.

شخصیت خدا

چیزی که وقتی کتاب مقدس را می خوانیم تغییر نمی کند، شخصیت خدا است. بنابراین باید از نظر الهیاتی بخوانیم. باید پرسیم:

- این قسمت چه چیزی را در مورد خدا آشکار می کند؟
- این قسمت چه صفاتی از خدا را برجسته می کند؟
- چه مضمون های الهیاتی در این قسمت یافت می شود؟
- این مضمون های الهیاتی چه چیزی در مورد مسیح پادشاه به من تعلیم می دهد؟

خدای عهد عتیق خدای عهد جدید است. خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح همان خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب است. «زانرو که در اینجا شهری باقی نداریم بلکه آینده را طالب هستیم» (عبرانیان ۱۳: ۸). بنابراین وقتی متونی از کتاب مقدس را می خوانیم که در مورد خدا کیست و چه خصوصیتی دارد، می باشند، باید بطور ویژه ای به آنها توجه کنیم.

پرسید این متن چه چیزی را در مورد شخصیت خدا به من تعلیم می دهد؟ این ذره بین هنگام مطالعه مزامیر فوق العاده مفید است. بعنوان مثال، بخش اعظم مزمور ۹۰ تأمل موسی در مورد شخصیت تغییرناپذیر خداوند است. خدا ازلی و ابدی است (۹۰: ۲، ۴)؛ او به عنوان خالق توانا بر زندگی و مرگ حاکم است (۹۰: ۲-۳، ۵-۶). او خدای خشم مقدس است (۹۰: ۷-۸، ۱۱). و او خدای رحمت، شفقت و محبت پایدار است (۹۰: ۱۳-۱۴)، که بطرز با شکوهی قدرتمند و زیبا است (۹۰: ۱۶-۱۷). بنابراین به شخصیت خدا توجه کنید و شگفت زده شوید.

مسیح

تمام آنچه که تاکنون در نظر گرفتیم با این ذره بین نهایی تفسیری به اوج خود می رسد. ما بهترین ذره بین را برای آخر نگه داشتیم.

باید از نظر مسیح شناسی بخوانیم. مهم نیست از چه متنی تعلیم می دهید، همیشه باید پرسید که این متن چگونه با شخص و کار مسیح مربوط است. هر بار که کتاب مقدس را باز می کنیم، باید تلاش کنیم بفهمیم که آن متن در کجای داستان بزرگ کتاب مقدس جا می گیرد. دیدیم که عیسی قهرمان است؛ پس باید سؤالاتی از این قبیل پرسیم:

- این قسمت چه چیزی در مورد عیسی مسیح، زندگی او، و کار او آشکار می کند؟
- آیا این متن به اولین آمدن مسیح اشاره دارد؟
- آیا بازگشت مسیح را پیش بینی می کند؟
- انجیل (خبر خوش) چگونه بر روی درک من از آن متن تاثیر می گذارد؟
- آن متن چگونه انجیل (خبر خوش) را پیش بینی می کند یا در مورد آن تأمل می کند؟

همانطور که در فصل ۲ دیدیم (به خصوص صفحه ۱۶)، «بزرگترین مطالعه کتاب مقدس تاکنون» را ملاحظه فرمایید، این روش مسیح محور برای خواندن کتاب مقدس، به ویژه عهد عتیق، توسط خود عیسی تعلیم داده شده است.

نتیجه

کتاب مقدس ارزشمندترین چیزی است که این دنیا استطاعتش را دارد. در آن، شما حکمت آسمانی و سخنان جالب توجه خدای زنده

را خواهید یافت. باشد که خداوند ما را وفادار کند تا دل خود را به مطالعه کلام خدا بسپاریم و آن را عمل نماییم، و به دیگران تعلیم دهیم (عزرا ۷: ۱۰). و اگر قرار است مفسران وفادار کلام خدا باشیم، پس باید به جماعت کلیسایی خود کمک کنیم تا از تمام کتابهای کتاب مقدس عیسی را بشناسند و محبت کنند.

الهیات کتاب مقدسی اینگونه به ما کمک می کند. الهیات کتاب مقدسی اینگونه خدمت کلیسای محلی را دگرگون می کند. اما این تمام موضوع نیست.

فصل ۶

الهیات کتاب مقدسی ماموریت کلیسا را شکل می دهد

کتاب مقدس یک کتاب طولانی و الهام شده باشکوه خداست. هدف از این کتاب کوچکی که خوانده اید این است که در درک بهتر پیام اصلی کتاب مقدس کمک نماید. این امر بسیار حیاتی است، زیرا از دست دادن نکته اصلی کتاب مقدس سبب ایجاد اناجیلی دروغین و کلیساهای دروغین می شود و همچنین رسالت کلیسا را تحریف می کند. ممکن است به یاد بیاد بیاورید که ما با مطالعه چند مورد (از اناجیل و کلیساهای دروغین) شروع کردیم و حالا در موقعیتی هستیم که هر کدام از آنها را طبق مسیر داستان کتاب مقدسی که در فصل های ۳ و ۴ ارائه شد، ارزیابی کنیم.

کلیسای انجیل کامیابی و سعادت مندی

کلیساهایی که از انجیل کامیابی حمایت می کنند مسیح را بی حرمت شمرده و امید مسیحیان را ضعیف می نمایند. مسیح از بسیاری جهات بوسیله این سوء تفاهم مرگبار بی حرمت می شود. طرفداران این دیدگاه بدعت آمیز به جای نشان دادن اهمیت اینکه عیسی کیست و چه کاری انجام داده است، عیسی و اعتماد به او را بعنوان راهی برای رسیدن به یک هدف دنیوی نشان می دهند. داستان کتاب مقدس روشن می سازد که بزرگترین مشکلی که گناهکاران در این زندگی با آن روبرو هستند بیکاری، دلسردی یا سرطان نیست؛ بلکه غضب ابدی یک خدای مقدس و نیکوست. «آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می ماند» (یوحنا ۳: ۳۶).

خدای پدر پسر محبوب خود را به جهان فرستاد تا ما را برای همیشه با خودش آشتی دهد، نه اینکه ما را در این زندگی ثروتمند سازد. «این سخن امین است و لایق قبول تام که مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها هستم» (اول تیموتائوس ۱: ۱۵).

به جای وجد و شادی در عیسی - کسی که همه گنجینه‌های حکمت و دانش و هر برکت روحانی در جایهای آسمانی در او یافت می شود (افسیان ۱: ۳؛ کولسیان ۲: ۳) - واعظان انجیل کامیابی وعده پوچ سعادت‌مندی، ثروت و خوشبختی می دهند. آنها می گویند شاگردان عیسی همه این برکات را به فراوانی در این دنیا تجربه خواهند کرد.

اما خادم رنجور وعده بسیار متفاوتی به پیروان خود داد: «بدین چیزها به شما تکلم کردم تا در من سلامتی داشته باشید. در جهان برای شما زحمت خواهد شد» (یوحنا ۱۶: ۳۳).

الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند بفهمیم که قرار است عیسی مسیح بعنوان پایان، هدف و مرکز کتاب مقدس وفادارانه اعلان شود، زیرا «زیرا چندان که وعده های خدا است، همه در او امین است تا خدا از ما تمجید یابد» (دوم قرنتیان ۱: ۲۰). عیسی قهرمان است، نه هیچکدام از ما.

عیسای مسیح بعنوان ذریت ابراهیم، آن کسی است که خداوند وعده‌های داده شده به ابراهیم را در او به انجام می‌رساند. پولس این را به ما می گوید: «اما وعده ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد و نمی گوید به نسلها که گویا درباره بسیاری باشد، بلکه درباره یکی و به نسل تو که مسیح است» (غلاطیان ۳: ۱۶). عیسای مسیح، ذریت ابراهیم، آمده تا از طریق زندگی، مرگ و قیامش قومی برای تمجید خودش از همه ملتها بوجود بیاورد. و او روح القدس خود را بعنوان بیعانه و تضمین میراثی موعود، به همه کسانی که به او اعتماد دارند،

عطا می کند (افسیان ۱: ۱۳-۱۴). بنابراین، این قدرت فوق العاده ایمان ما نیست، بلکه فیض شگفت انگیز منجی ماست که این برکات را برای ما تضمین می کند. تحریف این حقیقت، بی حرمتی به عیسی است.

امید مسیحیان توسط انجیل کامیابی و کلیساهای محلی که آن را تعلیم می دهند، تضعیف می شود. الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند بفهمیم که ایمانداران به عیسی که در این دوران زندگی می کنند کسانی هستند «که در زمان های آخر زندگی می کنند» (اول قرنیتان ۱۰: ۱۱). مسیحیان میان دوران ها زندگی می کنند، در تنش میان قبلاً و هنوز نه. مسیح قبلاً آمده است، اما هنوز دوباره نیامده است تا پادشاهی ابدی خود را بطور کامل برقرار نماید. عیسی دو هزار سال پیش با مرگ خود بعنوان کفاره و قیام پیروزمندانه و صعود خود به آسمان، مرگ را شکست داد، اما ما هنوز در انتظار روزی هستیم که دیگر مرگی وجود نداشته باشد (مکاشفه ۲۱: ۴).

بنابراین، حالت انتظار و هوشیاری، مشخصه خدمتکاران مسیح که منتظر بازگشت ارباب خود هستند، می باشد (اول پطرس ۱: ۱۴). این امید کتاب مقدسی به ما کمک می کند تا دروغ و اعظان و کلیساهای انجیل کامیابی را ببینیم که وعده می دهند بهترین زندگی را اکنون خواهید داشت.

بهترین زندگی ایمانداران در حال حاضر نیست. بهترین زندگی ما زمانی است که امید مبارک ما ظاهر می شود. این امید در امنیت مالی یا تایید سلامتی ما توسط پزشک پیدا نمی شود. در خرید ماشین جدید یا ترفیع شغلی یافت نمی شود.

امید مبارک ما چیزی نیست جز «و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیدن، که خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند و امتی برای

خود طاهر سازد که ملک خاص او و غیور در اعمال نیکو باشند» (تیتس ۲: ۱۳ - ۱۴).

ما در این جهان سقوط کرده رنج می بریم و منتظر جلالی هستیم که آشکار خواهد شد. پیش تر این را یادآوری کردیم، هنگامی که در فصل ۴ گفتیم: «ایمانداران اکنون رنج می برند، اما هنگام بازگشت مسیح در او جلال خواهند یافت. این امید باشکوه، حتی در میان آزمایش ها و جفاهای سخت، الهامبخش یک زندگی همراه با اعتماد و اطاعت از خداوند و پادشاه ما می باشد» (صفحه ۵۷ «پادشاه سلطنت می کند» را ملاحظه فرمایید). وقتی امید انجیل کامیابی را با الهیات کتاب مقدسی ارزیابی کنیم، مشخص می شود که ناامید است. امید مسیحیان در مسیح است و این امید هنگامی محقق می شود که ایمانداران سرانجام با مسیح باشن، که حضورش سرشار از خوشی و لذت ابدی است.^۷

کلیسای انجیل مدنی

اغلب اوقات مسیحیان وقتی به «وعده های گرانبها و بسیار بزرگ» (دوم پطرس ۱: ۴) از کتاب مقدس استناد می کنند که می خواهند به منظور اشتباه از آنها استفاده کنند. یک نوع از این تفسیر شرم آور کتاب مقدس در کلیساهایی رخ می دهد که برای تبلیغ انجیل مدنی وجود دارند. پیام این کلیساها عمدتاً مربوط به «خدا و میهن» است. این تفسیر نادرست از وعده های کتاب مقدس ناشی از شکست در فهم این مساله است که چگونه عهدهای کتاب مقدس در مسیح و کلیسایش به اوج می رسد. و این تحریف معنای کتاب مقدس منجر به تحریف مأموریت کلیسا می شود.

۷. For a fuller treatment of the deadly errors of the prosperity gospel, see David W. Jones and Russell S. Woodbridge, *Health, Wealth, and Happiness: How the Prosperity Gospel Overshadows the Gospel of Christ* (Grand Rapids, MI: Kregel, 2011, 2017).

الهیات کتاب مقدسی چگونه ما را در مقابل انجیل مدنی محافظت می کند؟ بعنوان مثال، وعده بارها نقل شده دوم تواریخ ۷: ۱۴ را در نظر بگیرید. شنیده ایم که مسیحیان این قول را مستقیماً در مورد ایالات متحده آمریکا بکار می گیرند، و به زمینه نزدیک و دور این قسمت از کلام زیاد توجه نمی کنند. سلیمان، پسر داوود و پادشاه وقت اسرائیل، به تازگی پروژه معبد سازی را به پایان رسانده بود: «پس سلیمان خانه خداوند و خانه پادشاه را تمام کرد و هر آنچه سلیمان قصد نموده بود که در خانه خداوند و در خانه خود بسازد، آن را نیکو به انجام رسانید.» (دوم تواریخ ۷: ۱۱). خداوند هنگام شب به سلیمان ظاهر شد و با او سخن گفت (دوم تواریخ ۷: ۱۲). سپس آیات زیر را می خوانیم:

«و از این جهت تسلی یافتیم لیکن در تسلی خود شادی ما از خوشی تیطس بی نهایت زیاده گردید چونکه روح او از جمیع شما آرامی یافته بود. زیرا اگر درباره شما بدو فخر کردم، خجل نشدم بلکه چنانکه همه سخنان را به شما به راستی گفتیم، همچنین فخر ما به تیطس راست شد» (دوم قرنتیان ۷: ۱۳ - ۱۴)

یک نشانه مبنی بر اینکه این وعده شرطی بطور منحصر به فردی برای قوم قدیمی خدا، اسرائیل بوده است، در آیه ۱۳ یافت می شود. سلیمان پادشاه همین داوری الهی موقت برای گناه اسرائیل - یعنی خشکسالی، نابودی محصولات زراعی و بیماری کشنده - را پیش از این در دعای وقف معبد در اورشلیم ذکر کرده بود (دوم تواریخ ۶: ۲۶، ۲۸). خواننده دقیق عهد عتیق، این دسته از نفرین ها را در لیست هشدارهای خدا به اسرائیل حتی قبل از ورود به سرزمین موعود نیز تشخیص می دهد (تثنیه ۲۸: ۲۰ - ۲۴).

خداوند وعده ها و هشدارهای زیادی برای قوم قدیمی خود صادر کرد که مشروط به اطاعت آنها بود. اگر اسرائیل به خداوند اعتماد داشت و وفادارانه از سخنان خدای خود پیروی می کرد، پس برکات خدا بر آنها نازل می شد. اما اگر با بی اعتمادی عمل می کردند و در

اطاعت از سخنان نیکوی او شکست می خوردند، نتیجه آن داوری و تبعید بود (تثنیه ۲۸: ۶۳ - ۶۴). علیرغم هشدارهای واضح خداوند به موسی و داوود و سلیمان، قوم اسرائیل بشدت گناه کرد و سرانجام آن پادشاهی تقسیم شد، معبد ویران شد، و قوم خدا به تبعید فرستاده شد، همانطور که خدا وعده داده بود.

پیش تر، نقش اسرائیل را در نقشه در حال آشکار شدن نجات خدا ملاحظه کردیم. در فصل ۳ گفتیم:

قوم اسرائیل، که خدا آن را پسر نخست زاده خود نامید (خروج ۴: ۲۲)، قرار بود نوعی نماینده کاهنی برای جهان باشد، درست مثل آدم. توجه کنید که خداوند در مورد آنها چه می گوید: «شما آنچه را که من به مصریان کردم دیده اید، و چگونه شما را بر بالهای عقاب برداشته، نزد خود آورده ام. و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود. این است آن سخنانی که به بنی اسرائیل می باید گفت.» (خروج ۱۹: ۴-۶). خدا می خواست که قدوسیت اسرائیل، قدوسیت پادشاه شان را منعکس کند: «تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: مقدس باشید، زیرا که من یهوه خدای شما قدوس هستم» (لاویان ۱۹: ۲). اسرائیل با اعتماد و اطاعت از سخنان نیکوی خداوند، قومی بی نظیر می شد که حکمت پادشاه خود را به همه انسان های دنیا نشان می داد. قوم اسرائیل با رعایت و انجام فرمان های پادشاه، حکمت خدا را به دنیایی که در حال نظاره بود، نشان می دادند (تثنیه ۴: ۴ - ۶). (صفحه ۳۵، «پادشاه فرمان می دهد» را ملاحظه فرمایید).

با پیشرفت داستان کتاب مقدس، دیدیم در جایی که اسرائیل شکست خورد، عیسی، ذریت واقعی ابراهیم، ثابت کرد که پسر وفادار خداست. او قومی را برای خود باز خرید کرد. و این قوم، کلیسای او، شامل هم یهودیان و هم غیر یهودیان است که با ایمان به انجیل مسیح متحد شده اند. کلیسای خدا حکمت پیچیده او را به آسمان نشان می دهد (افسیان ۳: ۱۰) و ارزش بی همتای او را به جهانیان اعلام می کند. پطرس رسول کلیسا را اینگونه توصیف می کند

« لکن شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت، به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمایید. که سابقاً قومی نبودید و الان قوم خدا هستید. آن وقت از رحمت محروم، اما الحال رحمت کرده شده اید» (اول پطرس ۲: ۹ - ۱۰).

بنابراین، الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند بفهمیم که امروز نه آمریکا و نه هیچ کشور دیگری روی کره زمین، ملت مقدس خدا نیست؛ ولی کلیسا است. آمریکا شهری بر فراز تپه نیست؛ ولی کلیسا است.

این مساله کلیساها را از این تفکر دروغین محافظت می کند که ماموریت کلیسا عبارت است از ارتقای شفای آمریکا یا هر کشور دیگری که ممکن است شما اهل آنجا باشید. در عوض، پیروان مسیح بدنبال این هستند که بوسیله اعلام خبر خوش انجیل (اعمال ۸: ۴) و زندگی بعنوان خادمان خدا (اول پطرس ۱: ۱۳-۱۷) همه ملت ها را برکت دهند، صرف نظر از اینکه در محدوده چه کشوری ساکن هستند (اعمال ۱۷: ۲۶).

کلیسای آشپزخانه خیریه

کل داستان کتاب مقدس را در نظر داشتن می تواند به کلیساها کمک کند تا بر آن چیزی تاکید کنند که خداوند در رابطه با رسالت کلیسا بر آن تأکید دارد. ما مثال «کلیسای آشپزخانه خیریه» را در فصل ۱ در نظر گرفتیم (صفحه ۱۷). مگر خوراک دادن به گرسنگان، مراقبت از بی خانمان ها، یا خدمت به فقرا چه اشکالی دارد؟ آیا ایمانداران به مسیح نباید به دنبال تسکین درد و رنج افراد پیرامون خود باشند و در هر زمان و مکانی که ممکن است به دنبال نیکویی به همسایگان خود باشند؟

البته که باید چنین کارهایی بکنند! و کلیساهای محلی می توانند چنین خدمات رحمت را اولویت بندی کرده و اعضای خود را برای رفع این نیازها بسیج کنند. خدمت رحمت یک فرصت زیبا برای رفع احتیاجات فوری نیازمندان است، در عین حالیکه گناهکاران را به سوی درمان فوری ترین نیاز آنها، یعنی نیاز به درست شدن رابطه با خالق قدوس مان از طریق ایمان به عیسی مسیح هدایت می کنند.

این را در فصل ۴ دیدیم:

اما کسانی که از فراخوان جهانی مسیحی برای توبه اطاعت نکنند، با یک داوری وحشتناک روبرو می شوند: «و شما را که عذاب می کشید، با ما راحت بخشد و در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود» (دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۸). وقتی پادشاه بازگردد، شورش جهانی علیه سلطنت نیکو و مقدس او در هم کوبیده خواهد شد. عیسی اعلام می کند که «باز مرا گفت: تمام شد! من الف و یا و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات، مفت خواهم داد» (مکاشفه ۲۱: ۶-۸). شیطان، دشمن قدیمی خدا، به دریاچه آتش پرتاب خواهد شد تا «و ابلیس که ایشان را گمراه می کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند، و ایشان تا ابدالاباد شبانه

روز عذاب خواهند کشید» (مکاشفه ۲۰: ۱۰). (صفحه ۶۶ را ملاحظه فرمایید، «پادشاه بازمی گردد»).

بنابراین الهیات کتاب مقدسی ما را مجبور می کند که امروز خدمت رحمت کلیسا را در پرتو زمان آخر ارزیابی کنیم. وقتی گرسنگان را سیر می کنیم و برهنگان را لباس می پوشانیم، مطمئناً می خواهیم در آن روز جواب پادشاه را بشنویم که می گوید: «پادشاه در جواب ایشان گوید هر آینه به شما می گویم. آنچه به یکی از این برادران کوچکترین من کرده‌اید. به من کرده‌اید» (متی ۲۵: ۴۰).

و همچنین می خواهیم اطمینان حاصل کنیم که کلیساهای ما فقط خوراک رایگان نمی دهند. اما فراخوانده شده‌ایم چیزی را به رایگان بدهیم که گرسنگی و تشنگی آنها را تا ابد رفع می کند.

«در جواب گفت: مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» (متی ۴: ۴).

در عین حالیکه خدمات شفقت آمیز قابل ستایش هستند، اما این تلاشهایی که برای احترام به مسیح انجام می شوند، نمی توانند و نباید جایگزین تقدم اعلان انجیل در مأموریت کلیسا شوند. این انجیل است که فقط قدرت خدا برای نجات همه کسانی است که ایمان می آورند (رومیان ۱: ۱۶). و فقط انجیل می تواند تهدید و حشتناک رنج و عذاب ابدی را از میان بردارد.

الهیات کتاب مقدسی به کلیسا کمک می کند تا این واقعیت هوشیار کننده را همیشه در معرض دید قرار دهد.

کلیسای تأیید کننده بی اخلاقی

کتاب مقدس ایمانداران را ترغیب می کند که بطور جدی در جهت تقدسی تلاش کنند که بدون آن خداوند را نخواهیم دید (عبرانیان

۱۲:۱۴). اما متأسفانه امروزه بسیاری از کلیساها در سراسر جهان به طور جدی اقداماتی را دنبال و تأیید و تصویب می کنند که کلام خدا آنها را گناه آلود می داند (رومیان ۱: ۳۲؛ اول قرنتیان ۶: ۹ - ۱۰).

قوم خدا به جای اینکه همشکل این جهان شوند، فرا خوانده شده اند که با تازه شدن ذهن خود دگرگون شوند (رومیان ۱۲: ۲). به کلیسای عیسای مسیح هشدار داده شده است: «دنیا را و آنچه در دنیاست دوست می دارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست» (اول یوحنا ۲: ۱۵). با این وجود کلیساهای تأیید کننده بی اخلاقی بسیاری وجود دارند که به نظر می رسد عمدتاً نگران مورد تأیید قرار گرفتن توسط دنیا هستند.

الهیات کتاب مقدسی به ما کمک می کند بیاد بیاوریم که ماموریت کلیسا همیشه در تقابل با دنیاست. کلیسای عیسای مسیح متشکل از ایمانداران توبه کرده و تعمید یافته در عیسای مسیح است که همه گناهان شان بخشیده شده و در خون بره شسته شده است (رومیان ۶: ۴-۱). ایمانداران با اعلان بیعت با عیسای پادشاه از طریق ایمان به انجیل، با مخالفت دنیا، جسم و شیطان روبرو می شوند. این بدان معناست که ماموریت کلیسا آسان نخواهد بود.

این واقعیت در فصل ۴ به ما یادآوری شد:

ماموریتی که عیسی به کلیساهای خود داد، کاری دشوار و پرهزینه است. پیروی از او در ایمان و اطاعت یقیناً مستلزم جفا دیدن و رنج کشیدن بخاطر انجیل اوست. اما در حالیکه ایمانداران به امید بازگشت او به آینده نگاه می کنند، به پشت سر نیز نگاه کرده و به یاد می آورند که آن کسی که اکنون قیام کرده و متعال شده است، خادمی نیز بود که رنج کشید و مرد.

او به پیروانش گفت: «خوشا به حال زحمتکشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از ان ایشان است. خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و بخاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه

گویند، خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است، زیرا که به همینطور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند» (متی ۵: ۱۰ - ۱۲). پولس بعداً می‌نویسد: «و همه کسانی که میخواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۲). ایمانداران در دنیای سقوط کرده رنج می‌کشند - درست مانند افراد دیگر. اما بر خلاف کسانی که هنوز در گناهان خود هستند، به پیروان عیسای پادشاه رنج مضاعف روبرو شدن با عداوت و کینه جهانی که از خداوند متنفر است و با قوم او مخالفت می‌کند، وعده داده شده است. (صفحه ۵۷ را ملاحظه فرمایید، «پادشاه سلطنت می‌کند»).

بنابراین هدف مأموریت کلیسا این نیست که تشویق و تمجید زودگذر دنیا را بدست بیاورد، بلکه تا سبب شادی عظیم در آسمان گردد (لوقا ۱۵: ۷، ۱۰). آسمان چه موقع شاد می‌شود؟ عیسی گفت: «همچنین به شما می‌گویم شادی برای فرشتگان خدا روی میدهد به سبب یک خطا کار که توبه کند» (لوقا ۱۵: ۱۰).

توبه به معنای بازگشت از گناه است، با توجه به رحمت خدا در عیسی. بنابراین کلیسای مسیح در عشق و فروتنی بخاطر دنیا در مقابل دنیا می‌ایستد و دنیا را فرامی‌خواند که از گناه برگشته و فقط به عیسای مسیح اعتماد کند، زیرا او راه و راستی و حیات است، و هیچکسی نزد پدر نمی‌رود جز بواسطه عیسی (یوحنا ۱۴: ۶). اولین تقاضایی که عیسی از دنیا کرد، دعوت مقتدرانه به توبه بود: «می‌گفت: وقت تمام شده و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید» (مرقس ۱: ۱۵). مسیح برای نجات گناهکاران به این دنیا آمد و آنها را به توبه فرا خواند. عیسی گفت: «پس به اطراف خود می‌نگریست تا آن زن را که این کار کرده، ببیند» (لوقا ۵: ۳۲).

بنابراین جای تعجب نیست که با دریافت روح مسیح در روز پنطیکاست، واکنش پطرس و بقیه کلیساهای تازه تاسیس در اورشلیم

این بود که گناهکاران را به توبه و ایمان فرا بخوانند (اعمال ۲: ۳۷-۴۱؛ همچنین ۳: ۱۹؛ ۸: ۲۲؛ ۲۶: ۲۰ را ملاحظه فرمایید). اکنون خدا «به همه مردم حکم می کند توبه کنند» (اعمال ۱۷: ۳۰). ما به عنوان سفیران مسیح، از طرف مسیح به دنیا التماس می کنیم: «با خدا آشتی کنید» (دوم قرنتیان ۵: ۲۰).

کلیساهای محلی پاسگاهها و سفارت‌های انجیل هستند. اولویت مأموریت ما باید اعلان انجیل و فرا خواندن گناهکاران به توبه باشد، و با فروتنی بیاد داشته باشیم که خود ما نیز فقط با فیض نجات یافته‌ایم. «و بعضی از شما چنین می بودید لیکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شده اید به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما» (اول قرنتیان ۶: ۱۱).

ارتباط میان الهیات کتاب مقدسی و مأموریت کلیسا

همانطور که می بینید، چگونگی نگاه شما به مسیر داستانی کتاب مقدس بطرز چشمگیری بر نگاه شما نسبت به مأموریت کلیسا تاثیر می گذارد. خیلی مهم است که به این مساله توجه کنید، زیرا بر موعظه کلیسای شما در مورد کتاب مقدس (فصل ۵ را ملاحظه فرمایید)، بودجه کلیسای شما، شرح وظایف شبان شما و اینکه اعضای کلیسای شما چگونه تشویق شوند که در طول هفته زندگی کنند، تاثیر می گذارد.

بیاید دوباره به مسیر داستانی که در فصل‌های ۳ و ۴ دیدیم، فکر کنیم. بر اساس آن مسیر داستان، به نظر شما مأموریت کلیسا چیست؟ می توانیم از دو طریق، بر اساس دو لحظه متفاوت در زندگی کلیسا به این سوال پاسخ دهیم: هنگامی که کلیسا جمع می شود و هنگامی که پراکنده می شود. پس مأموریت کلیسا چیست؟ عیسی گفت:

«پس عیسی پیش آمد، بدیشان خطاب کرده، گفت: تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته همه امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب، ابن و روح القدس تعمید دهید. ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند. و اینکه من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم. آمین» (متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰)

بنابراین عیسی در ماموریت بزرگ از شاگردانش می خواهد که شاگردان بسازند و شاگرد شوند.^۸

پس اول و مهمتر از همه، ماموریت ما این است که شاگردان بسازیم. وقتی کلیسا در زندگی شراکتی ما جمع می شود، باید اولویت را به خدمت شاگردسازی بدهیم.

وقتی کلیسا جمع می شود، جماعت قوم خدا بر کلام خدا متمرکز می شود. ما کلام را می خوانیم، کلام را موعظه می کنیم، از کلام دعا می کنیم، از کلام سرود می خوانیم و کلام را آیین های تعمید و شام خداوند «می بینیم».^۹ وقتی جمع می شویم، می خواهیم بر اعلان مسیح از همه کلام خدا تأکید کنیم، زیرا «ایمان از شنیدن پیام است و پیام ما از کلام مسیح است» (رومان ۱۰: ۱۷). شبانان به دنبال این هستند

«برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم» (افسیان ۴: ۱۲-۱۴)

وقتی کلیسا جمع می شود، باید عضویت کلیسا را جدی بگیریم. این امر مستلزم اطاعت دقیق از احکام مسیح مربوط به تعمید و شام خداوند است. رعایت وفادارانه آیین های کلیسا رابطه محکمی با

8. For a fuller treatment of this paradigm, see Jonathan Leeman, "The Soteriological Mission," in *Four Views on the Church's Mission*, ed. Jason S. Sexton (Grand Rapids, MI: Zondervan, 2017).

9. See Mark Dever and Paul Alexander, *The Deliberate Church: Building Your Ministry on the Gospel* (Wheaton, IL: Crossway, 2005), 81-86.

مسئولیت جماعت کلیسا در پذیرش عضو و همچنین رعایت انضباط و تادیب کلیسایی دارد (متی ۱۸: ۱۵ - ۱۷؛ اول قرنتیان ۵: ۱ - ۱۳). جماعت کلیسایی، متمایز و مقدس و جدا از دنیاست، و اعضای آن یک محبت روحانی که از انجیل نشات می گیرد را نسبت به یکدیگر طوری نشان می دهند که با فیض خدا سبب جلب مردم دنیا می شود. «به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستی اگر محبت یکدیگر را داشته باشید» (یوحنا ۱۳: ۳۵).

مأموریت ما این است که برای پادشاه قیام کرده خود، از طریق انجیل او و در قدرت روح او، شاگردان بسازیم تا خدای پدر را جلال بدهیم.

دوم، مأموریت ما این است که شاگردان باشیم. این کاری است که به آن فرا خوانده شده ایم تمام هفته انجام بدهیم، هم به صورت فردی و هم به همراه سایر اعضای کلیسا.

وقتی کلیسا پراکنده می شود، می خواهیم شاگردان عیسی باشیم که پیام نجات بخش فیض او را هر کجا که می رویم پراکنده کنیم، « زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت» (رومیان ۱۰: ۱۳). ما به خداوند دعا می کنیم تا خانواده، دوستان، همسایگان و همکاران گمشده ما را نجات دهد (رومیان ۱۰: ۱). ما با جسارت و فروتنی کلام حقیقت، انجیل نجات خود را با دیگران در میان می گذاریم، زیرا «ایمان از شنیدن پیام است و پیام ما از کلام خداست» (رومیان ۱۰: ۱۷)، و زیرا فقط انجیل «قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد» (رومیان ۱: ۱۶).

وقتی کلیسا پراکنده می شود، همه کارهای خود را بعنوان روشی برای تکریم و جلال پادشاه مان در نظر می گیریم. بدین معنا که در هر حوزه از زندگی خود به دنبال این هستیم که خداوند را دوست داشته باشیم و به همسایگان محبت کنیم. شاگرد پادشاه بودن بدین معناست که هر کجا که باشید، برای جلال او زندگی می کنید و برای او کار

می کنید. «و آنچه کنید، از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان، چون می دانید از خداوند مکافات میراث را خواهید یافت، چونکه مسیح خداوند را بندگی می کنید» (کولسیان ۳: ۲۳ - ۲۴). این تلاشها به صورت فردی انجام نمی شود بلکه ترجیحاً به عنوان بخشی از مشارکت و مردم محلی کلیسای محلی انجام می شود.

شاگرد مسیح بودن به این معناست که ما اهمیت خانواده را درک می کنیم، در عین حالی که از آن بت نمی سازیم. به این معناست که طوری به عدالت و سیاست نگاه می کنیم و می پردازیم که هم ایماندارانه باشد و هم مراقب باشیم که وجدان برداران و خواهران مسیحی را گرفتار امور حزبی و تاکتیکی نکند.

شاگرد بودن به معنای این است که در همه چیز و همه کار، در پی جلال دادن خدا بوسیله انجام کارهای نیکو باشیم و هدف مان تکریم و احترام به مسیح باشد. پطرس می نویسد:

«و سیرت خود را در میان امت ها نیکو دارید تا در همان امری که شما را مثل بدکاران بد می گویند، از کارهای نیکوی شما که ببینند، در روز تفقد، خدا را تمجید نمایند، لحاظاً هر منصب بشری را بخاطر خداوند اطاعت کنید، خواه پادشاه را که فوق همه هست، و خواه حکام را که رسولان وی هستند، به جهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران، زیرا که همین است اراده خدا که به نیکوکاری خود، جهالت مردمان بی فهم را ساکت نماید، مثل آزادگان، اما نه مثل آنانی که آزادی خود را پوشش شرارت می سازند بلکه چون بندگان خدا همه مردمان را احترام کنید. برداران را محبت نمایید. از خدا بترسید، پادشاه را احترام نمایید» (اول پطرس ۲: ۱۲ - ۱۷).

بدین ترتیب کلیسای مسیح، چه جمع شده و چه پراکنده، به دنبال شاگرد ساختن و شاگردان بودن می باشد تا زمانی که او می آید و زمین با معرفت جلالش پر می شود.

نتیجه

گاهی می‌توان چیزی که بطور باشکوهی زیباست را متوجه نشویم، حتی اگر درست جلوی چشمانمان باشد.

در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۷، مردی از ایستگاه مترو در واشنگتن دی سی بیرون آمد و در «ال انفانت پلازا» L'Enfant Plaza کنار یک سطل زباله ایستاد. این جوان تی شرت، شلوار جین و کلاه بیس بال به تن کرده بود. یک ویولن را از جعبه‌اش درآورد و جعبه ویلون را بصورت باز روی پیاده رو قرار داد. سپس شروع به نواختن کرد.

ساعت ۷:۵۱ صبح جمعه بود، میانه ساعت شلوغ صبح. سپس بمدت چهل و سه دقیقه، شش قطعه کلاسیک اجرا کرد، در حالیکه نزدیک به ۱۱۰۰ تن از کنار او رد شدند. آیا هیچ کدام از این افراد ایستادند و از موسیقی لذت بردند؟

آن ویولن نواز بیرون ایستگاه مترو، یک نوازنده خیابانی معمولی نبود. اسم او «جاشوآ بل» بود، یکی از بهترین نوازنده‌های موسیقی کلاسیک جهان. او از چهار سالگی اعجوبه نوازندگی بود و اکنون یک هنرمند بسیار شناخته شده است. او سالن‌های کنسرت سراسر جهان را پر می‌کند. موسیقی آن روز آقای بل اصلاً معمولی نبود.

در طول آن چهل و سه دقیقه، بل شاهکارهایی از موسیقی را اجرا کرد که قرن‌ها پابرجا مانده‌اند، و از جمله قطعاً بسیار ظریفی بودند که تا بحال نوشته شده است. و او این موسیقی زیبا را بوسیله یکی از با ارزش‌ترین ویولن‌هایی که تاکنون ساخته شده، اجرا کرد. ویولن او یک ویولن استرادیواری Stradivarius بوده که در سال ۱۷۱۳ ساخته شده و ۳.۵ میلیون دلار ارزش دارد.^{۱۰}

۱۰. آقای آنتونیو استرادیواری در سال ۱۷۳۷ در شهر کرمونای ایتالیا متولد شد. او

در آن روز جمعه در سال ۲۰۰۷، بیش از هزار تن از مردم برای یک کنسرت زیبای یکی از مشهورترین نوازندگان جهان، بلیط مجانی داشتند - اما فقط در صورتی که چشم بینا و گوش شنوا داشتند تا از این مزیت حیرت آور لذت ببرند. و با این حال، تنها تعداد معدودی از مردم آن روز صبح ایستادند و از موسیقی با شکوه بل لذت Bell's glorious بردند.^{۱۱}

همه ما می توانیم با این موضوع ارتباط برقرار کنیم. مشغله زندگی، عجله در مورد چیز بعدی و زندگی بدون توقف تا زمانی که از پا بیوفتیم می تواند بطور ناخواسته سبب شود آنچه واقعا مهم است، آنچه واقعا زیباست، آنچه واقعا گرانبهاست را ببینیم، حتی اگر درست جلوی چشم ما اتفاق بیفتد. زندگی در این جهان سقوط کرده به راحتی می تواند قلب ما را نسبت به احساس تعجب و شگفتی واکسینه کند، حتی اگر این امتیاز را داشته باشیم که در برابر چیزی ایستاده باشیم که واقعا شگفت انگیز و حیرت انگیز و بطور باشکوهی زیبا باشد.

برجسته ترین سازنده ویلون می باشد که در طول حیاتش حدود ۱۰۰۰ ویلون ساخت که ۶۵۰ عدد از آن تا به امروز باقی مانده است. تاکنون هیچ ویلونی صدایی مانند ویولون های او را نداشته است. هر کدام از این ویلونها چندین میلیون دلار ارزش دارد. در سال ۲۰۱۱ یکی از ویولون های او به قیمت ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار پوند انگلیس بفروش رسید.

در سال ۲۰۰۳ دانشمندان دانشگا های کلمبیا و تنسی در ایالات متحده ادعا کردند که کاهش فعالیت خورشیدی در قرن هفدهم ممکن است دلیل صدای ویولون های استرادیواریوس باشد. آنها گفتند که زمستان های سردتر و تابستان های خنک تر در آن زمان رشد کندتر درخت را ایجاد می کرد که به نوبه خود منجر به متراکم تر شدن چوب درختان و با خصوصیات آکوستیک برتر شده است - شرایطی که از آن زمان تا کنون تکرار نشده است.

در سال ۲۰۰۶، سایر محققان آمریکا گفتند که آنها معتقدند استرادیواریوس صدای متمایز سازهای خود را مدیون روش شیمیایی آماده کردن چوب می دانند. او با روش خاص خود، کرم ها و قارچ های چوب را از بین می برد. - ناشر

۱۱. Gene Weingarten, "Pearls before Breakfast," Washington Post Magazine, April 8, 2007, http://www.washingtonpost.com/lifestyle/magazine/pearls-before-breakfast-can-one-of-the-nations-great-musicians-cut-through-the-fog-of-a-dc-rush-hour-lets-find-out/2014/09/23/8a6d46da-4331-11e4-b47c-f5889e061e5f_story.html.

من (نیک) بعضی اوقات که کتاب مقدس می خوانم، این حالت را تجربه می کنم. شاید شما هم این را تجربه می کنید. حتی با اینکه می دانم کلام خدا از غسل دلپذیرتر و از طلا گرانبهاتراست (مزمور ۱۹: ۱۰)، اکثر اوقات تقلا می کنم این واقعیت را عملاً باور کنم. آن جلالی که درست جلوی من است را نمی بینم. من نمی ایستم تا با دقت و در دعا به سمفونی کتاب مقدس گوش دهم.

با این حال امید فروتنانه و دعای ما به حضور خدا این است که ضمن خواندن این کتاب، قدری از اعجاب و هیبت و مزیت ژرف توانایی شناخت و دوست داشتن عیسی را چنانکه در تمامی کتب مقدس آشکار شده، چشیده و دیده باشید. ما امیدواریم و دعا می کنیم که بطور کاملتر درک کنید که چرا الهیات کتاب مقدسی بسیار شگفت انگیز است. عیسیای مسیح چشمه ای است که همه برکات از آن جاری می شود، و الهیات کتاب مقدسی نقشه کتاب مقدسی است که ما را بسوی این چشمه همیشه جاری هدایت می کند. روح القدس کم کم به ما کمک می کند ببینیم که نقشه شکوهمند کتاب مقدس چگونه ما را بسوی پادشاه قیام کرده ما و نقشه او برای رهایی قومی که برای جلال و ستایش خویش به خون خود خریده، هدایت می کند.

ما نیز درست مانند آن شاگردان در جاده عموآس، امیدواریم و دعا کنیم که چشم و ذهن مان بطور کامل باز شود (لوقا ۲۴: ۳۱، ۴۵) تا عیسی را در همه قسمت های کتاب مقدس بشناسیم تا بلکه بتوانیم با تمام وجود او را بطور کامل دوست داشته باشیم (لوقا ۲۴: ۳۲). پادشاه ما سزاوار چیز کمتری نیست.

پطرس رسول در اولین نامه خود نوشت که:

«که در باره این نجات، انبیايي که از فیضی که برای شما مقرر بود، اخبار نمودند، تفتیش و تفحص می کردند و دریافت می نمودند که کدام و چگونه زمان است که روح مسیح که در ایشان بود از آن خبر

می‌داد، چون از زحماتی که برای مسیح مقرر بود و جلالهایی که بعد از آنها خواهد بود، شهادت می‌داد، و بدیشان مکشوف شد که نه به خود بلکه به ما خدمت میکردند، در آن اموری که شما اکنون از آن خبر یافته‌اید، از کسانی که به روح القدس که از آسمان فرستاده شده است بشارت داده‌اند، و فرشتگان نیز مشتاق هستند که در آنها نظر کنند» (اول پطرس ۱: ۱۰ - ۱۲).

نجات با شکوهی که در مسیح داریم توسط پیامبران خدا در عهد عتیق پیشگویی و پیش بینی شده بود و مشغولیت شدید حال حاضر فرشتگان خداست. در مورد موقعیت ممتازی که در مسیح داریم تعمق کنید! و سپس بوسیله روح خدا، فروتنانه و با دعا به بررسی کلام زیبای خدا ادامه دهید تا حتی مقدار بیشتری از فیض شکوهمند او در عیسی را کشف نمایید.

ضمیمه

نمونه‌هایی از الهیات کتاب مقدسی

وقتی من (نیک) در حال یادگیری چیز جدیدی هستم، اغلب می‌گویم: «لطفاً به من نشان بدهید؛ فقط نگویید.» در زیر یک سری از نمونه‌های الهیات کتاب مقدسی را مشاهده می‌کنید که از انواع ژانرهای کتاب مقدس گرفته شده است. پس از بررسی مختصر هر یک از این قسمت‌ها در زمینه خودشان، نشان خواهیم داد که الهیات کتاب مقدسی چگونه به روشی مسیح محور به روشن شدن آن قسمت کمک می‌کند.

ابتدا سه متن عهد عتیق و بعداً سه متن عهد جدید را در نظر خواهیم گرفت تا ببینیم چگونه می‌توان آنها را از طریق ذره بین‌های الهیات کتاب مقدسی مطالعه کنیم و بفهمیم.

«در شهر مبارک خواهید بود» (تثنیه ۲۸: ۱ - ۶)

ما دیدیم که یک متن بدون زمینه، بهانه‌ای برای مدرک سازی است. به عبارت دیگر، اگر متنی از کتاب مقدس را جدا از زمینه آن تفسیر کنیم، می‌توانیم کاری کنیم چیزی بگویید که در واقع نمی‌گوید.

مثلاً آیات زیر از اواخر کتاب تثنیه را در نظر بگیرید:

«و اگر آواز یهوه خدای خود را به دقت بشنوید تا هشیار شده، تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایند به جا آوری، آنگاه یهوه خدایت تو را بر جمیع امت‌های جهان بلند خواهد گردانید، و تمامی این برکات به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت، اگر آواز یهوه خدای

خود را بشنوی. در شهر مبارک و در صحرا مبارک خواهی بود، میوه بطن تو و میوه زمین تو و میوه بهایمت و بچه های گاو و بره های گله تو مبارک خواهند بود. سب و ظرف خمیر تو مبارک خواهد بود. وقت در آمدنت مبارک، و وقت بیرون رفتت مبارک خواهی بود» (تثنیه ۲۸: ۱-۶)

معلم انجیل کامیابی ممکن است معنای این متن را بیچانند تا چیزی شبیه به این بگوید: «خدا برکات را به شما وعده می دهد! خداوند وعده می دهد که شما را برمی افرازد. او وعده می دهد که برکات فراوان به شما ارزانی خواهد داد. او وعده می دهد که در شهر و در کار خودتان مبارک خواهید بود. او وعده می دهد که فرزندان شما مبارک خواهند بود و محصولات شما و گاوها و گله های شما مبارک خواهند بود. تنها کاری که باید انجام دهید این است که وفادارانه خداوند را اطاعت کنید و همه دستورات او را انجام دهید و آن وقت از نظر اجتماعی، جسمی و مالی برکت خواهید یافت! این زندگی پر برکت را می توانید همین الآن داشته باشید. فقط از خداوند اطاعت کنید».

این ارزشی ندارد که این قسمت بوضوح میان اطاعت و برکت یک پیوند جدانشدنی ایجاد می کند. یعنی بدون اطاعت، برکتی نخواهد بود. اما بتدریج که داستان اسرائیل جلو می رود، معلوم می شود که آنها از خداوند اطاعت نخواهند کرد. فقط بقیه کتاب تثنیه را بخوانید. هر واعظی که یک انجیل کامیابی در این قسمت می بیند، هم زمینه این قسمت و هم مسیر داستانی کتاب مقدس را از نظر انداخته است.

الهیات کتاب مقدسی چگونه به ما کمک می کند تا این قسمت را وفادارانه تفسیر کنیم؟ بیایید با در نظر گرفتن زمینه عهدی این قسمت را شروع کنیم. موسی در تثنیه ۲۸ از قوم اسرائیل مطالبه می کند که به

خاطر عهدی که خدا در کوه سینا با آنها بست، کلام خدا را بجا آورند. او هم برکات باشکوه اطاعت را پیش روی آنها قرار می دهد (۲۸: ۱-۱۴) و هم لعنت های وحشتناک ناطاعتی را (۲۸: ۱۵-۶۸).

توجه کنید که موسی چگونه وقت بیشتری را صرف باز کردن لعنت ها می کند تا برکات. این مساله به ما می گوید که خود موسی مطمئن نبود قوم اسرائیل بعد از درگذشت او از خداوند پیروی کند، چه برسد به اینکه یوشع آنها را به سرزمین موعود هدایت نماید. در واقع، هنگامی که موسی به آینده نزدیک اسرائیل نگاه کرد، نافرمانی، بت پرستی و تبعید را دید - نه وفاداری، برکت و کامیابی.

در حالی که موسی زنده بود، اسرائیل از خداوند اطاعت نمی کرد. چرا این امر پس از مرگ او تغییر کند؟ خداوند حتی به موسی گفت که اسرائیل به زودی از طریق ناطاعتی و بت پرستی، عهدی که در کوه سینا با آنها بسته بود را می شکند: «خداوند موسی را گفت: «اینک تو با پدران خویش می خوابی، و این قوم برخاسته، از پی خدایان بیگانه سرزمینی که بدان داخل می شوند زنا خواهند کرد، و مرا ترک گفته، عهد مرا که با ایشان بستم خواهند شکست» (تثنیه ۳۱: ۱۶؛ همچنین ۳۱: ۲۴ - ۲۹ را ملاحظه فرمایید).

زمینه این متن به وضوح به ما تعلیم می دهد که اسرائیلی ها نتوانستند مطیع عهد خدا باشند. ما هم نمی توانیم. ما نیز مانند آنها، لعنت های او را بدست آورده ایم، نه برکات او را. شریعت خدا مستلزم اطاعت کامل است، اما تمایلات قلبی اسرائیلی ها و ما گناه آلود بوده و به سمت شر گرایش دارد (پیدایش ۶: ۵؛ ۸: ۲۱؛ تثنیه ۳۱: ۲۱). تنها امید ما برای برکت یافتن این است که جاهایی که همه ما کوتاهی کرده ایم را شخص دیگری کاملاً اطاعت کند، لعنت هایی که برای نافرمانی سزاوار آن هستیم را شخص دیگری تحمل کند، شخص دیگری قلب های جدیدی به ما ببخشد که دستورات خدا را اطاعت و پیروی کند.

موسی فهمید که آنچه که قوم خدا به شدت نیاز داشت، یک عهد جدید بود. و این دقیقاً همان چیزی است که تثنیه ۲۹ - ۳۰ در مورد آن صحبت می کند! موسی با امید به آینده دور نگاه کرد: «و یهوه خدایت دل تو و دل ذریت تو را مختوم خواهد ساخت تا یهوه خدایت را به تمامی دل و تمامی جان خود دوست داشته، زنده بمانی» (تثنیه ۳۰: ۶؛ نگاه کنید به ارمیا ۳۱: ۳۳؛ ۳۲: ۳۹ - ۴۰؛ حزقیال ۱۱: ۱۹؛ ۳۶: ۲۶-۲۷؛ کولسیان ۲: ۱۱). در آینده، خدا عهد جدیدی با مردم خود می بندد.

اما صبر کنید - خبرهای خوب بیشتری نیز وجود دارد. شخصی می آمد، پیامبری مانند موسی (تثنیه ۱۸: ۱۵، ۱۸؛ لوقا ۷: ۱۶) که با تمامی قلب، روح، ذهن و قوت خود بطور کامل از خدا پیروی می کرد؛ کسی که تمامی شریعت را بجا می آورد (متی ۵: ۱۷)؛ کسی که برکات عهد جدید را برای قومش تضمین می کند (لوقا ۲۲: ۲۰). نام او عیسی است.

اما برای اینکه این برکات را برای مردمش به ارمغان بیاورد، مجبور شد لعنت های آنها را متحمل شود. پولس در نامه خود به غلاطیان از تثنیه ۲۷: ۲۶ نقل قول می کند: «زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند زیرا مکتوب است: ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد» (غلاطیان ۳: ۱۰).

و بنابراین پولس می گوید عیسای مسیح که عادل بود بجای ما بر روی صلیب محکوم شد: «مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانچه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود» (غلاطیان ۳: ۱۳-۱۴).

انجیل کامیابی و سایر پیام های دروغین، کتاب مقدس را تبدیل به کتابی می کند که تماماً در مورد ماست، و قتیکه در حقیقت تماماً در مورد مسیح است.

«خدا بر تخت مقدسش جلوس فرموده». (مزمور ۴۷: ۸).

در فصل‌های ۳ و ۴ مضمون برجسته پادشاه بودن خدا در سراسر کتاب مقدس را دیدیم. مثلاً آیه زیر از مزامیر را در نظر بگیرید:
«خدا بر امت‌ها سلطنت می‌کند. خدا بر تخت قدس خود نشسته است» (مزمور ۴۷: ۸)

مزمور ۴۷ یک فراخوان به جهان است، به «همه قوم‌ها» است تا با شادی خداوند را ستایش کنند (۴۷: ۱). چرا؟
«زیرا خداوند متعال و مهیب است و بر تمامی جهان خدای بزرگ» (۴۷: ۲).

تمام زمین باید خداوند را ستایش کند، زیرا او تنها پادشاه بزرگ در تمام زمین است. در مزمور ۴۷: ۶-۷ همین ساختار را می‌یابیم. آیه ۶ فراخوانی برای ستایش خداست، و آیه ۷ دلیل این امر را بیان می‌کند: «زیرا خدا پادشاه تمامی زمین است.»

این ما را به مزمور ۴۷: ۸ می‌رساند:

خدا بر قوم‌ها سلطنت می‌کند، او بر تخت مقدسش جلوس فرموده. این آیه تعلیم می‌دهد که خدا بر همه ملل حکمفرمایی می‌کند. به رغم خودرایی بودن شان، خداوند بر آنها سلطنت می‌کند. قدوس اسرائیل بر تخت مقدس خود نشسته است. خدا سلطنت می‌کند. سلطنت جهانی خدا یکی از مضامین عمده مزامیر است. در حقیقت، تمام بخش‌ها این همسرای شگفت‌انگیز را تکرار می‌کنند: «خداوند سلطنت می‌کند!» (نگاه کنید به مزمور ۹۳: ۱؛ ۹۷: ۱؛ ۹۹: ۱).

«زیرا که یهوه، خدای بزرگ است» (مزمور ۹۵: ۳).

اگر کمی عقب بنشینیم و تصویر بزرگتر را نگاه کنیم، می‌بینیم که مضمون پادشاه بودن خدا چگونه مسئله گناه را برجسته می‌کند.

کتاب مقدس از پیدایش ۳ به بعد، داستان غم انگیز شورش ملت‌ها بر علیه خدا را روایت می‌کند؛ آنها خداوند را به عنوان پادشاه ستایش نمی‌کنند. این شورش جهانی بوضوح در برنامه مغرورانه ساخت برج بابل نمایش داده شد (پیدایش ۱۱: ۱-۹): «آنگاه گفتند: بیایید شهری برای خود بسازیم و برجی که سر به آسمان ساید، و نامی برای خود پیدا کنیم تا مبادا بر روی تمامی زمین پراکنده شویم» (پیدایش ۱۱: ۴). خداوند تلاش‌های گناه آلود در بابل را خنثی کرد و در عوض ابرام را برگزید و وعده داد از طریق ابرام نامی بزرگ برای خودش بسازد (پیدایش ۱۲: ۱-۳). در نتیجه تمام ملت‌های زمین از طریق خانواده ابراهیم برکت خواهند یافت (پیدایش ۱۷: ۴-۶؛ ۲۲: ۱۷-۱۸).

جالب اینکه مزمور ۴۷ در آخرین آیه خود به قولی که به ابرام (ابراهیم) داده شده، اشاره می‌کند:

«سروران قوم‌ها با قوم خدای ابراهیم جمع شده‌اند، زیرا که سپرهای جهان از آن خداست. او بسیار متعال می‌باشد» (۴۷: ۹).

این مزمور به روزی اشاره می‌کند که ملت‌ها تصدیق خواهند کرد خدای اسرائیل پادشاه بزرگ همه ملت‌هاست. علاوه بر این، خود ملت‌ها، که در اینجا بوسیله «بزرگان قوم‌ها» نمایندگی می‌شوند، «به عنوان قوم خدای ابراهیم» جمع خواهند شد.

کتاب مزامیر با خشم پادشاهان علیه خدا و علیه مسیح او آغاز می‌شود (مزمور ۲: ۱-۳). اما مزمور ۴۷: ۸-۹ درباره روزی می‌گوید که رهبران ملت‌ها خداوند را که بر تخت سلطنت نشسته است، ستایش و تکریم خواهند کرد.

و این دقیقاً همان چیزی است که در پایان کتاب مقدس، در رویای تخت خدا در مکاشفه ۴-۵ پیدا می‌کنیم. یوحنا تخت خدا را در آسمان می‌بیند، تخت آن قدّوس، خداوند خدای متعال، «او که بود و هست و می‌آید» (مکاشفه ۴: ۸). و در مکاشفه ۵، یوحنا سرود

جدیدی درباره شیر و بره که بر تخت سلطنت نشسته است را می‌شنود. او شایسته ستایش است. چرا؟

« زیرا در زبان ایشان راستی نیست، باطن ایشان محض شرارت است، گلوی ایشان قبر گشاده است و زبانهای خود را جلا می‌دهند.» (۵: ۹)

پرستش ملت‌ها با خون بره که سلطنت می‌کند و بر تخت سلطنت نشسته، خریداری شده است.

و واکنش مردم به چنین اقدام باشکوه آن قدوس متعال چیست؟ اینطور می‌خوانیم:

«و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست و آنچه در آنها وی باشد، شنیدم که می‌گویند تخت نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدلاباد.» (مکاشفه ۵: ۱۳)

روزی، تمام ملت‌ها «به فریاد شادمانی نزد خدا بانگ برآوردند» (مزمور. ۴۷: ۱)، بخاطر بره‌ای که از جانب آنها ذبح شد. بره خدا که سلطنت می‌کند و بر تخت سلطنت خدا می‌نشیند، پاداش رنج‌هایش را دریافت خواهد کرد: ستایش ابدی از همه قوم‌ها، حرمت همراه با شادی از همه ملت‌ها.

«پسر من اگر سخنان مرا بپذیری.» (امثال ۲: ۱-۶)

به نظر می‌رسد برخی از قسمت‌های عهد عتیق را آسانتر می‌توان به مسیح مرتبط کرد. بعنوان مثال، ممکن است برای ما یک پیشگویی درباره مسیحی که می‌آید آسانتر از یک فصل از امثال باشد.

بنابراین کتاب‌های حکمت چگونه به مسیح مرتبط می‌شوند؟ بیایید امثال ۲: ۱-۶ را بطور مختصر بررسی کنیم:

«ای پسر من اگر سخنان مرا قبول مینمودی اوامر مرا نزد خود نگه می‌داشتی، تا گوش خود را به حکمت فراگیری و دل خود را به

فطانت مایل گردانی، اگر فهم را دعوت می کردی و آواز خود را به فطانت بلند می نمودی، اگر آن را مثل نقره می طلبیدی و مانند خزانه های مخفی جست و جو میکردی، آنگاه ترس خداوند را می فهمیدی، و معرفت خدا را حاصل می نمودی. زیرا خداوند حکمت را می بخشد و از دهان وی معرفت و فطانت صادر می شود».

به نظر می رسد نکته اصلی این آیات این است که اگر با جدیت به دنبال حکمت باشید، خداوند آن را عطا می کند. مطابق این قسمت، «حکمت» با «دانش و فهم» (۲: ۶)، «ترس خداوند» و «شناخت خدا» موازی است (۲: ۵). به عبارت دیگر، امثال ۲: ۱-۶ در مورد امثال ۱: ۷ بطور مفصل توضیح می دهد: «ترس خداوند سرآغاز دانش است.» حکمت - ترس خداوند - در پیگیری و شنیدن با شور و شوق «سخنان»، «دستورات» و «بصیرت» پدر یافت می شود.

بیاید عقب نشسته و با بررسی تصویر بزرگتر، بینیم این مثل در کجای مسیر داستانی کتاب مقدس قرار می گیرد. در امثال ۱: ۱، کشف می کنیم که سلیمان پادشاه حداقل بخش های آغازین این کتاب را نوشته است. سلیمان، پسر داوود، بعنوان پادشاه اسرائیل مسح شد. خدا به داوود وعده داده بود که فرزندی از او واسطه حکومت خدا بر قوم اسرائیل و از طریق قوم اسرائیل بر همه قوم های جهان خواهد بود. قرار بود ملت ها به اسرائیل نگاه کنند - که توسط پادشاهی حکیم که روز و شب در کلام خدا تفکر می نمود، رهبری می شد (تثنیه ۱۷: ۱۸-۲۰) - و قومی حکیم و فهیم ببینند. (تثنیه ۴: ۶)

بنابراین در امثال در می یابیم که خداوند با استفاده از فرزند ویژه خود، سلیمان پادشاه، فرزندان دیگری را در راه حکمت هدایت می کند. به امثال ۱: ۸ نگاه کنید:

«ای پسر من تادیب پدر خود را بشنو، و تعلیم مادر خویش را ترک منما.»

این حکمت پدرانه در امثال ۲: ۱-۶ یافت می‌شود، که با «پسرم» شروع می‌شود. اما این قسمت چگونه به مسیح اشاره می‌کند؟

اول، این قسمت بخاطر فضیلت و تقوای نویسنده به مسیح اشاره می‌کند. سلیمان، پسر داوود، به پسر واقعی داود که هنوز نیامده بود، اشاره می‌کند.

دوم، مضمون کتاب مقدسی حکمت را در نظر بگیرید و اینکه چگونه پادشاه آینده را از نسل داوود نشان داد. البته سلیمان به خاطر حکمتش بسیار مشهور بود. «و خدا به سلیمان حکمت و فهم بی‌اندازه، و وسعت اندیشه به گستردگی شنهای کنار دریا بخشید». (اول پادشاهان ۴: ۲۹-۳۰)

مسیح موعود نیز پسر حکیمی خواهد بود که حکمتش حتی از سلیمان بیشتر خواهد بود. این پسر بعنوان کسی که روح حکمت و فهم بر او قرار خواهد گرفت، توصیف شده است:

«نهالی از گنده‌یسا سر بر خواهد آورد،

و شاخه‌ای از ریشه‌هایش میوه خواهد داد.

روح خداوند بر او قرار خواهد یافت،

روح حکمت و فهم،

روح مشورت و قوت،

روح معرفت و ترس خداوند». (اشعیا ۱۱: ۱-۲؛ همچنین

اشعیا ۵۰: ۴-۵ را ملاحظه فرمایید)

بنابراین وقتی به عهد جدید می‌رویم، توصیفات از عیسی بعنوان جوانی پر از حکمت را می‌یابیم: «و طفل نمو کرده، به روح قوی میگشت و از حکمت پر شده، فیض خدا بر وی می‌گفت» (لوقا ۲: ۴۰). عیسی مشتاق بود که در خانه پدرش باشد (لوقا ۲: ۴۹). بعداً، او صریحاً خود را با سلیمان مقایسه می‌کند و می‌گوید: «ملکه جنوب در روز داوری با این نسل بر خواهد خاست و محکومشان خواهد کرد،

زیرا او از آن سوی دنیا آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، و حال آنکه کسی بزرگتر از سلیمان اینجاست». (متی ۱۲: ۴۲؛ همچنین لوقا ۱۱: ۳۱ را ملاحظه فرمایید)

بعد از اینکه عیسی در کنیسه تعلیم داد، مردم به او واکنش نشان دادند و گفتند: «و چون به وطن خویش آمد، ایشان را در کنیسه ایشان تعلیم داد، بقسمی که متعجب شده، گفتند: از کجا این شخص چنین حکمت و معجزات را به هم رسانید». (متی ۱۳: ۵۴) پولس رسول به ما می گوید که مسیح هم قدرت خداست و هم حکمت خداست (اول قرنتیان ۱: ۲۴)، کسی که در او «همه گنج های حکمت و معرفت». پنهان است (کولسیان ۲: ۳)

بنابراین، کل کتاب امثال باید با درک و فهمی خوانده شود که فقط الهیات کتاب مقدسی می تواند موجب شود: عیسی هم پسر بودن سلیمان و هم حکمت سلیمان را تحقق می بخشد. این از اشعیا ۱۱: ۱-۲ استباط می شود، زیرا ما در عهد جدید می بینیم که عیسی نوجوان در جستجوی چنین حکمتی از پدر آسمانش است: «و طفل نمو کرده، به روح قوی میگشت و از حکمت پر شده، فیض خدا بر وی می گفت». (لوقا ۲: ۴۶-۴۷) حتی معلمان شریعت نیز از درک و فهم این پسر دوازده ساله به نام عیسی شگفت زده شدند.

اگر در مسیح هستیم، پس می دانیم که بعنوان فرزندان پذیرفته شده ایم. اگر در مسیح هستیم، پس می دانیم که کتاب امثال فقط نکات عملی نیست برای زندگی کردن. کتاب امثال به ما کمک می کند تا بدانیم که زندگی مان را چگونه در ترس خداوند قرار دهیم و سپس بعنوان فرزندان خدا در راه های او قدم بگذاریم، تا شاید در حکمت و قامت و برکت رشد کنیم، درست همانطور که مسیح انجام داد.

حکمت خدا گرانبهاست. باید بخاطر گنجی که هست آن را جستجو کنیم (امثال ۲: ۱-۵). و اگر حکمت پیدا کنیم، باید همه

جلال را به خداوند تقدیم کنیم، زیرا تنها او حکمت می بخشد. (امثال ۶: ۲)

حال بیایید به دو داستان آشنا از انجیل و بخشی از نامه پولس به کولسیان پردازیم.

«عیسی قدم زنان بر روی آب، بسوی آنان رفت» (مرقس ۶: ۴۵-۵۲)

در مرقس فصل ۶، عیسی چند معجزه انجام می دهد که کمک می کند هویتش بعنوان پسر خدای زنده آشکار شود. او پنج هزار تن را خوراک می دهد (۶: ۳۰-۳۴) و بیماران را شفا می دهد (۶: ۵۳-۵۶). در میان این معجزات، ماجرای راه رفتن عیسی بر روی دریا است (۶: ۴۵-۵۲). در این بخش، شرح گیج کننده ای را پیدا می کنیم: «۴۸ و ایشان را در راندن کشتی خسته دید زیرا که باد مخالف بر ایشان می وزرید پس نزدیک پاس چهارم از شب بر دریا خرامان شده، به نزد ایشان آمد و خواست از ایشان بگذرد.» (۶: ۴۸)

عیسی بر روی آب به سمت شاگردانش که در حال تقلا بودند قدم می زند، و آنها نمی توانند او را بشناسند. آنها فکر کردند او یک روح است! اما چرا مرقس توجه ما را به این واقعیت جلب می کند که عیسی، کسی که «قدم زنان بر روی آب بسوی آنها رفت»، همچنین «قصد داشت از کنار آنها بگذرد»؟ الهیات کتاب مقدسی پاسخ ما را به این سؤال روشن می کند.

مرقس به متون عهد عتیقی اشاره می کند که هویت واقعی مسیح را برای خوانندگان روشن می کند. بیشتر کتاب مقدس ها شامل لیست ارجاعات هستند که به خوانندگان کمک می کند تا به این اشارات عهد عتیق توجه کنند، پس جستجو برای این ارجاعات را به یک عادت تبدیل کنید. بیایید به طور مختصر این ارتباطات کتاب مقدسی را بررسی کنیم.

همین فعل (از کنار گذر کردن) اغلب در عهد عتیق برای توصیف توفانی (تجسم خدا به انسان) بکار رفته است، که به معنای ظاهر شدن حضور خداوند به قومش می‌باشد. در کوه سینا، خداوند به درخواست موسی پاسخ داد که با «عبور از کنار» او بتواند جلال الهی را ببیند (خروج ۳۳: ۱۷ - ۲۳؛ ۳۴: ۶). خدا گفت «از کنار موسی می‌گذرد» تا جلال خودش را بطور غیر مستقیم آشکار کند، زیرا انسان نمی‌تواند مرا ببیند و زنده بماند» (خروج ۳۳: ۲۰).

خداوند همچنین از کنار ایلیای نبی «عبور کرد»: «او گفت: بیرون آی و به حضور خداوند در کوه بایست. و اینکه خداوند عبور نمود و باد عظیم کوهها را منشق ساخت و سخره‌ها را به حضور خداوند خرد کرد، اما خداوند در باد نبود. و بعد از باد، زلزله شد اما خداوند در زلزله نبود» (اول پادشاهان ۱۹: ۱۱).

ارتباط کتاب مقدسی دیگری با مرقس ۶: ۴۸ در کتاب ایوب وجود دارد:

«یقین می‌دانم که چنین است. لیکن انسان نزد خدا چگونه عادل شمرده شود؟ اگر بخواهد باوی منازعه نماید، یکی از هزار او را جواب نخواهد داد. او در ذهن حکیم و در قوت تواناست. کیست که با او مقاومت کرده و کامیاب شده باشد؟ آن که کوهها را منتقل می‌سازند و نمی‌فهمند و در غضب خویش آنها را واژگون می‌گرداند، که زمین را از مکانش می‌جانباند، و ستون‌هایش متزلزل می‌شود، که آفتاب را امر می‌فرماید و طلوع نمی‌کند و ستارگان را مختوم می‌سازد، که به تنهایی، آسمانها را پهن می‌کند و بر موج‌های دریا می‌خرامد، که دب اکبر و جبار و ثریا را آفرید، و برجهای جنوب را، که کارهای عظیم بی‌قیاس را می‌کند و کارهای عجیب بی‌شمار را، اینک از من می‌گذرد و او را نمی‌بینم و عبور می‌کند و احساس نمی‌نمایم» (ایوب ۹: ۲-۱۱)

توجه کنید که خدای خالق آن کسی است

«که کارهای عظیم بی قیاس را می کند و کارهای عجیب بی شمار را» (۹: ۱۰)

او به تنهایی به خورشید و ستارگان فرمان می دهد. جالب اینکه او کسی است که بر امواج دریا نیز قدم می زند. این توصیف باشکوه خداوند در آیه ۱۱ به یک اعتراف فروتنانه ارتباط دارد:

بنگرید، از کنارم می گذرد و او را نمی بینم. عبور می کند، اما احساسش نمی کنم. به عبارت دیگر، این خدای بی نهایت باشکوه فراتر از درک انسان است. جلال خدا به طرز اسرار آمیزی غیرقابل درک است.

این ارتباطات کتاب مقدسی برای درک ما از مرقس ۶: ۴۸ به چه معناست؟ حتی با وجود اینکه راه رفتن روی آب نمایانگر جلال و قدرت الهی عیسی است، ولی او فراتر از درک کامل شاگردانش باقی می ماند (مرقس ۶: ۵۱-۵۲). و سخنان آرامش بخش عیسی به شاگردان - «من هستم. نترسید» (مرقس ۶: ۵۰) - نام الهی خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب که در بوته سوزان در خروج ۳: ۱۴ به موسی نازل شد را انعکاس می دهد.

و بنابراین، مرقس عیسی را بعنوان پسر خدا، تجسم خداوند می شناسد. معجزات مرقس فصل ۶ به هویت او بعنوان کسی که کاملاً باشکوه است، کسی که «کارهای شگفت انگیز بسیاری» انجام داد، کسی که بر روی «امواج دریا» راه رفت، اشاره می کند. و همینطور که به خواندن انجیل مرقس ادامه می دهیم، متوجه می شویم که همین عیسی کسی است که در نهایت خود را در تمام جلال خود بر روی یک صلیب خونین رومی آشکار می کند (مرقس ۱۵: ۳۹).

من شبان نیکو هستم (یوحنا ۱۰)

در یوحنا ۱۰، مسیح را می بینیم که با فریسیان بحث می کند (یوحنا ۹: ۴۰). او به تازگی در فصل ۹ آیت و نشانه شگفت انگیزی اجرا

کرده، شفای مردی که کور به دنیا آمده بود، و اکنون به توضیح هویت خود برای فریسی ها که از پذیرش سخنان او خودداری می کنند، ادامه می دهد.

در تمام طول این فصل، عیسی از چند تصویر عهد عتیق استفاده می کند که چهره مسیحایی خود را باصطلاح نقاشی کند. برخلاف «دزدان» و «راهزنانی» که قبلاً آمده بودند، عیسی خود را «شبان نیکو» می نامد:

«من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهد. اما مزدوری که شبان نیست و گوسفندان از آن او نمی باشند، چون بیند که گرگ می آید، گوسفندان را گذاشته فرار می کند و گرگ و گوسفندان را می گیرد و پراکنده می سازد. مزدور می گریزد، چون که مزدور است و به فکر گوسفندان نیست. من شبان نیکو هستم و خاصان خود را می شناسم و خاصان من مرا می شناسند، چنانکه پدر مرا می شناسد و من پدر را می شناسم و جان خود را در راه گوسفندان می نهم. و مرا گوسفندان دیگر هست که از این آغل نیستند. باید آنها را نیز بیاورم و آواز مرا خواهند شنید و یک گله و یک شبان خواهند شد.» (یوحنا ۱۰: ۱۱-۱۶)

سرانجام، در یوحنا ۱۰: ۱۹-۳۰، عیسی دوباره به یهودیان خطاب می کند و به این تشبیه گوسفند / شبان باز می گردد، و اعلام می کند:

«گوسفندان من آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و مرا متابعت می کنند و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگتر است و کسی نمی تواند از دست پدر من بگیرد. من و پدر یک هستیم.» (۱۰: ۲۷-۳۰)

اما این بیانیه پایانی «من و پدر یکی هستیم» است که سبب واکنش تکان دهنده‌ای از طرف شنوندگانش می‌شود: «آنگاه یهودیان بار دیگر سنگ برداشتند تا او را سنگسار کنند» (۱۰: ۳۱).

بنابراین به نظر می‌رسد که نکته اصلی عیسی در این بخش، دو وجه دارد: «من شبان نیکو هستم» (یوحنا ۱۰: ۱۱)، و «من و پدر یکی هستیم» (۱۰: ۳۰).

هم شدت ادعاهای او و هم پاسخ مخالفان وی هنگامی روشن می‌شوند که از طریق ذره بین‌های الهیات کتاب مقدسی دیده شوند. بنابراین، چه ارتباطات کتاب مقدسی ممکن است از یوحنا ۱۰ ایجاد شود؟

با استفاده از لیست ارجاعات کتاب مقدسی، اشارات متعدد عیسی به پیشگویی حزقیال فصل ۳۴ را بسرعت کشف می‌کنیم. در اینجا، خداوند شبانان و رهبران روحانی دروغین اسرائیل را متهم می‌کند. خداوند به حزقیال می‌گوید: «به ضد شبانان اسرائیل نبوت کن» (۳۴: ۲). خود خداوند «به ضد شبانان» است (۳۴: ۱۰)، همانطور که عیسی مخالف فریسیان است.

دو نکته دیگر از حزقیال ۳۴ پدیدار می‌شود. اول اینکه خود خداوند شبان نیکوی قومش خواهد بود: «خداوند یهوه می‌گوید که من گوسفندان خود را خواهم چرانید و من ایشان را خواهم خوابانید» (۳۴: ۱۵). خود خداوند شبان قومش بوده و گوسفندانش را خوراک خواهد داد (۳۴: ۱۴).

دوم اینکه پادشاهی مثل داوود نیز شبان نیکوی قوم او خواهد بود: «ویک شبان بر ایشان خواهم گماشت که ایشان را بچرانند یعنی بنده خود داوود را که ایشان را رعایت بنماید و او شبان ایشان خواهد بود. و من یهوه خدای ایشان خواهم بود و بنده من داوود در میان ایشان

رییس خواهد بود» (۳۴: ۲۳-۲۴). مسیح آینده قوم او را شبانی خواهد کرد و به گوسفندان او خوراک خواهد داد.

بنابراین پیشگویی حزقیال ۳۴ سؤال نیشداری را بوجود می آورد: آیا شبان نیکوی قوم خدا که در آینده می آمد، خود خداوند خواهد بود یا پادشاهی مثل داوود خواهد بود؟ عیسی پاسخ این راز را در یوحنا ۱۰ فراهم می کند. عیسی مسیح موعود است، پادشاهی مثل داوود که شبان نیکوی قوم خود می باشد. اما عیسی همچنین «با پدر یکی» است. او خود خداست. به عبارت دیگر، خداوند و شبانی مثل داوود در حزقیال ۳۴، یک شخص است. عیسی کلمه ازلی است که انسان شد (یوحنا ۱: ۱۴)، که از ازل با خدا بود و خود خدا بود (یوحنا ۱: ۱).

در حزقیال ۳۴، خداوند همچنین وعده می دهد: «من گله خود را نجات خواهم داد» (۳۴: ۲۲). این نجات چگونه اتفاق خواهد افتاد؟ باز هم عیسی در یوحنا ۱۰ پاسخ را فراهم می کند: «من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهد» (یوحنا ۱۰: ۱۱).

در عیسی، کلمه انسان و مسیح موعود شد، امید حزقیال ۳۴ تحقق یافت. در عیسی، قوم خدا شبان نیکوی خود را پیدا کرده اند - و عیسی بعنوان شبان نیکو، قوم خود را جستجو می کند و قوم خود را خوراک می دهد. و از همه شگفت آورتر اینکه عیسی سپس آنها را نجات می دهد، با فدا کردن جان خود برای آنها بر روی صلیب. بنابراین، عیسی شبان نیکویی است که تا ابد از قوم خود مراقبت خواهد کرد (مکاشفه ۷: ۱۷).

او ما را از قدرت ظلمت رهانید (کولسیان ۱: ۱۲ - ۱۴)

خروج قوم خدا از مصر، بزرگترین عمل رهایی الهی است، مهمترین نمونه قدرت نجات دهنده خداوند است. نویسندگان عهد

عتیق غالباً جهت یادآوری به قوم خدا که هیچ چیز برای او غیرممکن نیست، به خروج اشاره می کنند.

خروج همچنین به تصویری از آنچه خدا در آینده برای مردمش انجام خواهد داد، تبدیل می شود. می توانید این مضمون «خروج جدید» را در کتاب های نبوتی، به ویژه اشعیا بخوانید (اشعیا ۱۱: ۱۱، ۱۵-۱۶؛ ۱۴: ۱-۲؛ ۶۲: ۱۱-۱۲). آنها عملیات نجات حتی بزرگتری را که قرار است انجام شود را به تصویر می کشند، عملیات نجاتی که مانند رشته نخ براقی در سراسر پارچه پر از نقش و نگار کتاب مقدس، از پیدایش تا مکاشفه، بافته شده است.

این موضوع ما را به کولسیان ۱: ۱۲-۱۴ می رساند. همانطور که خواهیم دید، پولس رسول به این مضمون خروج توجه می کند تا خوانندگان خود را تشویق کند که از خدای پدر بخاطر آنچه که از طریق عیسی مسیح، پسر محبوب خود انجام داده است، تشکر کنند. این آیات بخش پایانی دعای ابتدای نامه پولس است.

اگرچه پولس کلیسای کولسی را تاسیس نکرد (رجوع کنید به ۲: ۱-۵)، اما از کار انجیل که خدا در میان آنها انجام می داد، خوشحال شد. بنابراین نامه خود را، همانطور که اغلب انجام می دهد، با تشکر از خدا (۱: ۳-۸) و شفاعت برای ایمانداران آنجا (۱: ۹-۱۴) آغاز می کند. بلافاصله پس از این دعا، پولس به توضیح باشکوهی در مورد برتری پسر خدا می پردازد، کسی که خداوند هم کل خلقت (۱: ۱۵-۱۷) و هم خلقت جدید (۱: ۱۸-۲۰) است.

دعای او از طرف ایمانداران کولسی از پثرواک های خروج لبریز است:

«و از آن جهت ما نیز از روزی که این را شنیدیم، باز نمی ایستیم از دعا کردن برای شما و مسالت نمودن تا از کمال معرفت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید، تا شما به طریق شایسته خداوند به کمال رضامندی

رفتار نمایید و در هر عمل نیکو بار آورید و به معرفت کامل خدا نمو کنید، و به اندازه توانایی جلال او به قوت تمام زور آور شوید تا صبر کامل و تحمل را با شادمانی داشته باشید؛ و پدر را شکر گزارید که ما را لایق بهره میراث مقدسان در نور گردانیده است، و ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت، که در وی فدیة خود یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته ایم» (۱: ۹-۱۴)

بیاید چند ارتباط متنی این قسمت از کلام با خروج را بررسی کنیم.

در آیه ۱۲، پولس می گوید خدا «به شما واجب کرده است که در وراثت مقدسین در [پادشاهی] نور مشارکت کنید.» خدا «ملتی را برای وراثت» واجد شرایط «یا» مناسب «کرده است. به «شما» توجه کنید. این مهم است زیرا پولس در آیه بعدی به «ما» تغییر می یابد. در آیه ۱۲، به نظر می رسد که او به مخاطبان غیرمجاز اولیه خود در کلوزه می گوید، خدا شما را «شما» ساخته است - شما را به وارث خود نیز تبدیل می کنید! در مسیح، خدا ملتها وارث و قدیسان در پادشاهی نور شده است.

این نحوه سخن گفتن از «وارثان» و «میراث» در عهد عتیق برای اشاره به یهودیان تحت عهد قدیمی استفاده شده است (اعداد ۲۶: ۵۲-۵۶). اما در اینجا، پولس همان شیوه را برای اشاره به ایمانداران غیریهودی تحت عهد جدید بکار می برد. خدا چگونه این را برای قوم خود به انجام رسانده است؟ پولس به ما می گوید: «و ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت، که در وی فدیة خود یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته ایم» (کولسیان ۱: ۱۳-۱۴).

به عبارت دیگر، این میراث بعنوان هدیه خدا به قوم عهد جدیدش بوسیله یک خروج جدید و بزرگتر تضمین شده است. او مردم خود را از سلطه تاریکی نجات داده و به پادشاهی شکوهمند خود، پادشاهی پسر محبوب خود منتقل کرده است.

ادبیات آیه ۱۳ آنچه که خداوند در خروج ۶: ۶-۸ به موسی گفت را بیاد می آورد:

«را از بندگی ایشان رهایی دهم، و شما را به بازوی بلند و به داوری های عظیم نجات دهم و شما را خواهم گرفت تا برای من قوم شوید، و شما را خدا خواهم بود، و خواهید دانست که من یهوه هستم، خدای شما، که شما را از مشقت های مصریان بیرون آوردم. و شما را خواهم رسانید به زمینی که درباره آن قسم خوردم، که آن را به ابراهیم، اسحاق و یعقوب بخشم. پس آن را به ارثیت شما خواهم داد. من یهوه هستم.» (خروج ۶: ۶-۸)

اسرائیل اسیر یک ارباب ظالم در مصر بود. آنها بردگی می کردند. اما خداوند با دست قدرتمند خود اسرائیل را از اسارت نجات داد (خروج ۱۴: ۳۰). و اکنون، پولس می گوید که خدا کاری در مسیح انجام داده است که حتی بزرگتر است. او اکنون قوم خود را از اسارت بزرگتر و تاریکی عظیمتری نجات داده است (اعمال ۲۶: ۱۸). چطور؟ از طریق صلیب عیسی: «و ریاستها و قدرتها را خلع سلاح کرده، در نظر همگان رسوا ساخت و به وسیله صلیب بر آنها پیروز شد» (کولسیان ۲: ۱۵). در مسیح، قوم خدا «آزاد شده اند» (۱: ۱۴). مسیح بر روی صلیب برای قوم خود فدیة شد و به این طریق آزادی آنها از اسارت را تضمین نمود (مرقس ۱۰: ۴۵).

الهیات کتاب مقدسی چگونه می تواند در مطالعه کولسیان ۱: ۱۲-۱۴ مؤثر باشد؟ پولس می خواهد که ایمانداران کولسی (و ما!) به خاطر نجات عظیم مان از خدا تشکر کنند. برای این منظور، او از ادبیات کتاب خروج وام می گیرد تا خروج جدیدی که خدا از طریق مرگ

مسیح بر روی صلیب انجام داده است را توضیح دهد. پولس از خوانندگان خود می‌خواهد که این دو کار بزرگ نجات خدا را بهم پیوند دهند: یعنی خروج و صلیب را.

اما همچنین می‌خواهد مطمئن شود که ما صلیب مسیح را حتی بزرگتر از خروج می‌بینیم. این مساله باید سبب شکرگذاری ما شده و قلب‌مان را از ستایش لبریز کند. عیسی بعنوان پسر خدا درک کرد که باید مسیر اسرائیل، «پسر» نخستزاده خدا در عهد عتیق را پیروی کند. عیسی مانند اسرائیل، از مصر بیرون آمد (متی ۲: ۱۳-۱۵). عیسی مانند اسرائیل، از آب‌ها عبور کرد. عیسی مانند اسرائیل، در بیابان آزمایش شد.

در انجیل لوقا، کار نجاتبخش مسیح با ادبیات خروج توضیح داده شده است. چطور؟ در لوقا ۹: ۲۲، عیسی به شاگردانش می‌گوید که به اورشلیم می‌رود تا رنج ببرد و بمیرد و در روز سوم زنده شود تا قوم خود را نجات دهد. فقط چند آیه بعد، لوقا به آنچه عیسی قصد داشت در «رحلت» خود، یعنی خروجش به انجام برساند، اشاره می‌کند (۹: ۳۱).

این خروجی که قرار بود عیسی انجام دهد در عید پسخ در اورشلیم اتفاق می‌افتاد. عیسی خود را بعنوان بره بی‌عیب خدا که گناهان جهان را بر می‌داشت، بر روی صلیب تقدیم کرد (یوحنا ۱: ۲۹)، و همه نمونه‌ها و سایه‌های خروج و پسخ را تحقق بخشید. خون او برای پوشاندن گناهان قومش ریخته شد و غضبی که سزاوار آن بودند را بر خود گرفت - و با این حال، هیچ یک از استخوان‌های او شکسته نشد (خروج ۱۲: ۴۶؛ یوحنا ۱۹: ۳۶). مسیح، بعنوان بره پسخ ما، قربانی شده است و یک خروج جدید و بزرگتر برای قوم خود به ارمغان آورد (اول قرن‌تیاں ۵: ۷).

مسیحیان، آیا برای این نجات بزرگ سپاسگزار هستید، برای این خروج جدید و بزرگتر که خدا از طریق پسرش بجای شما انجام داده

است؟ اصلی ترین کاربردی که باید از این قسمت کلام بیرون بکشیم این است که این حقیقت را بیاد داشته باشیم وبخاطرش شکرگزاری کنیم.

چرا پولس از ادبیات خروج شدن در متن دعای شکر گذاری استفاده می کند؟ این تا حدودی به دلیل واکنش اسرائیل به آنچه خدا برای آنها انجام داده بود، می باشد. آنها به جای شکرگزاری، علیه خدا غرغر کردند؛ کارهای نجات بخش او را فراموش کردند. اشاره پولس به خروج بخاطر این است که به کولسیان علامت بدهد که برای خروج جدیدی که در مسیح تجربه کرده اند، شکرگزاری کنند.

اسرائیل باز خرید شد، با این وجود گله و شکایت کرد. ما در مسیح باز خرید شده ایم. آیا شکر گزار خواهیم بود — یا گله و شکایت خواهیم کرد؟

دیگر کتاب‌های فارسی موسسه ناین مارکس که توسط کانون کتاب مقدس به فارسی ترجمه شده است.

